

کشور متمدن ایران و روم وجود داشت که بحال استقلال و در شرایط مساعدی زیست میکردند، چون قوم عرب هیچ کالای مهمی برای مبادله با کشورهای همجوار نداشت برای رفع مشکل اقتصادی، حمله و هجوم و غارت و کشتار ملل همجوار را بعنوان مسلمان کردن آنها تجویز نمود و اصولی برای تقسیم اموال غارت شده قائل گردید در نتیجه قوم عرب که سالیان دراز در سختی گذران میکرد، در پناه شعار «لنا احدى الحسنین» یا فتح میکنیم و غنیمت میبریم یا کشته می شویم و به بهشت میرویم، به تسخیر ممالک همجوار و قتل کفار همت گماشت. سوره ۴۷ از آیه ۴-۷ قرآن نیز این معنی را ناپید میکند.

چون بکافران میرسید آنان را گردن بزنید، چندانکه کشتاری عظیم شود، پس اسیران را سخت بر بندید، آنگاه پس از جنگ بر آنان منت نهاده آزادشان کنید یا هدیه بستانید و رهائی بخشید، کارچنین است و اگر خدا میخواهد خود بر آنان نصرت مییافت لکن مشیت او بر این است که شما را بوسیله یکدیگر بیازماید. آنانکه در راه خدا کشته شده اند، خدا اجراء اعمالشان را باطل نمیکند؛ بزودی آنها را راهنمایی و کارشان را اصلاح خواهد کرد و در بهشتی که برای آنها تعریف نموده داخل خواهد فرمود <

یکی از دانشمندان مینویسد ظهور اسلام ... در عربستان مصادف است با موقعی که در ایران فشار مالیات و تحمیلات مغها و اعیان یعنی عواملی که مزدک را بظهور رسانید بعد اعلان رسیده بود - خرافات دینی سنگینی مالیات، فقدان امنیت عمومی، فقری که از جنگهای باروم نتیجه شده بود، عیاشیها و تجملات امثال خسرو پرویز تمام این عوامل بدون ارتباط با اوضاع عربستان اسباب اضمحلال ایران را بهر صورتی که پیش آید فراهم کرده بود نظیر این قضایا و مشکلات در ممالک روم نیز وجود داشت - پس اسباب انقراض ساسانی و انتزاع مستملکات رومی قبل از ظهور اسلام داشت فراهم میآید. <

خلفای اسلام ابتدا ناحیه بابل و شام را بتصرف فتوحات مسلمین در آوردند، سپس در دوران خلافت عمر عراق عرب و ایران و مصر و نوبه ضمیمه ممالک اسلامی گردید و در دوره عثمان

عساکر اسلامی تا قفقاز و هندوستان پیش ناختمند، بعد از عثمان در دوره خلافت علی (ع) در اثر اختلافات داخلی پیشرفت محسوسی در حوزه نفوذ اسلامی حاصل نشد، پس از قتل جانگداز علی (ع) دوره حکومت خلفای راشدین سپری شد و با روی کار آمدن معاویه و استقرار خلافت بنی امیه دوره صفا و پیراستگی حکومت اسلامی بسر رسید، شکوه و جلال و تشریفات در بارهای ایران و روم در دربار خلفای اموی تجدید گردید و اصول تبعیض، تملق، زور گوئی و تجاوز بحقوق زیردستان در حوزه اسلامی نیز راه یافت و نخستین بندر نارضاپتی و انقلاب در قلوب ملل تابعه کاشته شد.

در دوره بنی امیه حوزه قدرت اسلامی رو بوسعت نهاد و مسلمین موفق شدند با تصرف سیسیل عبور از جبل الطارق و اشغال اندلس (اسپانی) و تصرف هندوستان و حدود چین در قرن اول هجری مناطق جدیدی را بتصرف خود آورند و در قرن دوم هجری نیز مسلمین قدم در خاک فرانسه گذاشتند ولی از شارل مارتل شکست خوردند و سرانجام شارلمانی مسلمین را از جنوب فرانسه بیرون راند، در این دوره حکومت اسلامی از بنی امیه به بنی عباس منتقل گردید و از این دوره جهانگیری اسلامی پایان پذیرفت.

علل جنبشهای اعتراضی

در نتیجه تضادهای داخلی، عدم رضایت ملل تابعه، ضعف حکومت و زور گوئی و استبداد خلفای اموی و فراموش شدن سنتهای اولیه اسلامی از قرن دوم هجری نهضت های استقلال طلبی در ممالک اسلامی آغاز گردید و در اسپانیا؛ مصر؛ حلب و شامات و ایران و غیره جنبشهای اعتراضی شدیدی علیه دستگاه خلافت بوجود آمد، از لحاظ ایدئولوژی نیز چون احکام اسلام و مقررات آن آرزو و تمایلات بسیاری از طبقات مردم را اذعان نمیکرد چندی پس از ظهور اسلام مردم شاخه ها و انشعابات مختلف الشکلی در دین پدید آوردند نهضت های مقاومت در ایران چنانکه خواهیم دید از همه جا وسیعتر و دامنه دارتر بود زیرا مبارزه ملت ایران با دستگاه خلافت تنها در زمینه های نظامی و سیاسی نبود بلکه در میدان ایدئولوژی (مذهب، فلسفه و عرفان) نیز از طرف آزادیخواهان ایران و دیگر ملل خاور میانه آراء و نظریات تازه ای ابراز گردید در انجام به سلطه کامل ایرانیان منجر گردید.

حکومت سیاسی اعراب در قرن دهم از سراسر جهان بر افتاد و اثری از آن باقی نماند تنها دین اسلام و زبان عرب در بعضی از ممالک باقی ماند .

پس از آنکه دوران کشورگشائی سپری گردید ، خلفا برای رتق و فتق امور و اداره کشورهای وسیع اسلامی مجبور شدند بتقلید دو دولت ایران و روم سازمان و تشکیلات بالنسبه منظمی بوجود آورند و مخصوصاً از حاصل اطلاعات و تجارب ایرانیان برای انتظام امور کشوری و لشگری استفاده نمایند . بهمین مناسبت برای اداره هر استان یکنفر بنام والی انتخاب میشد که با قدرت و اختیار بنام خلیفه حکومت میکرد در هر حوزه برای رتق و فتق امور و جلوگیری از تعدی و تجاوز عدهای از بهترین افراد مسلمین بمقام قضاوت انتخاب میشدند و در حل و فصل دعاوی ؛ اجرای احکام شرع ؛ حفظ حقوق صغار و محجورین ، اداره اوقاف ، اجرای کامل وصیت نامه ها و نظارت در حفظ حقوق مسلمین صرف وقت میکردند ایندسته از مأمورین وظایف خود را بکمک اعضای علی البدل و عدهای کارمند و منشی انجام میدادند علاوه بر این عدهای بنام « محتسب » برای حفظ نظم و مبارزه با دزدان و تبهکاران در شهرها انجام وظیفه میکردند .

برای تسهیل مسافرت و آمدورفت کاروانهای تجارتمی ، جاده ها اصلاح شد و طرق جدیدی احداث گردیده چاپارخانه های بتقلید ایرانیان و رومیها در هر ایالت تأسیس گردید .

پس از آنکه بنی العباس بخلافت رسیدند دخالت عنصر ایرانی در کارها فزونی گرفت و خلفا بتقلید ایرانیان برای اداره امور مختلف وزراء و مسئولینی انتخاب کردند مهمترین سازمانهای آن دوره هفت دیوان خانه بود که بامور مالی ، کشوری ، جنگی ، حسابداری ، دادگستری ، رسائل ، بندگان و غلامان رسیدگی مینمود .

بنابر این وقتی که ما از تمدن اسلامی سخن میگوئیم بهیچوجه منظورمان تمدن عرب نیست بلکه مقصود از تمدن اسلامی نتیجه ای است که از آمیزش و اختلاط تمدن اقوام ایرانی ، مصری ، هندی ، یونانی رومی ، با قوم عرب حاصل

شده است و در این جریان چنانکه کلیه مورخین بیطرف معتقدند سهم ملت ایران در رشد و تکامل تمدن اسلامی بیش از سایر ملل است . یکنفر ایرانی در حضور یحیی بن خالد برمکی خطاب بیکنفر عرب چنین میگوید « ما شما ملت عرب هیچوقت احتیاج پیدا نکردیم ، هیچ چیزی را هم از شما اقتباس نکردیم چون دولت شما بکار آمد شما از ما بی نیاز نشدید ب همه چیز ما احتیاج داشته و دارید ، خوراک ، پوشاک و دیوان و امثال اینها را یا عیناً از ما ربوده و استعمال کردید یا اندک تغییری بدان داده بخود بستید . »

نقل از کتاب ضعی الاسلام

مالیات و عوارض در آمد کشورهای اسلامی از سه منبع تأمین میشده است :

- ۱- عشریه که از تمام مسلمانان بابضاعت گرفته میشد .
 - ۲- مالیات ارضی که از رعایای غیر مسلمان بنام خراج اخذ میشد .
 - ۳- مالیات سرشماری « جزیه »
- مالیات ارضی و جزیه در صدر اسلام بارعایت وضع مؤدیان اخذ میشد و نسبت به پیروان آئین یهود ، عیسی و مجوس و سامری بیشتر از پیروان مذاهب دیگر رعایت انصاف میشد .

پس از پایان حکومت خلفای راشدین ، بعلت توسعه حوزه قدرت مسلمین وجود سازمان و تشکیلات منظمی احساس گردید و ادارات و سازمانهایی برای انتخاب و تعیین مأمورین وصول مالیات ، و نظارت در مخارج و عواید و جلوگیری از حیف و میل بوجود آمد و در اجرای این نقشه ها از تعلیمات و سوابق ایرانیان استفاده شد و چون تجملات دربار خلفا و سازمان لشگری و کشوری اسلامی رو بوسعت بود روز بروز بر میزان مالیات و انواع آن اضافه میشد بطوریکه در کتاب عرب و اسلام مینویسد در دوره خلافت عباسی درآمد کشور تشکیل میشد از :

- ۱- مالیات ارضی .
- ۲- عشریه یا مالیات بر درآمد و زکوة و صدقات .

۳- يك خمس در آمد معادن و مراعات و چراگاهها.

۴- جزیه .

۵- حقوق گمرکی

۶- مالیات ماهی و نمک.

۷- مالیاتی که از دکانداران و فروشندگان معاير گرفته ميشد.

۸- مالیات کارخانجات .

۹- مالیات اشیاء تجملی.

۱۰- مالیات بر واردات.

برای آنکه بیشتر براه و رسم مالیاتی آن دوره و ائف شویم جمله ای چند از کتاب رساله الصحابه ابن مقفع را که خطاب بعمال دولت نوشته در اینجا نقل میکنیم : « ... چون زمینها و کشتزارها از حیث خوبی و بدی و سختی و آسانی آبیاری متفاوت است، بنابراین باید مالیات آنها هم متفاوت باشد ، از این گذشته باید تمام جریانات در دفاتر مخصوصی از روی قواعد تدوین شود ، زمین را باید مساحی کرد که مالیات آن متناسب خود زمین و مقدار کشت و زرع مقرر شود، قرض مالکین هم معلوم و اندازه مالیات معین و در دفاتر مخصوصی از روی قواعد تدوین شود، زمین را باید مساحی کرد که الیات آن متناسب خود زمین و مقدار کشت و زرع مقرر شود چنین اقدامی موجب فزونی ثروت و جلوگیری از خیانت و تجاوز مأمورین و محصلین میشود، این عمل محتاج مخارج بسیار و انتخاب رجال درستکار میباشد، نتیجه این اقدام بزودی حاصل میشود ولی فایده آن در آینده بسیار خواهد بود . »

در صدر اسلام ، یعنی در دوره ای که هنوز از لحاظ طبقات اجتماعی پس از ظهور اسلام معیشت و شرایط زندگی مادی بین اعراب اختلافی بوجود نیامده بود، اصول تساوی و برابری کم و بیش رعایت میشد ولی پس از آنکه اسلام از شبه جزیره عربستان به آسیا و آفریقا و اروپا راه یافت اوضاع اجتماعی این ممالک به نوبت خود در اسلام موثر افتاد و آثار اختلاف طبقاتی در بین اعراب نیز آشکار شد .

از قرن اول هجری بیعد ، در اثر استقرار امنیت، ایجاد راههای ارتباطی، آمد و رفت کاروانهای تجاری بین ممالک مختلف، بازار تجارت رونق گرفت و در نتیجه این احوال بازرگانان، مالکین و ارباب حرف، مال و منال و سرمایه فراوان گرد آوردند در حالیکه برزگران و سایر زحمتکشان وضع خوشی نداشتند.

از طرفی در دوره بنی امیه در اثر موفقیتها و فتوحاتی که نصیب اعراب بادیه نشین شده بود جنون تفوق ملی و نژادی در آنان بیدار شد و وملل غیر عرب را «موالی» خواندند و انواع تحقیر در حق آنان روا داشتند و شعار (انما المومنون الاخوه) و گفتار محمد (س) که بین سید قرشی و سیاه حبشی فرقی نیست یکباره فراموش شد؛ در نتیجه صدق و صفا و حدود و قیودیکه در صدر اسلام وجود داشت در دوره حکومت بنی امیه و بنی العباس از بین رفت غالباً ثروتمندان و سرمایه داران از پرداخت دین و اجرای فرائض مذهبی و کمک به نیازمندان سرباز میزدند و مانند خلفا و درباریان، منافع شخصی را بر مصالح مسلمین ترجیح میدادند ، همین جریانات سبب شد که از قرن دوم هجری بسیاری از سکنه ممالک مفتوحه و توده هائیکه از نهضت اسلام به امید مساوات و برابری و شکسته شدن سدهای قدیم پشتیبانی و استقبال کرده بودند، از راهها و وسائل مختلف علیه دستگاه خلافت بمبارزه برخیزند و مخالفت خود را از راه قیامهای استقلال طلبانه و ایجاد ادیان و مذاهب مختلف با حکومت مرکزی اسلامی اعلام دارند

بردگی در اسلام

طبق مقررات اسلامی کلیه سکنه شهرهائی که مسخر اعراب میشدند و نیز کلیه کفاریکه هنگام جنگ با سارت در میآمدند در عداد موالی و بردگان بشمار میآمدند ، هر گاه اسیر کافر، مسلمان میشد بندگی و رقیت او از بین نمیرفت برده در حکم مال و دارائی اشخاص محسوب میشد هنگامیکه مجاهدین برده ها را به امام وقت عرضه میکردند او يك پنجم آنها بخدمات عمومی میگماشت و بقیه را در اختیار مجاهدین میگذاشت و آنان این متاع را در معرض خرید و فروش ورهن و اجاره قرار میدادند . در غالب شهرها بازار مهمی برای خرید و

فروش انواع برده‌ها از مرد وزن وجود داشت طبق احکام اسلامی هر کس می‌توانست چهار زن عقدی و هر قدر بخواهد کنیز برای تمتع خود اختیار کند ، بهمین جهت از صدر اسلام همواره در داخل خانواده‌ها بین بانوان و کنیزان اختلاف و نزاع داخلی وجود داشت و همیشه زادگان (بانو) فرزندان کنیز بدیده تعقیب و پستی می‌نگریستند - پس از پایان حکومت خلفای راشدین در دوران حکومت بنی‌امیه ، بسیاری از تعلیمات اسلامی فراموش گردید و حس تفوق ملی و نژادی در اعراب بیدار گردید و برخلاف مندرجات قرآن و گفته پیغمبر (ص) که فرموده «عرب بر عجم برتری ندارد مگر در نتیجه پرهیز کاری» اعراب خاصه در دوره حکومت بنی‌امیه باموالی در نهایت سختی رفتار کردند

یکی از مورخین مینویسد « اعراب تا ظهور دولت بنی‌العباس عادت داشتند که اگر یکی از آنها از بازار بخانه برگردد هر مناعی که در دست داشت بهر که از موالی میرسید تحمیل میکرد که برای او بلاعوض حمل کند و اگر یکی از اعراب پیاده و مولی سوار بود مولی مر کوب خود را مجبور بود به عرب بدهد و در رکاب او راه برود» (۱)

این طرز رفتار، حس ملی ایرانیان و سایر مللی را که به امید آزادی، و مساوات اسلام آورده بودند علیه اعراب و دستکاه خلاف برانگیخت و آنان را بکار شکنی و بدخواهی وادار نمود - ایرانیان برای رهایی از چنگ عرب از راه دین وارد شدند و بنی‌هاشم را که به پیغمبر نزدیکتر از بنی‌امیه بود تقویت و یاری کردند و حکومت بنی‌العباس را با فکر و بازوی خود روی کار آوردند جاحظ میگوید « بنی‌العباس ایرانی و خراسانی و دولت بنی‌امیه عرب و بدوی بود»

از دوران حکومت منصور خلیفه عباسی موالی مصدر امور مهمی شدند و بسیاری از آنها بر اعراب ریاست و برتری یافتند ، حکومت ایرانیان و دخالت موثر آنان در دستکاه خلافت مخصوصاً در زمان مامون فزونی گرفت احمد امین محقق مصری در کتاب ضحی‌الاسلام (پرتو اسلام) مینویسد «چیزیکه بر نفوذ و اقتدار ایرانیان افزود فتح آنان در دومین بار بود همانطور که ایرانیان

از پرتو اسلام نوشته احمد امین

بنی‌امیه را مغلوب و بنی‌العباس را یاری کردند نسبت بمامون کمک کرده به نصرت او شتافتند ، اعراب نیز امین را یاری کردند و در این نبرد ظفر نصیب ایرانیان شد بنابراین غلبه مامون عبارت از غلبه ایرانیان بود . « در نتیجه غلبه ایرانیان وضع موالی دیگرگون شد و عنصر ایرانی در ادارت حکومت عرب نفوذ فراوان حاصل نمود و تقریباً تمام مقامات موثر نظیر وزارت و حکومت در انحصار ایرانیان بود و همین جریان سبب گردید که بسیاری از سنن و آداب و رسوم اجتماعی و اداری ایرانیان در بین اعراب رخنه و بنام تمدن اسلامی تجلی نماید

وضع بردگان بعضی معتقدند که وضع غلامان و اوضاع اجتماعی آنان در حوزه قدرت اسلامی از غلامان و بردگان اروپا براتب بهتر بود . از جمله مسیو آ. بو (About) میگوید:

«عیب بردگی در مسالك اسلامی تا این اندازه کم است که بسیاری از سلاطین قسطنطنیه که امیرالمومنین بودند از کنیز بوجود آمده و از این راه بحیثیت و مقام یا شجاعت و بهادری آنها خللی وارد نشده است . « با اینحال نباید منکر محرومیت‌های اجتماعی بردگان شد و فراموش کرد که اسلام اصولاً بردگی را تجویز کرده و اگر مزایائی برای غلامان وجود داشته فقط منحصر به بردگان زیبا و صاحب جمال بوده است و غلامان زشت صورت و گریه همواره چون متاع ناچیزی خرید و فروش میشدند و انجام دشوار ترین کارها بعهده آنان بود.

وضع زنان بعضی معتقدند قبل از ظهور اسلام یعنی در دوره جاهلیت اعراب برای طبقه نسوان ارزش و مقامی قائل نبودند و اولاد زن برای هر خانواده بدبختی و مصیبتی عظیم بود چنانکه آیه ۶۰ و ۶۱ از سوره نحل مؤید این معنی است اذابشرا حد هم بالانثی ظل وجهه مسوداً وهو کظیم یعنی «چون مژده دختر بکسی میدادند رنگ و رویش سیاه میشد و خشمناک میگردد و در آیه ۶۱ میگوید با شنیدن این خبر ناگوار از مردم پنهان می‌شد نمیدانست که آن دختر را با خواری نگاهدارد یا در زیر خاک پنهانش کند»

پیشوای اسلام بنفع زنان و بردگان دستورات و تعلیماتی داد از جمله

در هشتم ذیحجه (مطابق ۷ مارس ۶۳۲) در مکه خطاب بردمی که گرد او حلقه زده بودند چنین گفت :

«... ای مردم حقی شما از زنان خود دارید و حقی هم آنها از شما دارند... با زنان خود به محبت و مهربانی رفتار کنید و اما در خصوص برده بآنها بخورانید همان غذایی را که خود میخورید و به آنها همان لباسی را بپوشانید که خود می پوشید و اگر خطای غیر قابل گذشتی از آنها سرزد، باید آنها را از خود جدا کنید چه این بیچارگان هم بندگان خداوند و نباید با آنها بد رفتاری نمود ... ای مردم بسختانم توجه کنید و بدانید که تمام مسلمانان با هم برابر و برادرند ، بلکه همه شما بنزله یک جا نید ... ای مردم مراقب باشید تا کاری برخلاف عدل و داد از شما سر نزند...»

در کتاب تاریخ عرب و اسلام می خوانیم، زنان در صدر اسلام کاملاً آزاد بودند در سخنرانیهای مذهبی و اجتماعی زن و مرد در محل وعظ و خطابه حاضر میشدند ، بانوی عرب در نيزه بازی سواره، شمشیر بازی و سایر مسابقه های ورزشی بی حجاب حاضر میشد.

مویز این معنی خطبه بلینی است که حضرت زهرا در سال اول رحلت پیشوای اسلام در مدینه ایراد کرد و پس از تشریح خدمات محمد (ص) حضرت امیر را بعنوان تنها شخصیت لایق برای احراز مقام خلافت معرفی نمود و ضمناً ناحیه «فدک» را بعنوان ارث ، حق مشروع خود دانست؛ علاوه بر این خطبه های فضیخ حضرت زینب در کوفه و شام نموداری از مداخله زنان آن دوره در امور اجتماعی و سیاسی است . ناگفته نماند که در جنگ «احد» یکی از قهرمانان میدان نبرد زنی بود بنام ام عماره که پیشاپیش جبهه جنگ از پیشوای اسلام دفاع میکرد.

بعضی معتقدند پس از آنکه اوضاع اقتصادی و اجتماعی عربستان تغییر یافت اعراب به بسیاری از سنن نامطلوب اجتماعی خود پی بردند .

از جمله مقام و ارزش اجتماعی زنان را تا حدی بالا بردند، قبل از اسلام نه تنها قوانین هادی بلکه مقررات مذهبی نیز غالباً بزیان نسوان بود چنانکه در توراة مینویسد « زن تلخ تر از مرگ است» و در جای دیگر

میگوید « هر کس در نزد خدا محبوب است خود را از شر زن محفوظ خواهد داشت»

بطور کلی در این دوران چون زنان در فعالیت های اقتصادی نقش موثری نداشتند غالباً مورد بی احترامی مردم واقع میشدند چنانکه فی المثل هندیها میگفتند « قضاء حتمی ، طوفان ، موت ، جهنم ، سم ، مار گزنده و آتش سوزان در میان تمام آنها هیچک از جنس زن بدتر نیست» اسلام با پیروی از نمایلات عمومی مقام نسوان را تا حدی ترقی داد و رسوم قدیم را مندموم و محکوم شمرد از جمله ازدواج با محارم را بموجب یکی از آیات قرآن قدغن نمود .

« ای مومنین ازدواج و همخوابی با مادران ، دختران ؛ خواهران ، عمه ها ، خاله ها ، برادر زاده و خواهر زاده و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و زنان پسران و نیز دو خواهر حرام است»

اسلام برسم تعدد زوجات که قبلاً نیز بین اقوام شرقی مانند یهودیان ، ایرانیان و اعراب شایع بوده ایرادی وارد نکرده است ، بموجب قانون اسلام هر مرد میتواند چهار زن عقدی و هر چه بخواهد زن صیغه اختیار کند ، اختیار طلاق با مرد است ولی در هر حال پرداخت نفقه و کسوه با مرد خواهد بود وزن در پرداخت مخارج خانوادگی تعهدی ندارد و هنگام طلاق حق دارد مهر خود را مطالبه کند و نیز حق هر گونه تصرف و معامله را در اموال خود دارد .

نباید فراموش کرد که در قرون بعد بعضی از احکام و قوانین اسلام تغییر معنی و صورت داد از جمله بعضی آیه ۳۸ سوره نساء را (الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض) یعنی « مردان بر زنان برتری دارند بدینچه خدا مزیت داد برخی را به برخی» وسیله حکومت مطلقه خود بر زنان قرار دادند و نه تنها آنان را از حقوق و وظایف اجتماعی خود محروم ساختند بلکه طبقه نسوان را محکوم بکوشه گیری و تنظیم امور داخلی نمودند . در خاتمه باید در نظر داشت که بعضی از محققین اروپا از جمله بروکهایس Brokhais نویسنده آلمانی معتقد است وضع عمومی نسوان قبل از ظهور اسلام بهتر بوده و اسلام با مقررات خویش بر مشکلات حیاتی آنان افزوده است .

طبق مقررات اسلام مرد می‌تواند زن خود را طلاق دهد ولی مکلف است نفقه و مهر او را بپردازد. زنان مکلف به پرداخت هزینه زندگی نیستند و در داخله در املاک شخصی اختیار کامل دارند و اگر شوهر آنها مرد تا یک سال نفقه خود را از ترکه شوهر می‌گیرند و علاوه بر این اربت مشروع خود را خواهند گرفت

نمونه‌ای چند از تعلیمات قرآن

متن قرآن که پایه اساسی اسلام بشمار میرود در دوران زندگانی محمد (ص) تدوین نگردیده بلکه در آن روزگار تنی چند از اصحاب آیات را از برداشتن این آیات در طول ۲۳ سال بر حسب اوضاع و مقتضیات زمان بر زبان حضرت جاری شده، پس از رحلت پیشوای اسلام اوراق قرآن متفرق بود عمر بدستور ابوبکر بگردآوری آیات مشغول شد و آنها را بر اوراقی بتوشه ولی قرآن‌هائی که به این ترتیب جمع آوری شده بود با هم شباهت نداشت و هر یک از شهرهای مهم یکی از آنها را ملاک عمل خود قرار داده بودند بهمین مناسبت برای جلوگیری از تشتت در زمان خلیفه سوم پس از مشاوره و مطالعه و مقابله سوره‌های مختلف یکی را از آن میان انتخاب و بقیه را نابود ساختند.

قرآن بسیاری از روایات و سنن منهدمی را که در محیط جزیره العرب وجود داشت در خود منعکس مینماید گوستاولوبون میگوید «دیانات اسلام و دیانت یهود و نصاری بمنزله شاخی هستند از یک درخت و یک شباهت تامی بین آنها موجود میباشد... خلقت عالم در ۶ روز، قضیه حضرت آدم در بهشت و مسئله اخراج او تماماً از کتاب مقدس مأخوذ است همچنین مسئله ثواب و عقاب آخرت...»

ولی در عین حال اسلام به اقتضای محیط نشو و نمای خود و بحکم شرایط اجتماعی و اقتصادی زمان نسبت بسایر ادیان دارای جنبه‌های مثبتی است یعنی مردم را بکسب و کار تشویق میکند و از رهبانیت و ترک زندگی بر حذر میدارد و برخلاف مذهب عیسی بجهاد و کبیر و قصاص تبه کاران توجه مخصوصی دارد و بملل و نحل مختلف به دیده برابری و مساوات مینگرد و برای طبقه نسوان حقوق و مزایائی در نظر میگیرد؛ اینک نمونه‌ای از تعلیمات قرآن:

لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون سوره آل عمران آیه ۸۶ اگر از آنچه دوست دارید اتفاق کنید ثواب کرده‌اید. والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله بشرهم بعذاب الیم سوره توبه آیه ۳۴

آننانکه طلا و نقره ذخیره میکنند و در راه خدا انفاق نمیکنند ایشان را بعد از دردناک مژده بده - انما الخمر والمیسر والاصاب والالزام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون : همانا که شراب و قمار و اصاب و الزام پلید است و کار شیطان، دوری کنید از آن شاید رستگار شوید سوره مائده آیه ۹۲ .

در قرآن آیات و جملاتی دیده میشود که معنی و مفهوم آنها کاملاً معلوم نیست از آن جمله است آیات « والعماديات ضیعا » و « والذاریات ذروا » و آیه « والفسجر و لیسال عشر » که مقصود از ۱۰ شب معلوم نیست .

در آیه دیگر راجع بشراب و قمار میگوید :

یسألونک عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمها اکبر من نفعها یعنی سؤال میکنند از تو از شراب و قمار بگو در این دو چیز گناهی بزرگ و منافعی برای مردم هست ولی گناه آنها بر نفعش فزونی دارد. یابنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا ولا تسرفوا ان الله لا یحب المسرفین سوره اعراف آیه ۲۹ ای بنی آدم چون بمسجد میزید زینت خود را بردارید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست نمیدارد.

ان الله یامر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی لعلکم ترحمون سوره نحل آیه ۸۸ خدا امر میکند بعدل و نیکوکاری و دستگیری نزدیکان و نهی میکند از کار زشت و ناروا و دشمنی و بدخواهی، پند میدهد شما را باشد که پند بگیرید.

اسلام چنانکه گفتیم مانند دیانت یهود و نصاری خلقت

نظر قرآن راجع بخلقت آدم

عالم را ناگهانی و در مدت ۶ روز دانسته است : الله الذی خلق السموات والارض و ما بینهما فی ستة ایام ثم استوی علی العرش مالکم من دونه من ولی ولا شفیع افلاتند کرون : خدائیکه آسمانها و زمین و آنچه را که ما بین آنهاست در ۶ روز آفرید و بعد بر عرش مستولی شد جز او شما را ولی و شفیع نیست آیا متذکر نمیشوید؟ و در مورد پیدایش آدمیان در قرآن میخوانیم، فاذا

سویته و نفخت فیه من روحی ، پس چون بر پا داشتم او را و از روح خودم در او دمیدم سوره حجر آیه ۲۹ .

خلق الانسان من صلصال کالفخار و خلق الجن من مارچ من نار ، انسان خلق شده از گلی خشک شده و جن هم خلق شده از مخلوطی از آتش.

افلا ینذکر الانسان انما خلقناه من قبل ولم ینک شیئا سوره مریم آیه ۶۹ آیا فکر نمیکنند انسان که ما او را آفریدیم و حال آنکه قبلا چیزی نبود. در صدر اسلام خلفا و دادرسانی که از طرف آنان **طرز دادرسی** به نقاط مختلف گسیل میشدند به امر دادرسی توجه

و علاقه زیاد نشان میدادند و در راه تشخیص حق از باطل کوشش میکردند با این حال چون همواره قضاوت از روی ظواهر امور صورت میگرفت بیشتر کسانی که زبان و بیان گویائی نداشتند در دادرسیها محکوم میشدند .

محمد بن عبدالله (ص) میفرماید « بعضی از متخاصمین بهتر میتوانند بیان بکنند و دلیل بیاورند اگر من روی حسن بیان حکم دادم محکوم له خوب دقت کند اگر ذبحق نباشد حق برادر خود را هرگز با مال نکند والاحکم من برای اویک پاره دوزخ خواهد بود.»

نقل از کتاب عرب و اسلام

بعد از رحلت حضرت دادرسی و محاکمات بوسیله خلفا صورت میگرفت چنانکه از قول میمون بن مهران میگویند که « ابوبکر در محاکمات که نزد او مطرح میشد نخست قرآن را میدید ... والا از روی سنت یا حکم پیغمبر رأی میداد و اگر هیچکدام آنها نبود مسلبین را گرد خود جمع کرده مسئله را مطرح و رأی آنها را میخواست همینکه رأی عموم بریک حکم قرار میگرفت اجرا میکرد ... » با اینکه عمر بیش از سایر یاران پیغمبر بعقیده و رأی خود عمل میکرد بعضی معتقدند که وی نیز چون مشکلی روی مینمود با اصحاب اطلاع شور و مطالعه میکرد سپس اعلام نظر مینمود. عمر برای حل و فصل دعاوی برای هر شهر قاضی مخصوصی معین نمود و سازمان شهر بانی را برای اولین بار بوجود آورد.

قاضی هر شهر هنگام طرح دعاوی با کارشناسان و مطلقین محل، مشورت میکرد و سپس اظهار نظر مینمود، معمولا این آراء که مبتنی بر قرآن و

سنت و یا عقیده و رأی قضاة بود پایه و رویه ای برای احکام و آراء بعدی قرار میگرفت .

مجاورت اعراب با ملل متمدن سبب گردید که بسیاری از مظاهر علمی و عملی و اجتماعی آنان در جامعه اسلامی رسوخ یابد و با تمدن اسلامی درهم آمیزد از جمله بعضی معتقدند که پاره ای از قواعد فقهی روم عینا نقل و مورد استفاده مسلمین قرار گرفته است از جمله قاعده «البینة علی المدعی والیمن علی من انکره» را مأخوذ از قواعد فقهی رومیان میدانند .

بطور کلی در صدر اسلام دادرسی و رسیدگی بشکایات مردم از طرف خلیفه یا دادرسانی که از طرف او معلوم میشدند صورت میگرفت و این دادرسان در کار خود آزاد بودند و از احکام امرای تبعیت نمیکردند و عملا قوه قضائی از قوه اجرایی منفک بود .

پس از پایان حکومت خلفای راشدین و استقرار حکومت بنی امیه مظاهر زندگی طبقاتی روز بروز آشکارتر شد و مقررات و قوانین مذهبی و اجتماعی در مراجع قضائی به نفع ارباب پول و زور تعبیر و تفسیر گردید و همه چیز حتی قوانین بخدمت طبقه حاکمه در آمدند .

احکام و مقرراتیکه امروز در بعضی از ممالک اسلامی معمول **مقررات مدنی و اجتماعی در اسلام** است از آغاز امر مرتب و مدون نبوده، پایه فقه اسلامی از قرآن است که حاوی دستورهای کلی است، پس از قرآن، سنت و حدیث یعنی گفتار یا کردار پیغمبر ملاک عمل مردم قرار گرفت و بعد از رحلت حضرت طرز عمل اصحاب هم بسنت اضافه شد زیرا صحابه اعمال و گفتار حضرت را فرا گرفته برای دیگران نقل میکردند از روی حدیث یعنی گفتار محمد (ص) بسیاری از آیات قرآن که مجمل و سربسته است تفسیر و توضیح شده مثلا در قرآن از نماز بطور اجمال یاد شده در حالیکه حضرت بطور تفصیل وقت و کیفیت آنرا توضیح داده است ، چون حدیث در کتابی مدون نشده بود از دوران حیات محمد ص جعل حدیث آغاز گردید چنانکه حضرت فرمود هر کس از روی عمد بر من افترازند در دوزخ جا خواهد گرفت بعد از رحلت بازار جعل حدیث رواجی تمام یافت چنانکه عبدالکریم بن ابی العوجا که بجعل حدیث مشهور بود چون پیای دار آمد

گفت « من هزار حدیث که مشعر بر حلال و حرام است جعل نموده‌ام. »

احمد امین استاد مصری در کتاب « پرتو اسلام » مینویسد :

«... علماء اصول بر حدیث و سنت چیز دیگری افزودند و آن عبارت از عقیده و رأی است که پیغمبر بموجب رأی خود عمل میفرمود نه از روی وحی و تنزیل همان علما معتقدند که پیغمبر خطاهم میکنند...»

چون در قرون اولیه نهضت اسلامی، بعزت گرمی تجارت و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی وجود قوانین و مقررات ثابتی برای عقود و معاملات ضرورت داشت و چنین قوانینی در قرآن موجود نبود، عده‌ای از علمای فقه با توجه بدستورات کلی قرآن و اعمال و اقوال پیغمبر و جانشینان او بنسبتین قوانین فقه اسلامی همت گماشتند و از میان سلسله محققین و فقهای دستوره‌های امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام مالک و امام حنبل مستند و مبنای کار مسلمانان در کلیه عقود و ایقاعات و امور جزائی میباید، احکام هر یک از ائمه نامبرده بنوبه خود مورد شرح و تفسیر نیز قرار گرفته است هر فرقه از اهل تسنن رأی یکی از چهارتن مزبور را منات اعتبار قرار داده از آن پیروی میکنند، در حالیکه اهل تشیع از گفته‌های ائمه تبعیت میکنند و باب اجتهاد را برای حل مسائل مهم مفتوح میدانند، یعنی مجتهدین جامع الشرائط در هر موقع به اقتضای زمان در مسائل مورد نظر اظهار عقیده مینمایند.

ابوحنیفه معتقد است که نماز را ممکن است بزبان فارسی خواند و بجای الله اکبر میتوان گفت خدا بزرگ است و نیز ممکن است قرآن را بفارسی ترجمه کرد و بهمان زبان خواند در حالیکه امام مالک و شافعی با نظر او مخالفت دارند بقیسده ابوحنیفه هر زن باله آزاد، میتواند بدون مداخله ولی خود شوهر کند ولی مالک و شافعی انتخاب شوهر را بدون اجازه ولی جایز نمیدانند.

در امور جزائی نیز مبنای عمل، قوانین قرآن است و اساس آن ما باند قوانین موسی بر قصاص و مجازات بمثل قرار گرفته است منتها بموجب احکام توراة جانی یا یکی از افراد خانواده او مجازات میشدند در حالیکه در اسلام برای جلوگیری از خونریزی و جنگ‌های خانوادگی قانون دیه معمول گردید. یعنی اصولاً جزای قتل عمد اعدام است مگر در موردیکه ورثه مقتول

حاضر بگرفتن دیه باشند و برای قتل غیر عمد یکصد شتر دیه معین شده است.

قواعد ارتب بطور جزئی و دقیق در قرآن معین شده، ارتب به سلسله نسب پدری میرسد و زن نصف مرد از تر که سهم میبرد علاوه بر این در قرآن برای عده‌ای بفرض حقی ثابت از تر که منظور شده است - امکان وصیت برای موسی محدود است یعنی هیچکس نمیتواند از ثلث مال خود را برای مصرف در امور مورد نظر وصیت نماید.

در مورد قتل اسلام کوشیده است که حتی الامکان بسا **نمونه‌یی از قوانین جزائی** پرداخت دیه، قتل رخ ندهد، یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل... ای مومنین فرض شده بر شما قصاص در کشته‌ها آزاد به آزاد و بنده به بنده، زن را بجای زن - اگر اولیای مقتولی در مطالبه قصاص قاتل سختگیری نکنند، باید قاتل بقدر امکان بی درنگ دیه را بپردازد، در قرآن اخذ دیه و گذشت از قاتل مسورد تمجید قرار گرفته و تجاوز از قصاص گناهی بزرگ شمرده شده است. و در مورد دزدی مرد وزن (السارق والسارقه) مقرر شده است که دست هر دوی آنها قطع شود.

در مورد قتل غیر عمد ورثه مقتول مکلف هستند که یکصد شتر بعنوان دیه بگیرند. دیه خراجات مختلف فرق می‌کنند بر پدر و مادر مرتکب یا تمام خاندان او واجب است که از عهده ادای آن برآیند - مجازات راهزنی حبس یا قطع یکی از اعضاست، حکم مجازات زنای محصنه سنگسار است، مشروط بر اینکه چهار نفر گواه عینی وقوع آنرا گواهی دهند و مجرم هم اقرار کند. مجازات شرا بخوااری چهل تازیانه است.

در مورد ملکداری و شقوق آن در قرآن فقط اشاراتی شده، ولی فقها و ائمه درباره آن بشرح و تفصیل سخن گفته‌اند مسلمین در طی فتوحات خود از اراضی مفتوحه مالیاتی نمی‌گرفتند و آنرا بصاحبش مسترد می‌کردند. بموجب قانون اسلام هر کس زمینی را تصرف و احیا کند مالک آن خواهد بود.

نمونه‌یی از قوانین حقوقی
ارتب در اسلام در مورد ارتب برای هر پسر سهم دو دختر تعیین شده است یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین... و اگر اولاد دو دختر و زیاده باشند، سهم آن دو سوم از ارتب است و اگر یک دختر باشد نصف ارتب فرض و سهم اوست و برای هر یک از پدر و مادر میت شش یک تر که است...»

فصل پانزدهم

افکار فلسفی در اسلام

چنانکه قبلاً متذکر شدیم، پس از سپری شدن دوران کشور کشایی در حوزه قدرت اسلامی امنیت و آرامشی بی سابقه حاصل گردید و از برکت آن موجب رشد جنبشهای علمی و فلسفی فراهم شد و در اثر ترجمه آثار فلاسفه و متفکرین یونانی، عقاید و افکار و اطلاعات جدیدی در رشته‌های مختلف بین ملل و اقوامی که زیر پرچم اسلام گرد آمده بودند منتشر گردید و آثار آن در نهضت علمی و فلسفی و اجتماعی مسلمین آشکار شد.

از قرن اول هجری باب بحث و مطالعه در آیات قرآن مفتوح شد و جمعی از هوشمندان بمطالعه و غور در معانی آیات قرآن مشغول شدند و با توجه به آراء حکمای یونان در برخی مسائل نظیر قضا و قدر، فاعل مختار بودن، جبر و تفویض، سرنوشت، حکم ازل و غیره به تحقیق و مطالعه مشغول شدند. دی بور T.J de boer در کتاب تاریخ و فلسفه در اسلام به تحولات اجتماعی و فکری آن ایام اشاره کرده ضمناً متذکر میشود که زد و خورد بین دسته‌های سیاسی سبب گردید که هر دسته دین را وسیله اجرای اغراض سیاسی قرار دهند و احکام و مقررات اسلامی را بر حسب منافع اجتماعی و سیاسی خود تعبیر و تفسیر کنند، نخستین دسته های مسلمین دین اسلام را بی چون و چرا گردن نهادند لیکن پس از چندی که حوزه قدرت مسلمین بساکن زردشتیان، برهمنیان و مسیحیان رسید پای بحث و فحص در ماهیت قرآن

بمیان آمد و جمعی به تناقضات و اختلافاتی که در آیات قرآن است خرده گرفتند و عده ای قرآن را کتاب آسمانی ندانسته مولود فکر بشر خواندند. باین ترتیب از دوره امویان در اثر مقاصد سیاسی و اقتصادی و در اثر انعکاس افکار فلاسفه یونان در بین مسلمین عقاید و فرق مختلفی در جامعه اسلامی تظاهر نمود که از آن جمله مذهب معتزله را میتوان نام برد.

فرقه معتزله انسان را فاعل و مختار میدانستند. یعنی اعمال و اقوال بشر را مولود اراده خدا ندانسته و عقیده داشتند که هر کس مسئول اعمال و خالق کارهای خویش میباشد و نیز معتزله جهان را حادث دانسته و با کسانی که بقدم و دیرینگی جهان ایمان داشتند مخالفت میکردند.

بعدها جمعی از معتزله عقل را پیشوا و رهنمون خود دانستند تا جایی که حکم عقل را بر نصوص قرآن ترجیح داده و در مقام سنجش ادیان و مذاهب مختلف با آراء فلاسفه قدیم برآمدند و سرانجام بمذهب فطری عقلی که با عقاید و مذاهب گوناگون همصدا باشد روی آوردند.

در نتیجه ابراز این نظریات عده ای معتزله را متهم کردند که به قرآن ارزش و احترام شایان نمیکذارند و هر گاه مندرجات آن را با مقاصد خود سازگار نبینند آیات را طوری تاویل و تفسیر میکنند که منظور آنان را تأمین کند.

معتزله در طول زمان بفرقی چند منقسم شدند که از آن جمله است واصلیه، هزنیانیه، نظامیه، جاحظیه، هشامیه و غیره.

در فاصله بین خلافت مأمون و متوکل یعنی از ۱۹۸ تا ۲۳۲ جمعیت معتزله باوج قدرت رسیدند.

مأمون که خود بعلم کلام آشنائی داشت با معتزله و طرفداران بحثهای فلسفی روی خوش نشان میداد و دانشمندان را بترجمه کتب فلسفی یونان تشویق میکرد عباس اقبال در کتاب خاندان نو بختی مینویسد... بیشتر میل او (مأمون) این بود که مشکلمین فرق مختلفه باینکدیگر مباحثه کنند و با اقامه برهان و حجت حقانیت عقاید خود را به ثبوت برسانند و خود او میگفت که من دوست دارم که غلبه بر خصم بحجت باشد تا بقدرت چه غلبه بقدرت همینکه قدرت

از میان رفت دوره حکومت آن نیز پایان میرسد ولی غلبه بحجت را هیچ چیز نمیتواند از میان ببرد تاریخ بغداد. خطیب بغدادی. «آقای عباس اقبال در جای دیگر مینویسد که :

«... تدوین کتب در باب تاریخ ادیان و مذاهب و فرق دینی برای نخستین بار از طرف متکلمین فرقه معتزله شروع شده و گویا معتزله این قبیل کتب را بمناسبت آشنائی بفرقه یونان و احوال و آراء حکمای آن سرزمین بتقلید کتبی که حکما و مورخین یونانی در شرح مقالات حکما و مذاهب مختلفه ایشان داشته اند تألیف کرده اند بعد از معتزله سایر فرق اسلامی نیز بتبعیت از ایشان اینکار را پیش گرفتند... وغالباً غرض در پرداختن اینگونه کتب رد آراء سایر فرق و بر کرسی نشاندن حرف «حقی» فرقه خود که فقط همان را فرقه ناجیه میدانسته بود... غالباً نگارندگان کتب بر مخالفین خود طعنها زده و اقسام تهمتها برایشان بسته اند و این حال کمتر از همه در کتب معتزله که بیشتر اهل استدلال عقلی بوده اند دیده میشود و بیشتر از همه اهل سنت و متکلمین ظاهری و متأخرین اشاعره (۱) و امامیه در این راه با قدم تحصب پیش رفته اند...»

حسن رازی در کتاب تبصرة العوام مینویسد :

«معتزله خود بفرق و دستجات چندی تقسیم شدند که شماره آنها را از ۷ تا ۲۰ نوشته اند. - نظام و اتباعش میگویند که خدای تعالی برفطلی قادر است که بداند صلاح خلق در آنست... و از نصرت اهل بهشت و عذاب اهل دوزخ چیزی کم و زیاد نمیتواند کرد و گویند خدا نمیتواند درویش را توانگر، تندرست را مریض و بینا را کور کند.

معر و اصحابش میگویند که اجسام بطبع و اختیار خود پدیدار میشوند و خدای را در کار ایشان دخالتی نیست و موت و حیات و قرآن و دیگر کتب مذهبی نیز کار خدا نیست.

ابن قتیبه در کتاب مختلف الحدیث گوید :

تامة الاشرس (از فرقه معتزله) خلق را دید که روز جمعه بسجده

۱- اشاعره - اشاعره بصوم اهل سنت اطلاق میشود که بدالت خدا معتقد نیستند و میگویند خدا اراده اش فعال مایشاء است.

جامع میرفتند به بعضی از یاران خویش گفت « این خران را به بینید که چگونه این اهرابی (مقصود محمد بن عبدالله ص) ایشان را سرگردان کرده است ... »

در زمان خلافت مأمون فلسفه اهمیت و ارزش فراوانی حاصل کرد و باب بحث و گفتگو در مسائل دینی و دنیائی باز شد. اولسین میتویند « در تاریخ عالم شاید این اولین دفعه است که میبینیم که يك حکومت مطلقه مذهبی با هر فلسفه همراه شده و کاملاً در ترقی و پیشرفت آن شریک و سهیم گردیده است. »

در دوره مأمون عقاید معتزله عدّه زیادی طرفدار پیدا کرد، این جماعت میکوشیدند که احکام و عقاید مذهبی را با اصول عقلی سازگاری دهند و آراء غلط و قشری متقدمین را از خاطرها محو کنند از جمله میگفتند که :

- ۱- انسان در افعال خود و قبول نیک و بد آزاد و مختار است .
- ۲- خدا باچشمان ظاهری دیده نمیشود والا لازم است جسم باشد .
- ۳- صفات خدا عین ذات است نه خارج از ذات .
- ۴- قرآن حادث است نه قدیم .

دیگر از فرق اسلامی هر جیان را باید نام برد که آنان نیز به ۵۵ شعبه تقسیم میشوند و هر يك نظری خاص درباره معرفت و شناسائی خدا دارند . فرقه گراهیان یکی از فرق اسلامی است که بعضی از آراء آنان بمادیون شباهت دارد، پیشوای این جماعت ابو عبد الله کرام در کتاب السر در مقام اعتراض بعالم خلقت چنین مینویسد :

«... چه فایده است در آفریدن سباع و چرا باید که قوت آنان گوشت باشد و آنها بر حیوانات مسلط گردند گوشتشان بخورند، در حالیکه ممکن بود که قوت آنان از نباتات باشد و اگر چنین بودی بحکمت نزدیکتر بودی... چه فایده است در آفریدن مار و کژدم و موش که میفرماید آنها را بکشند...» قسمت اعظم مندرجات این کتاب اعتراض بخدا و عالم خلقت اوست.

دیگر فرقه مشبهه و مجسمه که آنان نیز بدستجاتی چند تقسیم میشوند، این جماعت، خدا را به انسان تشبیه میکنند و برای او اعضا و جوارح قائلند و میگویند خدا بر عرش نشسته و باها بر کرسی نهاده دیگر اصحاب تناسخ،

این جماعت قیامت را عبارت از بیرون آمدن روح از بدن و رفتن بیدنی دیگر میدانند و میگویند که اگر روح مصدر اعمال خیر باشد بیدن شخص نیکی منتقل میشود و اگر خبیث باشد بیدن شریر منتقل میشود، و گویند که عالم دوار و گردانست و جز دنیا هیچ سرای دیگر نیست و حشرونشر و قیامت و صراط و میزان و حساب و بهشت و دوزخ همه محالست. «اقتباس از کتاب تبصرة العوام حسن دازی»

این جماعت در صدر بودند که میان فلسفه طبیعی و دستوره‌های دینی توافقی حاصل کنند و آن دو را با هم تلفیق کنند. پیروان این مکتب بیشتر از بین ملل تابعه اسلامی برخاسته و در لباس عقاید منهبی و فلسفی میکوشیدند تا احزاب و اجتماعاتی بمنظور مبارزه با دستگاه خلافت بوجود آورند.

عبدالله بن میمون سرسلسله قرمطیان اصلا ایرانی و در قرن سوم هجری میزیسته این شخص میخواست بین اهل دین و اهل زندگی توافقی پدید آوردی پس از کوشش بسیار موفق گردید که حزبی عظیم برای واژگون کردن دولت عباسی پدید آورد، پرچم این جماعت سفید رنگ بود و افراد آن عقیده داشتند که جان افراد باید در راه مقصود و هدف جمعیت تثار شود. بطوریکه دی‌بور در کتاب تاریخ فلسفه در اسلام نوشته است جمعیت اخوان الصفا دارای سازمان مرتب و دقیقی بوده و افراد آن بر حسب سن و پایه معلومات به سه دسته منقسم میشدند.

بیاری دانشمندان و محققین این جمعیت، کتب و رسالاتی که حاوی دانشهای آن زمان بود جمع آوری و تدوین گردید، میتوان مجموع آن کتب را (دایرة المعارف فلسفی) آنان نامید که به ۵۰ رساله بالغ میکردد و پیرشالوده علوم طبیعی استوار است و در پس آن اغراض و مقاصد سیاسی نهفته است بگفته دی‌بور (این مذهب مربوط بیک جماعت رنجبر است) و همه کس باید به این کیش تادم مرک و وفادار باشد آنها معتقد بودند «هرک در راه اصلاح اخوان جهاد واقعی است.»

مرکز این جماعت در بصره، کوفه و بغداد بود و سعی میکردند که حکمت همه امت‌ها و انبیاء را از قبیل ابراهیم، موسی، عیسی سقراط، افلاطون،

زردشت، محمد و علی را جمع آوری کنند آبان همان احترامی را که برای علی و فرزندان او در نظر میگرفتند برای امثال سقراط و زردشت نیز منظور نظر قرار میدادند و میگفتند هر شریعتی که بصلاح عامه باشد دارویی برای نفوس ناتوان خواهد بود - بسیاری از آراء و نظریات انتقادی ایشان در رساله (جانور و انسان) منعکس است و نویسندگان آن برای فرار از تکفیر، مطالب و مقاصد خود را از زبان حیوانات برشته‌تحریر در آورده‌اند.

بعضی جمعیت اخوان الصفا و قرمطیان رایکی میدادند ولی این معنی مسموم نیست، در هر حال جمعیت اخوان الصفا از نظر اصولی میگفتند یک کیش عقلی در بالای تمام ادیان و مذاهب وجود دارد که استنباط و درک آن بعهده عقلاست بنظر این جماعت اعتقاد به اینکه خدا بندگان خود را با آتش شکنجه میدهد و یا عقیده بخشم و غضب خدا و معتقداتی از این قبیل مورد قبول عقل نیست و هر چه هست در این دنیا است و نفس تبهار باید دوزخ خود را در این جهان به بیند.

جمعیت اخوان الصفا بهت کوششی که در راه تلفیق علم و دین داشتند از آغاز کار مورد بغض و نفرت اصحاب دین قرار گرفتند تا آنجا که بعضی از پیشوایان دین در برابر منطق آنان مقاومت نکرده به سوزاندن رساله‌های خطی این جماعت فتوی دادند.

چون جمعیت اخوان الصفا بظاهر قرآن توجه نداشته و مندرجات آن را بپیل خود تفسیر میکردند، مردم روشن بین و کسانی که بجهت اجتماعی با سالوس و ریای خلفا و رهبران دین سرچنگ داشتند بکتاب و انتشارات آنان توجه و رغبتی شایان نشان دادند، بطوریکه نسخه‌های خطی این کتب بین دست‌های مختلف، نظیر باطنیان، اسمعیلیان، حشاشین و غیره دست بدست میگردد و بکمک این جمعیت بسیاری از آراء مترقی فلاسفه یونان بین ملل اسلامی منتشر گردید.

این دسته برخلاف جماعت قدریه معتقد بودند که **فرقه جبریه** انسان بهیچ وجه در اعمال خود مختار نیست بلکه کلیه فعالیت‌های بشر نتیجه تقدیرات ازلی است و روی همین اصل انسان را در

اعمال خود مسئول نمیدانند این فرقه برای اثبات نظریات خود به آیات قرآن توسل میجویند و به استناد آیه « بفعل الله ما يشاء ويحكم ما يريد » و آیه « یهدی من یشاء ویضل من یشاء » و آیه « تعز من نشاء و تذل من نشاء » میگویند که خدا از روز اول عده‌ای را برای بهشت و جمعی را برای جهنم خلق کرده و تلاش آدمی در راه صلاح و رستگاری بی‌حاصل است.

غیر از دو فرقه جبریه و قدریه ، جمعی راه تعبد و ایمان را پیش گرفتند و گفتند اگر در آیات قرآن مفاهیم متضاد دیده میشود و با اگر بسیاری از آیات قرآن خالی از ربط منطقی است، ما نباید راه کنجکاو ی پیش گیریم زیرا بی شک در این مورد رازی در میان بوده و این معما باید بر ما مکتوم بماند .

علاوه بر این طایفه مرجئه که در نیمه دوم قرن اول هجری در دمشق میزیسته‌اند عقیده داشتند که هر کس به اسلام گروید ، اگر گناهی مرتکب شود دلیل کفر او نیست و فضاوت در اعمال هر کس با خداست بهمین علت در مورد بزهکاران حکمی نمیگردند.

مرجئه از لفظ ارجاء که بمعنی امهال و درنگ است اخذ شده مقصود این فرقه این است که بندگان سرانجام بسزای اعمال خود خواهند رسید و ما لایق حکم در پلوه آنها نیستیم بعقیده آنها گناه هر قدر بزرگ باشد منافای ایمان نیست اگر فرقه‌ای فرقه دیگر را تکفیر کند مرجئه در باره آنها حکم نمیدهند و تا کسی قصد جان آنها را نکند خون او را نمی‌ریزند.

نویسنده تبصرة العوام عقیده جبریه را به این نحو بیان میکنند « خیر و شر و کفر و ایمان و فسق و فجور و فواحش و هر فسادی که در عالم واقع میشود چون خدای تعالی آفریده با اراده و مشیت خدای تعالی بوده و بنده بهیچ چیز قادر نیست. »

مادیون و زنادقه ظهور زنادقه و مادیون چنانکه اشاره شد مولود فکر استقلال طلبی و مبارزه با قدرت مادی و فکری خلفا بود پیروان این مکتب جز بمادیات و امور محسوس و معقول بچیز دیگر عقیده و توجه نداشتند و میگفتند چه لازم است که انسان هر چه مربوط بماده وجود است بقوای ماوراء الطبیعه منسوب نماید نویسنده تبصرة العوام در

توصیف این جماعت میگوید « بدان که این قوم ... جمله شریعتها و دینهای رسل و اخبار گور و عذاب و حشر و نشر و حساب و ترازو و صراط و بهشت و دوزخ و ثواب و عقاب و ملائکه و ملک الموت همه را مجال و هذبان دانند و گویند که کتب رسل سخن ایشان است و هر که را بدین چیزها که یاد کردیم ایمان بود او را جاهل خوانند و گویند رسولان جمله حکما بودند... »

طرفداران این فکر بنام زنادقه و طبیعیون معروف شده‌اند ، از جمله آنها عبدالله بن مقفع ، ابوالعلاء معری و ابن ابی العوجا را میتوان نام برد عقاید مادی عبدالله بن مقفع از مطالعه باب برزویه در کلیله و دمنه که گویا اضافه خود اوست آشکار میشود .

ناگفته نماند در این دوره تنها به پاده گساران و قمار بازان لفظ زندیق اطلاق نمیشد بلکه بیشتر مخالفین دین و دولت را زندیق میخواندند یکی از مورخین آن دوره در وصف زندیقان چنین میگوید « آنچه که بچشم دیده نشود با عقل آنها نمی‌پذیرد تکذیب و حاضر را بر غایب ترجیح میدهند و آنچه در کتب وارد شده اگر مقرون بمنطق باشد قبول و الورد میکنند ، ابوالعلاء در رساله الغفران میگوید « زندیقان و کسانی که دهری نامیده میشوند قائل به پیغمبر و کتاب آسمانی نمیباشند »

در نیمه اول قرن دوم هجری یکی از فرزندان مبارز **عبدالله بن مقفع** و دانشمند ایران که بتاريخ و زبان و آداب اجداد خود آشنائی داشت و زبان عربی را نیز بخوبی میدانست ، ضمن قبول خدمت مسلمین به انتشار و اشاعه افکار و عقاید دینی ، فلسفی و اخلاقی ایرانیان عهد ساسانی همت گماشت ، چون آثار و افکار او مظهر تمایلات ترقیخواهان و صاحب نظران آن عصر است بی‌مناسبت نیست بعضی از آثار و افکار او را در اینجا ذکر کنیم :

ابن مقفع برای کمک به انقلاب فکری مردم و برای آنکه زمینه را حقه کنجکاو ی و بحث و جدل و تحقیقات فلسفی آماده سازد نخست کتب مرقیون و ابن دبسان و مانی را به عربی ترجمه کرد هر قیون یکی از علمای روحانی مسیحی قرن دوم میلادی است که از طرف پیشوایان دین تکفیر شده وی آسمانی بودن قسمتی از انجیل و تورا را انکار کرده و در اصول مذهب عیسی

تغییراتی داده است این **دیهان** نیز از حکمای شام و از کسانی است که در اثر اشاعه افکار خود از طرف عیسویان بنام مرتد خوانده شده است این مقفع با ترجمه و انتشار این کتب و با افزودن باب برز و به طیب بر کتاب کلیله و دمنه باب بحث و گفتگو و مطالعات فلسفی را باز کرد و سپس با ترجمه کتب منطقی ارسطو از پهلوی به عربی راه را برای ترجمه دیگر آثار ارسطو و فلاسفه یونان هموار گردانید.

با اینکه از نیم قرن قبل از مقفع اساس فرقه بزرگ معتزله ریخته شده ولی فعالیت اساسی این جماعت و مبارزه جدی آنان با بعضی افکار خرافی از عصر مقفع به بعد آغاز شده است و مراد از انتشار این آثار مبارزه با فکر تفوق نژاد عرب، ست کردن بنیان عقاید و تعصبات مذهبی و تأمین آزادی قوم ایرانی بوده است.

قسمت اعظم عمر این مقفع در دوران حکومت بنی امیه سپری گردید و چون ناظر مظالم و فجایع اعراب نسبت به والی بود در نهان و آشکار با معتقدات غلط و با کسانی که دین را وسیله تحقیر ملل قرار داده بودند شروع به مبارزه کرد.

از آثار فکری او آنچه اکنون در دست ماست کتاب، **الادب الصغیر**، **الادب الکبیر**، **رسالة الصحابه و کلیله و دمنه** میباشد، کتاب **الادب الصغیر** حاوی اندرزهای فلسفی و اخلاقی است از جمله در این کتاب میگوید «چیز است که اندک آنرا نمیتوان خرد و ناچیز شمرد، آتش، بیماری، دشمن و قرض - زبان را نمیتوان ضرر دانست اگر نتیجه آن سود باشد - سود را هم نمیتوان نفع خواند اگر عاقبت آن زیان باشد.

در کتاب **الادب الکبیر** در طی هر فصل یکی از مسائل اجتماعی مطرح شده است در این کتاب وی از نقایص دستگاه حکومت، مظالم حکمرانان و کشاکش بین عقل و دین سخنها گفته است.

در کتاب **رسالة الصحابه** ابن مقفع رفتار دوباریان و صحابه و یاران خلفا را مورد حمله قرار میدهد و میگوید قطع نظر از امور مذهبی، کلیه مسائل اجتماعی باید بدست دولت و با توجه به اوضاع زمان و مکان منظم

و مرتب گردد وی اطاعت کور کوران را که می گفتند «اگر امیر - المؤمنین امر کند که در نماز پشت بقبله کنیم خواهیم کرد.» مورد سرزنش و انتقاد قرار میدهد.

ابن مقفع، عدم توجه به لیاقت و استعداد افراد، احاله کارهای مهم به اشخاص نا آزموده و مداخله نظامیان را در امور مالیه مملکت و بی قیدی بکار تعلیم و تربیت عمومی را گناهی بزرگ می شمارد.

او در ترجمه کتاب کلیله و دمنه از زبان پهلوی رنج بسیار کشید و فصولی بر آن افزود و با ترجمه و تألیف این کتاب از زبان حیوانات مظالم حکومتها و مفاسد اجتماعی عصر خود را آشکار کرد.

وی در یکی از آثار خود نشستن خدا به عرش و اینکه هنگام صعود پیغمبر به عراج فاصله او با خدا باندازه دو کمان بوده و نظیر این عقاید را پیاد سخریه و استهزا میگیرد و میگوید «خدا با تمام قدرتی که دارد چرا بندگان خود را بیمار و مریض یا دچار انواع بلاها مینماید، خدا چگونه به انسان تکلیف میکند تا به آنچه که مورد قبول عقل نیست ایمان آورد و تصدیق کند یا چگونه شیطان بر خدا غالب شده عده ای از مردم را مطیع خود نمود.» به این ترتیب ابن مقفع نه تنها بدین اسلام بلکه بکلیه ادیان و مذاهب بدیده تردید و اعتراض میسرگریست و در اثر آزادی فکر و شجاعتی که در برابر نظریات خود نشان داد در جوانی بنام بی دینی و زندقه به امر منصور عباسی کشته شد و به این ترتیب چراغ عمریکی از متفکرین عالیقدر ایران برای همیشه خاموش شد.

ابن مرد نیز از زنادقه و دارای افسکار مادی است
ابن ابی العوجاء «چنانکه اشاره به کعبه نموده خطاب به امام جعفر صادق می گوید: **الی کم تدوسون بهذا البید و تلوذون بهذا الحجر و تمبدون هذا البیت المرفوع بالطوب و المردو تهرولون حوله هرولة البعیر اذا نفر الا ان من فکر فی هذا علم ان هذا فعل سفیه غیر حکیم و لازمی نظر فقل فانت راس هذا الامر**

ابن ابی العوجا برای مبارزه با اسلام چهار هزار حدیث دروغ در احادیث پیغمبر وارد کرد و بهمین جهت بقتل رسید.

با اینکه نظریات فلسفی مسلمین غالباً از عقاید یونانی سرچشمه گرفته معذک بین آنها کسانی دیده میشوند که آراء فلسفی مستقلی از خود ابراز داشته اند.

محمد زکریا محمد بن زکریای رازی از دانشمندان ایرانی، متوفی سال ۵۲۹ طیب و فیلسوف رافضی است؛ که جهان

را بر کبازه گوهر ازل می دانست :

عقل فعال، روح، ماده، مکان و زمان. بنظر او زمان و مکان حرکت و جسم، بی نهایت و قدیم است و زمان جوهری است دونه و یقرا.

«زکریای رازی دارای عقاید مادی و از اصحاب هیولی است و هیولی را دارای اجزاء بسیط و ذی ابعاد میدانست و در کتابی که تحت عنوان « کتاب فی المده و هی الزمان و فی الخلاء و الملاء و هما المکان » نوشته آشکارا میگوید عقل نمی پذیرد که ماده و مکان آن ناگهان، بدون اینکه سابقا ماده یا مکان موجود باشد بوجود آید چون همواره هر چیز از چیز دیگر پدید می آید و ابداع محال است» (از عرفان و اصول مادی اثر تقی ارانی) رازی بعلمت ابراز این عقاید تکفیر شد و بسیاری از آثارش دستخوش نیستی و فنا گردید، در مقابل نظریات مادی رازی عده ای نظیر ناصر خسرو علوی و بوعلی سینا بمخالفت برخاستند.

امام غزالی محقق و فیلسوف اسلام در قرن یازدهم و ابن رشد اندلسی آراء و نظریاتی ابراز کرده اند که از وسعت نظر آنان حکایت میکند.

(۱) تاکی این کشتزار را لگد میکنید و به این سنگ پناه میبرید و این خانه ای که از سنگ و گل ساخته شده میبرستید و مانند شتر فراری پیرامون آن میدوید هان برآستی هر که در این بیندیشد داند که اینکار کار نادان نابخرد است تا کار مرد صاحب نظر، پس پاسخ گوی چه تو در رأس اینکاری و پدرت نیز پیشوا و مایه نظام آنست.

ابن رشد مسئله بقای روح و عالم غیبی و حشر و نشر را انکار میکند و در منظومه فلسفی خود بوجود اسراری که بالاتر از عقل باشد قائل نیست وی میگوید «... غیر از پاداشی که انسان از اعمال خود در دنیا می بیند جز او سزای دیگری نیست...» در جای دیگر میگوید «از جمله چیزهای بی اساس خطرناک یکی این است که آدمی اقدام بعمل نیک میکند که در آتیه به او جز او پاداش داده خواهد شد، پس مطابق این عقیده خود عمل نیک ذاتاً پسندیده نیست چه انسان برای این ترك لذات جسمانی میکند که چندین برابر آن باو عوض خواهد رسید عرب برای این خود را در دهان مرگ میاندازد که از یک هایله و مصیبت بزرگی خود را خلاصی بخشد، یهود برای این از خوردن مال غیر پرهیز میکنند که در مقابل آن عوض خواهد یافت - سپس میگوید این حرفهای بی اساس در مردم خصوصاً اطفال خیالات باطل و زبان بخشی را تولید میکند چه بسا اشخاصی که به این اوهام عقیده ندارند و پیرامون بدی و فساد هم نمیگردند ابن رشد چون عقل را بالاتر از دین میدانست تقیها در تکفیر او تردید را جایز ندانسته دستور دادند تا آتش را در آتش بسوزانند.

ابوالعلائی معری افکار و آراء فلسفی در شعر و ادبیات عرب نیز راه یافت چنانکه ابوالعلائی معری (۹۷۳-۱۰۵۸) که

در قرن دهم میلادی میزیسته مردم روی زمین را به دودسته تقسیم میکند یکی آنها که عقل دارند و دین ندارند دیگر آنها که دین دارند و عقل ندارند اتنان اهل الارض ذو عقل بلا- دین و آخر دین لا عقل له- ابوالعلائی ضمن قصیده ای چنین میگوید:

« این مذاهب و سائلی است که دنیا را در کف رئیسان میاندازد، بیدار شوید ای گمراهان، دیانت شما فقط نیرنگی است از پیشینیان منظورشان این بود دارائی جهان را گرد کنند، بدست آوردند و تلف شدند و زشتکاری هم با آنان مرد - شریعتها میان ما کینه هائی برپا کرد و اشکال گوناگون دشمنی را برای ما گذاشت انسان ذاتاً کارهای نکو را برای اینکه خیر است و نکو انجام میدهد نه بخاطر ثواب.

ابوالعلاء در مقابل پرسش یکی از شاگردان خود بنام ام عمرو راجع بدنیا و معاد چنین میگوید:

اترك لذة الصهباء عمدأ

حياة ثم موت ثم بعث

لما وعدوك من لبن و خمر

حديث خرافة يا ام عمرو

آیا لذت می‌را بعد ترك میکنی چون شیر و شراب بهشتی بتو وعده

شده است - زندگی ، بعدمرك و سپس رستاخیز از داستانهای موهوم است

ای ام عمرو

چنانکه دیدیم معری یکی از دهریان و زنادقه عصر خویش بود بهیچ

دین و مذهبی معتقد نبود و مذهب را وسیله حکومت و فرمانروائی نروتمندان

میدانست ، دردبوان لزومیات و در رساله غفران یا بهشت و دوزخ باطرزی

شبو و دلپذیر اعتقاد بر وزرستاخیز ، عرصه محشر ، جن و پری ، شیطان و عقیده

به شفاعت را بیاد سخریه و استهزاء گرفته .

بعضی ابوالعلائی معری را بمناسبت افکار آزاد و نظریات فلسفی که در

شر او دیده میشود فیلسوف شعرا و شاعر فلاسفه میخوانند وی حکومت عقل

را بر حکومت رهبران و پیشوایان ترجیح میداد و میگفت « جمعی را می بینم

که شب و روز در انتظارند که پیشوائی ظهور کند و آنان را

براه راست هدایت نماید و حال آنکه پیشوائی جز عقل سراغ نداریم

و خوب است که همه او را فرمانبری کنیم.»

بهشت و دوزخ اثر معری ترجمه داناسرشت

از آغاز قرن هشتم میلادی در ایران و بعضی از ممالک

تصوف در اسلام

اسلامی نوعی مبارزه منفی بصورت تصوف علیه

دستگاه خلافت و روحانی نمایان عصر ظاهر گردید رهبران و پیروان این

افکار که بیشتر از طبقات متوسط و ستمکش اجتماع بودند چون در خود

قدرت و توانائی مبارزه علنی و مثبت را نمیدیدند از راه مبارزه منفی پا در

میدان نهادند .

و با آنکه بصورت ظاهر خود را وابسته به اسلام و طرفدار دین معرفی

میکردند ، در عمل با تبلیغات و معتقدات خویش تیشه بریشه بسیاری از اصول

و عقاید مذهبی میزدند و مسلک خود را اصل و رسوم شرعی را فرع

میخواندند . پیروان این منطق در بصره ، کوفه ، بغداد و بعضی از شهرهای

ایران ، افغانستان ، هندوستان و مصر با معتقدات مشابهی ظهور کرده و علیه دستگاہ دین و دولت برخاستند .

دکتر تقی ارانی علل مادئی ظهور تصوف را در دوره اسلامی بدین نحو

بیان میکند «... فشار بنی امیه و تجمل پرستی آنها ، جنگهای پی در پی و گسستگی

فکری که تحت تاثیر این عوامل در اسلام آن زمان پیدا شده بود یکدسته

(مخصوصا دسته ای را که اسلام مخالف با منافع مادی آنها بود) نسبت

با اسلام بدبین کرده بود ، ایندسته چون علاج مادی در مقابل نمیدیدند در

لباس عرفان شروع بمخالفت کردند ... يك متفکر مادی میتواند با فکر

منطقی خود پیش بینی کند که در قلمرو عباسی باختصاص میان طبقه ای که

میخواهد خود را از زیر بار خلفاء خلاص کنند ولی بواسطه عوامل اجتماعی

قدرت اقدام عملی را ندارند بایستی عقاید عرفان بار شیوع پیدا کند ولی

متوازی با آن در ممالکی که میخواهند با اقدام و عمل از زنجیر خلفا خلاص

شوند بایستی عقاید مادی بیشتر رواج داشته باشد و همین طور هم بود . تا انقراض

بنی عباس (۶۵۶ هجری) دو سلسله عقاید متوازی با هم تشکیل میشود ، از

یک طرف عرفان و اصول ایذه آلیم در مراکز ناامید و مایوس و از طرف

دیگر افکار طبیعیون و زنادقه و فلاسفه در ممالک دور از مرکز یا اقوام مغلوب

غیر عربی که بتحصیل استقلال امیدوارند ... طرفداران عرفان از طبقه دوم

بودند و چون در مقابل فشار خلفا در خود قدرت قیام نمی دیدند در گوشه

خانقاهها بهم اسرار هم را میگفتند و از ترس استبداد پیش عموم ساکت بودند

و خود را مخزن اسرار نهانی میدانستند و میگفتند:

هر که را اسرار حق آموختند - مهر کردند و دهانش دوختند . این

طبقه متوسط عرفان مآب که در حقیقت به اصول عقاید اسلام پشت پازده بودند ...

نامدتی متواری و مخفی عقاید خود را ترویج میکردند ، برای ما طرفداران

مکتب مادی مهم این نیست که اسم و محل يك صوفی را بدانیم بلکه باید

توجه کنیم چه دسته از مردم این فکر را پذیرفتند ، مهم اینستکه توده

دهقان باین عقیده متوجه شده است و طرفداران عرفان در دهات زیاد

بوده است .

(عرفان و اصول مادی)

دومینیک سوردل نویسنده کتاب اسلام در توصیف این جماعت چنین مینویسد: «...صوفی در آتش عشق میسوزد، جز ادراک وحدت الهی اندیشه ای ندارد و در برابر خدای واحد به یگانگی خود پی میبرد و در پاهای خلسه و جذبه شخصیت عارف ناپدید میشود و در ذات خدا تجلی میکند (فتای فی الله، بقای فی الله) من آنکسی شده ام که او را دوست دارم و آنکه او را دوست دارم بصورت من در آمده است، مادوروحیم که در یک بدن حلول کرده ایم.»

حلاج - انانم اهوئی ومن اهوئی انا نچن روحان حللنا بدننا
و اذا ابصر تنسی ابصر ته و اذا ابصر ته ابصرتنا
دیدم بسی بخویش و ندیدم بغیر یار کردم بخویش جاوۀ معشوقی اختیار

حالت جذبه چون دست دهد معرفتی لدنی و الهامی که از علم رسمی جداست و بر آن برتری دارد پدید میآید این اکتساب باطنی و اقییت، مقام صوفی را از مقام پیغمبر که وسیله الهام است بالاتر میبرد....

صوفی چون در درون خود خدایا را میجوید او را مییابد آداب و رسوم شرعی را از فروع مسلک خویش میدانند... و نیت را بالاتر از عمل میبرد و بی آنکه بنیاد قانون را درهم بریزد فکر و نیت خود را از آن بالاتر میبرد. با این کیفیات چون علم عرفان با تعلیمات دینی و رسمی مخالفت مینمود پیران آن بنام زندقه به آزار مردم گرفتار آمدند (زندیقان در آغاز مانویان را میگفتند و سپس رافضیان و بیدینان را)... شخصیت حلاج ذروه اعلای عرفان مسلمان را نشان میدهد... محاکمه حلاج از تناقض تصوف و قانون اسلام پرده برمیکشد و این راز پنهانی را آشکار میکنند...»

خلاصه حلاج بعثت ابراز این عقاید بسال ۹۲۲ میلادی در بغداد ابدار آویخته شد (باید دانست که منظور حلاج در حقیقت دعوی خدائی نبود بلکه او و همفکرانش میخواستند اختلاف صانع و مصنوع را انکار کنند و از این راه قدرت خلفا را متزلزل سازند.)

اهل تصوف به فرق و دستجات مختلفی تقسیم شدند که فرقه اتحاد، عشاق و واصیله از آنجمله اند.

حسن رازی در کتاب تبصرة العوام که در نیه اول قرن هفتم هجری

برشته تحریر در آورده در توصیف فرقه واصیله چنین مینویسد:

«فرقت چهارم از صوفیان ایشان را (واصیله) خوانند، گویند ما و اصیلم بحق نماز و روزه و زکوة و حج و احکام دیگر از بهر آن نهاده اند تا شخص اول بدان مشغول شود و تهذیب اخلاق حاصل کند و او را معرفت حق حاصل شود و چون معرفت حق حاصل شود واصل بود، بحق رسیده باشد و چون واصل شد تکلیف از او برخاست و هیچ چیز از شرایع دین بروی واجب نبود و جمله محرمات از خمر و زنا و لواط بروی حلال بود و کسی را بروی اعتراض نبود.»

www.adabestanekave.com

برخواستند و بریاست امثال سنیاد، استادسوس و مقنع قیام کردند و چون دیدند این تدبیر موثر نیفتاد گروهی از ایشان اظهار اسلام کردند و با ابراز محبت بخاندان رسول الله بشیخ گرویدند و ظلمی را که بعلی بن ابیطالب وارد آمده بود شیخ شمرند و شیعه را براهپائی مختلف بردند تا ایشان را از اسلام خارج کردند . >

(نقل از کتاب خاندان نوبختی نوشته عباس اقبال)

منه‌ب شیعه چنانکه گفتیم مولود يك هدف سیاسی

است به این معنی که بس از محروم کردن علی ع از خلافت

عده‌ای برای تأمین خلافت موروثی در خاندان علی بمخالفت بابنی امیه قیام کردند و بعدها بصورت يك فرقه منهبی تظاهر کردند .

علمدار این نهضت ایرانیان بودند که از نخوت اعراب و سائوس و ربای دستگاه خلافت ناراضی بودند، بهمین مناسبت ، برای اجرای مقاصد سیاسی خود ومخالفت با حکومت عرب گرد علی ع حلقه‌زدند واعلام کردند که حق رهبری بعد از پیغمبر فقط باعلی وفرزندان اوست.

در زمان خلافت بنی عباس مذهبه شیعه بچندین فرقه تقسیم شد که از آنجمله زندیه ، اثنی عشریه ، اسمعیلیه و فاطمیه را میتوان نام برد . در میان فرق نامبرده فرقه اسمعیلیه که بجای امام موسی ع اسمعیل فرزند امام جعفر را مبعوث به امامت میدانند، در حیات سیاسی واجتماعی ایرانیان و اعراب تاثیر فراوان باقی گذاشتند و چون در عقاید دینی وسیاسی خود متعصب بودند بنام باطنیه نیز مشهور شده‌اند.

دمینیک سوردل در توصیف اینجماعت مینویسد « ... شریعت، برای اسمعیلیه وسیله تعلیم و تربیتی است که ارزش نسبی یاموقت دارد، قرآن نیز هنگامی معتبر است که معنای باطنی آن بوسیله تفسیری بسیار مستعار بدست آمده باشد ، اسمعیلیه با تبدیل وتغییر اصول دین اسلام وتجاوز از آن موفق شده‌است که حقیقت نسبی کلیه ادیانی را که مانند اسلام مستعد تفسیر میباشند بشناسد . »

در عمل کسانیکه مایل بودند وارد این مسلک شوند مراحل طی راطی میکردند ، این فرقه نه تنها با اقدامات سیاسی واجتماعی خود ، بلکه

فصل شانزدهم

فرق اسلامی

بس از رحلت محمد بن عبدالله (ص) بر سر جانشینی او بین مسلمین اختلافاتی پدید آمد، عده‌ای بخلافت ابوبکر رضایت دادند و بعضی بخواه‌ای علی ع برخاستند از این دسته برخی که بنام «خوارج» معروفند باداوری وحکیمیتی که در جنگ صفین بعمل آمد مخالفت کردند و با حکومت شروع بمبارزه نمودند بعدها خوارج بچند فرقه تقسیم شدند ومخالفت خود با خلفای اموی ادامه دادند و عده‌ای از آنان هنوز در افریقای شمالی ، طرابلس و ژنگبار باقیمانده‌اند .

این فرقه سیاسی درباره خلافت عقیده داشتند که خلیفه باید بطور آزاد از بین بهترین افراد مسلمین انتخاب شود ، تجمل را حرام میشردند و پاره‌ای از آیات قرآن را بیهوده دانسته و معتقد بودند که صفای ذهن و پاک‌ی نیت بر ادای نماز تقدم دارد .

در کتاب الملل والنحل علت ظهور مذهب شیعه را در ایران بدین نحو تفسیر میکند « ... ایرانیها قومی بودند دارای مملکتی وسیع ... تا آنجا که خود را ... آزادگان وسایرین را بنده میخواندند، چون برنج و زوال دولت خود بدست عرب که پیش از ایشان بیقدرترین اقوام بودند دچار گردیدند، این پیش آمد را بسی ناگوار یافتند... ابتدا بقصد اسلام بجنگ

بافوذ منطق خود در فکر و ادبیات عرب تأثیری عمیق باقی گذاشت. فرقه اسمعیلیه که آنها را باطنیه نیز میگویند عقیده دارند که قرآن و احادیث دارای ظاهر و باطنی است، ظاهر بمنزله پوست و باطن بمنزله مغز است و در وصف (خدا) میگویند که نه موجود است نه معدوم، نه زنده است نه مرده، نه قادر است نه عاجز نه عالم است نه جاهل... این جماعت عقیده داشتند که عیسی مرده را زنده نمیکرد بلکه دلپای مرده را با گفته‌های موثر و دانشین خود زنده میکرد، آنها تعالیم و تکالیف ظاهری را بر خلق واجب نمیدانند و میگویند مراد از نماز اطاعت از مولا و مقصود از زکوة کمک به محتاجان است.

فاطمیه از فرقه فاطمیه نیز چندین فرقه منشعب شده است که از آن جمله است فرقه دروزیه که خلیفة الحکیم را پس از مرگش خدا دانستند... و دیگر فرقه بصیریه که افکارشان با عقاید اسمعیلیان بسیار نزدیک است.

فرقه وهابیه یکی از تازه ترین نهضت‌های مذهبی در عالم اسلام نهضت فرقه وهابیه است که از محمد بن عبدالوهاب که در سال ۱۱۱۵ هجری در نجد تولد یافته پیروی میکنند؛ وهابی‌ها به بسیاری از بدعتها و مقررات معمول عالم اسلامی پشت بازده‌اند، از جمله، آنان مراسم تشییع جنازه، سوگواری برای اموات مسلمین را حرام میدانند و هرگز از ارواح پیغمبران، ائمه و غیره برای بهبود حال خویش استمداد نمیجویند و میگویند آنان در دنیا و آخرت کوچکترین تأثیری در احوال مردم ندارند، همچنین این جماعت از القاب و تشریفات و احتراماتی که برای پیغمبر و ائمه قائلند بیزاری و تبری میجویند و احترام بمقبره پیغمبر و ائمه را حرام میدانند و پیا کردن بنا و دستگاه ضریح را برای قبور مقدسه در حکم بت پرستی دانسته بتخریب آنها فتوی میدهند.

بدون شك یکی از جهات مبارزه وهابیه با زائرین بیت‌الاحرام روی همین منطق بوده است.

قسمتی از اصول عقاید فرقه وهابیه امروز در عربستان سعودی طرفدارانی دارد.

دیگر از جنبش‌های نوین اسلامی جنبش بایبه است که در سال ۱۸۴۴ میلادی بوسیله میرزا علی‌محمد باب اعلام گردیده است، این فرقه بسیاری از قوانین و مقررات اسلامی را حذف کرده و قواعد تطهیر را از بین بردند و از نظر اجتماعی مسلك خود صیغه افکار تجددخواهی دادند، پیشوای این راه در سال ۱۸۵۰ محکوم بمرگ گردید، پس از او مذهب بهائی بدست یکی از پیروان باب بنام بهاء‌اله (متوفی بسال ۱۸۹۲ میلادی) تأسیس گردید.

www.adabestanekave.com

در مصر نیز اختلاف طبقاتی شدیدی وجود داشت، پس از آنکه عمر و عاص مصر را بتصرف در آورد ضمن نامه‌ای بمصر نوشت « در اینجا مردمانی زندگی میکنند که گوئی فقط برای این خلق شده‌اند که مثل زنبور عسل بنفع دیگران کار کنند و از ثمره کار خودشان بهره‌مند نشوند...»

این خصوصیات و عوامل اجتماعی دیگر سبب گردید که ملت‌ها در مقابل حمله مسلمانان، چندان پایداری نکنند ولی بعدها نقش دموکراسی اسلامی، تشدید روز افزون اختلافات طبقاتی؛ تعیش و خوشگذرانی خلفا و پیشوایان دین و عدم توجه آنها بمبانی اسلامی، اهانت بسبب غیر عرب و اطلاق نام برده و کنیز به آنان، انتشار آراء فلسفی یونانیان در بین ملل اسلامی و علل اجتماعی و اقتصادی دیگر سبب گردید، که جمعی از صاحب نظران و آزاد مردان ایرانی بکمک مردم ناراضی با حربه دین و سیاست مقدمات رهائی خود را از قید حکومت عرب فراهم سازند و در مقام احیاء دین و زبان و سنن ملی خود برآیند.

تفتیش عقاید و افکار برخلاف عقیده کسانی که میگویند در عصر حکومت عباسی مردم در عقاید و افکار خود آزادی داشتند دلایل زیادی نشان میدهد که تفتیش عقاید و افکار در آن عصر نیز بحد کمال وجود داشته است «مامون شنیده بود که ده نفر در بصره زیست میکنند که بکیش مانی و به نور و ظلمت معتقدند آنها را نزد خود احضار نمود. يك يك را خواند و امتحان کرد از هر که پرسید دین تو چیست جواب داد اسلام، صورت مانی را بآنها نشان داد، و ادارشان نموده آن تفانند ازند چون خودداری کردند آنها را کشت» در ربیع الاول سال ۲۱۸ مأمون بدستگیری مشاورین معتزلی دیگر خود حکمی صادر کرد که بموجب آن عمال دولت، قضاة و محدثین را تحت آزمایش - (که در آن زمان «محنه» میگفتند) - می آوردند تا کسانی که بمخلوق بودن قرآن عقیده دارند باقی باشند و مخالفین را از کار برکنار کنند - پیروی ازین روش در دوران خلافت معتصم شدت گرفت تا جایی که معتصم امام احمد بن حنبل را که در عقیده خود پافشاری میکرد در سال ۲۱۹ مدت سه روز در حضور جمعی بترك رأی خود مجبور کرد و با مخالفین به بحث

فصل هفدهم

مناظری از تمدن اسلامی

بطور کلی خلفای راشدین به اصول جمهوریت و دموکراسی اسلامی بکجا انجامید توجه داشتند و به افکار و نظریات مردم احترام میگذاشتند چنانکه علی (ع) در دعوائی که علیه یکنفر اقامه کرده بود شخصا در محکمه حاضر شد و دلایل حقانیت خود را اعلام داشت، در تاریخ تمدن اسلام نوشته شده که «پادشاه نصرانی غسان بعد از قبول اسلام برای ملاقات عمر بمکه آمد، یکروز اتفاق افتاد که عربی غفلتاً به او تهنه زد پادشاه در غضب شد و او را زد؛ عرب شکایت نزد خلیفه برد پس از رسیدگی حکم شد که پادشاه قصاص شود و عرب مذکور هم او را بزند پادشاه از این حکم متعجب شد و گفت ای امیرالمومنین آیا میشود يك آدم عادی بطرف پادشاه دست دراز کند؟ خلیفه گفت قانون اسلام همین است، دیانت اسلام نه برای هویت و شخصیت امتیازی قائل است نه برای درجه و مقام...»

در حالیکه اسلام مردم را به برادری و عدالت فرا میخواند در ممالک همجوار جزیره العرب اصول استبداد مطلق، اختلاف شدید طبقاتی و مقررات دشوار «کاست» حکومت میکرد و احدی را یارای آن نبود که از مقررات و مشاغل ابناء و اجدادی خود قدمی فراتر گذارد و با سایر طبقات همراهی و همقدمی نماید.

و مناظره و ادانت چون نتیجه ای از کار خود نگرفت فرمان داد تا او را آتقدر تازیانه زدند که امام حنبل بیپوش افتاد و پوست بدن او برآمد چون از اعتراض پیروان امام حنبل بیم داشت از کشتن او صرف نظر کرد و ... فرمان داد تا او را حبس کردند .

محاكمه افشین - یکی از محاکمات تاریخی این دوره محاکمه افشین سپهسالار کل لشکرهای معنصم است ، این سردار ایرانی را بنام تورد و توطه علیه حکومت عباسی به دادرسی خواندند و وی را بگناهان زیرین متهم ساختند :

گناه اول - دو نفر خانه ای را که در آن بت و بت پرست بود خراب کردند و بتها را شکستند و خانه را مسجد نمودند یسکی امام مسجد و دیگری مؤذن شده بود ، افشین چون بر این حادثه آگاه شد ، هر يك را هزار تازیانه نواخت و در قبال این اتهام گفت که میان من و پادشاه سفد عهد و پیمان بود که مرد مرادر کیش خود آزاد گذاریم ، امام و مؤذن تعدی کردند من آنها را مجازات کردم زیرا آزادی دیانت بر عهده من بود .

دوم - در خانه او کتابی یافتند که بز و گوهر مزین و مرصع بود در آن کتاب عبارات کفر درج شده بود ، او دفاع کرد که چنین کتابی دارم متضمن آداب ایرانی و حکم و پندهای پارسی ، من از ادب آن بهره مند میشوم و بکفر آن اعتنا نمیکنم احتیاج هم ندارم که زر و گوهر و زیبایی آنرا بفروشم ، آن کتاب مانند کلیده و دمنه و کتاب مزدک است که امثال آنها در منزل قضات و روحانیون میباشد و هیچکس بر آنها اعتراض نمیکند .

سوم - متهم بود که گوشت حیوان سر بریده را نمیخورد بلکه حیوان را خفه کرده . و سپس از گوشت آن تناول میکند افشین چنین تهمتی را تکذیب کرد .

علاوه بر آنچه گفته شد ویرا به توطه علیه حکومت عباسی و کوشش در راه استقرار حکومت ایرانی در سراسر حوزه اسلامی و غیره متهم کردند با اینکه بادلا ائلی چند ، این تهمتها را ناروا خواند ، بدفاع او وقتی نهادند زندانش

کردند و آتقدرنان و آب باوندادند تا جان داد سپس تن او را بدار آویختند و جسدش را آتش زدند .

با فشار دستگاه حکومت ، ایرانیان و حتی اعراب از اعلام معايب حکومت عباسی دست برنمیداشتند ، ابن ابی العوجا ، صالح بن عبدالقدوس ، یونس بن ابی فرود و جمعی دیگر با اشاعه افکار زنادقه و ابراز نظریات خود به تزلزل بنیان خلافت و بیداری ملل اسلامی کمک کردند ، بیشتر زنادقه از موالی و ایرانیان بودند در آن دوره نیز هر کس علیه حکومت وقت سخنی میگفت و از سالوس و ریای روحانی نمایان لفظی بر زبان میراند به تهمت زندقه تعقیب میشد و بطرزی و حشیا نه کیفر میدید با اینحال گوستاولوبون عقیده دارد که از قرن هشتم تا دهم میلادی یعنی در دوره ای که در اروپا تعصب و جاهلیت حکومت داشت در ممالک اسلامی بازار علم و دانش بی رونق نبود و اهل علم در ابراز عقاید طبیعی و فلسفی چندان محدود نبودند تا جائیکه « در اکثر مباحثات مذهبی و علمی بغداد ، نمایندگان هر مذهبی از یهود و نصاری و هندو و کبر و دهری در آن شریک بودند ... تمام نمایندگان فرق مذکور با کمال آزادی نطق میگردند و بیانات هر کدام با کمال تامل و غور شنیده میشد و فقط تقاضائی که از آنها میشد این بود که مراقب باشند که در بیانات خود ؛ بیدارک و اسناد مذهبی توسل نجویند ، بلکه مباحثاتشان متکی بدلائل و براهین عقلی و منطقی باشد . » وی معتقد است که این پایه ازدمو کراسی در اندلس و صقلیه بطرزی بارز تر وجود داشت - با اینکه گفته های گوستاولوبون راجع بدمو کراسی اسلامی اغراق آمیز بنظر میرسد معدلک نباید فراموش کرد که در ممالک اسلامی دمو کراسی ، آزادی فردی و اجتماعی و فرهنگ و دانش عمومی بمراتب از کشورهای آنروز اروپا بیشتر بوده است .

با وجود ارفاق و تساهلی که مسلمین در اسپانی و بعضی از ممالک مفتوحه روا میداشتند ، پس از چند قرن ، در اثر عناد و تعصب کیشها و تحریک افکار ملی و نژادی جنجال و مخالفت شدیدی علیه مسلمین در اسپانیا بوقوع پیوست و پیشوایان دین بقتل پیرو جوان و مردوزن مسلمان فنوی دادند تا اینکه فیلیپ دوم بفرمان پاپ بوضعی

تعصب مسیحیان نسبت به مسلمین

فرهنگ اسلامی

بین رحلت محمد (ص) در سال ۶۳۲ و شکست اعراب در پواتیه (۷۳۲) یعنی طی یک قرن اعراب موفق گردیدند که تمام ممالک افریقائی ساحل مدیترانه و اسپانیا و کشورهای آسیائی را تاهند متصرف شوند .

قوم عرب در نتیجه نزدیکی و تماس با ملل متمدن، کم کم به امور فرهنگی علاقمند شد ، تا جائی که **المنصور** دستور داد که کتب یونان را به عربی ترجمه کنند و هارون الرشید روش او را تعقیب کرد و برای شارلمانی ساعت زنگداری فرستاد که غریبان آنرا هشتمین عجایب عالم دانستند در زمان مامون نیز بعلمت مساعدت شرائط اجتماعی فرهنگ اسلامی در طریق کمال پیش رفت و بی پس از آنکه بر میشل سوم غلبه یافت یکی از شرایط صلح را تحویل يك نسخه از تمام کتب یونانی قرارداد .

در نتیجه این جنبش فرهنگی بسیاری از کتب سودمند علمی و فلسفی یونان به عربی ترجمه شد ، پس از آنکه اعراب بزبان یونانی آشنا شدند کار ترجمه و انتقال فرهنگ یونانی تسهیل گردید. در این دوره غیر از دانشگاههای مهمی نظیر دانشگاه قاهره ، بغداد ، قرطبه ، طلیطله و سائل مطالعه و تحصیل برای طالبان علم تاحدی فراهم بود یعنی در جوار سازمانهای علمی به اندازه کافی کتابخانه ، رصدخانه ... وجود داشت ، چنانکه در اندلس ۷۰ کتابخانه عمومی موجود بود و در قرطبه بگفته مورخین اسلامی در کتابخانه الحا کم ۶۰۰ هزار جلد کتاب وجود داشت که ۴۴ جلد آن مخصوص فهرست کتابخانه بود ، دیگر از مختصات فرهنگ علمی اسلامی توجه بمشاهده و تجربه و تحقیقات علمی است .

مسیو «سدی بو» در این باره مینویسد « در تعلیمات دارالعلم بفساد چیزی که نهایت مهم بوده این است که طرز استدلال آنها کاملا مبتنی بر اصول علمی بود یعنی اکتشاف امور غیر معلومه از امور معلومه ، مشاهده وقایع و

ناهنجار فرمان اخراج مسلمین را از سرزمین اسپانیا صادر نمود ، لیکن قبل از آنکه مسلمین موفق بفرار شوند سه چهارم آنها بحکم کلیسیا در خاک و خون غلطیدند و کسانی که جان خود را با هول و هراس از خطر مرگ نجات دادند بعد ها بدستور محکمه تفتیش عقاید جملگی محکوم به اعدام گردیدند . بعد از فیلیپ در دوران زمامداری فردیناند ، شارل پنجم و فیلیپ دوم مسلمین در فشار و محدودیت فراوان زیست میکردند در طول این مدت قریب ۳ میلیون مسلمان از دم تیغ تعصب و جاهلیت گذشتند .

بعد از اخراج مسلمین که مردمی مطلع و اهل حرفه و صنعت بودند ، در اداره امور کشوری سستی و رکودی محسوس ، آشکار شد ، جمعیت مادرید از چهار صد هزار به دوست هزار فر رسید ، موسسات صنعتی بسرعت رو بتعطیل رفت و بطوریکه در تاریخ تمدن اسلام نوشته شده در اشیلیه که از بزرگترین اقدامات مسلمین ۱۶۰۰ کارخانه دایر بود و ۱۳۰ هزار کارگر در آنجا مشغول بودند فقط سیصد کارخانه باقی ماند و در طلیطله از ۵۰ کارخانه پارچه بافی فقط ۱۳ کارخانه باقی ماند .

در اثر تعطیل مؤسسات صنعتی ، رکود بازار تجارت ، عدم توجه بکار و دانش و رواج بازار تعصب و جاهلیت کو کب اقبال ملت اسپانیا راه افول پیمود تا جائیکه در قرن ۱۸ و قنیکه در (سقوبیه) يك کارخانه پارچه بافی تاسیس گردید برای اداره فنی آن دست نیاز بسوی کشور هلند دراز کردند. میتوان گفت محکمه تفتیش عقاید جز تورا ، و انجیل کتابی برای ملت اسپانیا باقی نگذاشت این درجه از انحطاط مدتها ملت اسپانیا را از کاروان تمدن عقب راند و زمینه را برای مداخلات استعماری فراهم گردانید و دامنه این مداخلات تا نیم قرن پیش ادامه داشت.

پس از بر افتادن خلافت بغداد هر يك از ملل اسلامی با سر نوشتی رو برو شدند ، مصر در تحت فرمانروائی ترکان عثمانی قرار گرفت و بعدها سیاست شوم استعماری انگلستان در این کشور باستانی سایه افکند ، هندوستان ، ایران و سایر ممالک اسلامی آسیا پس از تحمل لطماتی که در اثر حمله منول و تیمور متوجه آنان گشت با خطر خانمانسوز سیاست استعماری انگلستان رو برو شدند و هنوز در زیر پنجه استعمار دست و پا میزنند .

حوادث بطور صحیح ، استخراج علل بوسیله معلومات ، تصدیق و قبول مسائلی که از روی تجربه به ثبوت رسیده باشد ... این طریق مهم که محققین عصر ما بوسیله آن پس از سالیان دراز موفق به اکتشافات و اختراعات مهم گردیده اند بر مسلمین در قرن نهم میلادی معلوم بوده است.

علوم ریاضی

در رشته ریاضیات، مخصوصاً جبر و مقابله مسلمین پیشرفت شایانی کردند ، مامون عباسی در قرن نهم میلادی به محمد بن موسی که از ریاضی دانهای بنام عصر بود دستور داد که کتاب ساده و سهلی برای استفاده عموم در جبر و مقابله تالیف کند ظاهر آ پایه گذار علم جبر و مقابله مسلمین بودند و بوسیله آنان بین ملل اروپائی منتشر شده است در رشته نجوم نیز مسلمین پس از فرا گرفتن اطلاعات علمی یونانیان موفقیت‌هایی کسب کردند که قسمتی از آثار علمی آنان در اثر حوادث و تمصبات مذهبی دستخوش فنا شده است با اینحال جمعی عقیده دارند که بیضوی بودن مدار سیارات و حرکت زمین بدور آفتاب از جمله مسائلی است که قبل از کپلر و کپرنیک علمای اسلام آنرا کشف کرده اند و زیج معروف الفنسی (الفنس دهم) نتیجه کار مسلمین است .

جغرافیا

در رشته جغرافیا نیز مسلمین تحقیقات گرانبھائی نموده اند چنانکه مسعودی در کتاب مروج الذهب و ابن حوقل در آثار خود در باره اقوام و مللی که در شرق و غرب در حدود سال ۳۳۰ هجری (قرن دهم میلادی) میزیسته اند توضیحاتی میدهند و عادات، رسوم، مذاهب، ممالک، صحاری ، جبال، بحار ، تقسیمات ملکی، سلسله سلاطین ، شعب قبایل و سرحدات، شهرها، قصبات، شطوط و انهار، بحار، راه‌ها، فاصله آنها با کشورهای همجوار و اجناس مهم تجاری و سایر خصوصیات طبیعی اقتصادی و اجتماعی این ممالک را روشن میکنند دیگر از جغرافی دانان اسلامی این بطوطه است که از سال ۱۳۲۵ میلادی شروع بسیاحت کرده و در طی ۲۴ سال از راه طنجه، افریقای شمالی، مصر، فلسطین، عراق عجم، قسمت شمالی عربستان قسمت جنوبی روسیه، قسطنطنیه ، بخارا، خراسان، قندهار هندوستان، سیلان سوماترا و جاوه ، یعنی ربع مسکون آنوقت زمین را سیاحت کرده است . بطور کلی محققین اسلامی با وسائل ناقصی که در آن ایام در دست

داشته اند تحقیقات گرانبھائی نموده اند ، ابوالفداء علمای جغرافیای عصر خویش را به ۶۰ تن احصا کرده که اهم آنها اصطخری، ادریسی، قزوینی و یاقوت حموی است، نتیجه مطالعات ادریسی و عده ای دیگر از محققین مدت ۳۰۰ سال جزو کتب درسی اروپا بود .

فیزیک و شیمی و علوم دقیقه

در رشته فیزیک و شیمی ، جراتقال و علوم دقیقه نیز مسلمین نه تنها معلومات متقدمین را فرا گرفتند بلکه در سایه تحقیقات و مطالعات خود بر خرمن اطلاعات عصر خویش افزودند .

تا آنجا که در رشته فیزیک و شیمی نیز قرن‌ها نتیجه تحقیقات دانشمندانی نظیر رازی و جابر، مورد استفاده محققین اروپائی قرار گرفته است مسلمین پس از فرا گرفتن اطلاعات دانشندان یونانی در سایه تحقیقات و مطالعاتی که بعمل آوردند بکشف مواد مهمی که یونانیان از آن بیخبر بودند توفیق یافتند که از آنجمله تیزاب سلطانی، الکل ، جوهر گوگرد، تیزاب فاروق را میتوان نام برد ، در کتب و آثار جابر و ابوبکر محمد بن زکریای رازی که پیشوای شیمی دانهای اسلام است اطلاعات سودمندی از تجزیه و ترکیب مواد که بمنظور کشف اکسیر بعمل آمده مشاهده میشود . جابر در کتاب خود از جوهر شوره، تیزاب سلطانی، نوشادر، ستک چپنم، داراشکنه، جیوه قرمز نام میبرد و به بیان و توضیح بعضی عملیات شیمیائی نظیر تجزیه، ترکیب ، تقطیر، انحلال، تبلور، تبخیر و غیره مبادرت میورزد .

پیشرفت در علم طب

در رشته طب نیز مسلمین پس از استفاده از ذخایر علمی یونانیان خود در مقام تحقیق و تجربه برآمدند - از میان محققین بیش از همه محمد بن زکریای رازی بمطالعات علمی و عملی همت گماشت یعنی غیر از بکار بستن دستور حکمای سلف خود برای معالجه بیماران تحقیقات و تجارب عملی نمود ، در علم تشریح اطلاعاتی داشته و برای اولین بار کتابی بنام علاج الاطفال در بیماری کودکان تدوین کرد و در بیماری تب، آبله، سرخچه، تبهای بشوری آتاری تدوین نمود نتیجه تحقیقات او در کتاب حاوی الکبیر و المنصوریه جمع آوری شده و کتاب اخیر مشتمل بر ۱۰ باب است تشریح ، امزجه ، اغذیه و ادویه ، حفظ الصحه ،

مزنیات بدن ، لوازم حفظالصحه سفر ، جراحی ، سموم ، کلیه امراض ، غیر از رازی مطالعات و تحقیقات ابو علی سینا (۹۸۰ - ۱۰۳۷) نیز قرن‌ها مورد استفاده محققین قرار گرفته ، نفیست‌ترین اثر علمی او در رشته طب کتاب قانون است که در آن از فیزیولوژی ، حفظالصحه ، امراض ، معالجات و خواص الادویه بحث شده است ، در قسمت جراحی نیز البقاسس که از بزرگترین جراحان عرب در قرطبه بود . تحقیقات گرانبهایی کرد و آلانی بمنظور عملیات جراحی اختراع کرده است و در کتاب جراحی خود در پیرامون عملیاتی که بوسیله چاقوی جراحی صورت میگیرد بحث میکند از قبیل جراحی چشم ، دندان ، فتق و وضع حمل ، علاوه بر این از داغ کردن و پاره‌ای معالجات دیگر نیز بحث میکند .

غیر از کسانی که نام بردیم جمعی دیگر از علمای اسلامی در باره بیماریها و معالجات آن مطالعات و تحقیقاتی کردند و نظریات آنان در رشته‌های مختلف مانند آثار و تتبعات رازی تا قرن ۱۷ و ۱۸ مورد استفاده محققین اروپائی و در شمار کتب درسی بود .

مسئله رعایت حفظالصحه ، امساک در غذا ، پرهیز از خوردن مشروبات الکلی ، استحمام ، استفاده از آب خوب و هوای آزاد مورد توجه پزشکان بود غیر از ادویه مفرده مانند بلبوس ، سنا ، تهرندی ، قرمز دانه معدنی ، کچوله ؛ کافور و غیره . مسلمین به ترکیب ادویه نیز توفیق یافتند و انواع شربت‌ها ، مشعات ، اقسام روغن ، مرجم ، عرق و غیره را برای معالجه بیماران استعمال میکردند .

به این ترتیب مسلمین نه تنها فرهنگ یونانی و بهترین اکتشافات کشور های دست‌نشانده را جمع‌آوری کرده و بما انتقال داده‌اند ، بلکه در سایه تحقیقات و مطالعات خود دانش عمومی عصر خویش را غنی کردند ، بعقیده پیرروسو اعراب هندسه و فلسفه را از یونانیان ، علم شیمی را از مصریان دستگاہ اعشاری را از هندیان و علم جبر را از اهالی بابل و سومریها و یونانیها فرا گرفتند .

آثار هنری و صنعتی در این دوره

همانطور که تمدن اسلامی ، حاصل و نتیجه ذخائر علمی و عملی قوم ایرانی ، یونانی ، هندی ، مصری و سایر ملل متمدن آسیائی است ، صنایع مستظرفه و هنرهای زیبایی که در دوره طولانی تمدن اسلامی ظاهر شده . در حقیقت محصول ذخائر هنری اقوامی است که خیلی قبل از پیدایش تمدن اسلام به امور ذوقی و هنری توجه داشته‌اند .

از روی ابنیه و آثاریکه امروز در دست است بخوبی میتوان بدرجه استعداد ملل اسلامی در صنایع مستظرفه ، حجاری ، معماری ، نقاشی و مهارت آنان در ساختن ظروف گلی ، زجاجیات ، خاتم کاری ، زرگری ترصیع آهن و فولاد ، آبنوس کاری ، کنده کاری و غیره پی برد ، از روی همین آثار و دقت در ابزار کار و وسائل تولیدی و محصولات و مصنوعات آنان میتوان از زندگی و وضع معیشت و درجه فرهنگ و استعداد مردم آن عصر کسب اطلاع نمود - در رشته نقاشی با اینکه اسلام کشیدن صور ذبوح را ممنوع کرده معذک ، از آثار و کتبی که بدست آمده ، توجه مسلمین به نقاشی و تصویر و مظاهر حسن و زیبایی آشکار میشود . در رشته معماری نیز مسلمین آثار گرانبها و نفیسی از خود بیادگار گذاشته‌اند مخصوصا ، طاقهای هلالی ، مناره‌ها ، گنبدها ، قبه‌های عمارات و مقرنس کاری و سایر نقش و نگارها و تزییناتی که در عمارات طلیطله و مسجد قرطبه در اندلس و مسجد عمر و مسجد الاقصی در دمشق و مسجد طولون ، ازهر ، مسجد عمر ، فایت‌بای ، در مصر و قصور ضیراء در سیسیل و مسجد شاه اصفهان دیده میشود نمونه‌هایی از صنعت معماری مسلمین و مظاهری از فعل و انفعال و تاثیر متقابل تمدن ملل اسلامی است ، بطور کلی میتوان گفت در طی ۸ قرن اقوام و مللی که در زیر پرچم اسلام گرد آمده بودند ، از خصوصیات ذوقی ، هنری و علمی یکدیگر کم‌وبیش استفاده کرده‌اند و نتیجه این تعاطی معلومات در آثار آن دوره کاملا متجلی است .

روابط اقتصادی مسلمین با دیگر ملل عالم

در دوره ساسانیان چنانکه یاد آور شدیم بازار تجارت ایران با کلیه ممالک معظم آن دوره در کمال رونق و رواج بود لیکن با سقوط آندولت و استقرار حکومت مسلمین فعالیت تجاری يكچند را کد ماند

پس از آنکه دایره فتوحات مسلمین وسعت گرفت و جنگ و خونریزی پایان یافت بار دیگر داد و ستد و تجارت بین ملل مختلف شروع شد.

در سال ۹۶ هجری بین خاقان چین با نماینده حکومت اسلامی مذاکرات و مناسبات اقتصادی برقرار شد و روابط بازرگانی بین طرفین با گذشت زمان توسعه یافت بطوریکه در قرن چهارم عده مسلمانان کانتن بهزاران نفر میرسید و عده زیادی از آنان برای فعالیتهای اقتصادی در آن شهر رحل اقامت افکنده بودند، در آن دوره کشتیهای تجاری، دائماً از بنادر خلیج فارس به جانب بنادر چین در رفت و آمد بود.

ارتباط بازرگانی بین مسلمانان با هند از صدر اسلام آغاز گردید هندوستان به علت داشتن انواع محصولات گرانبها کمتر بکشورهای خارجی نیازمند بود و همواره صادراتش بر واردات فزونی داشت.

ارتباط، بازرگانی مسلمین با هند، هم از طریق دریا و هم از خشکی صورت میگرفت و کالا های مورد معامله عبارت بود از پارچه های حریر، کتان، عقیق، یاقوت، طلا و نقره؛ مشک، عنبر، عود، انواع عطریاب و غیره مسلمین با ممالک غرب نیز روابط تجارتي برقرار کردند و کاروانهای تجاری غالباً بین روم شرقی و قسطنطنیه و ممالک اسلامی در حرکت بود در طی جنگهای صلیبی یعنی در مدت دو قرنی که ایالات فلسطین سوریه و سواحل شمالی فرات میدان جنگهای خونین بین مسلمین و مسیحیان بود، راه تجارت مشرق، بمصر که مرکز خلفای فاطمی بود منتقل گردید ولی از قرن هفتم هجری بیعد با خاموش شدن آتش جنگهای صلیبی مجدداً جاده ایران و آناتولی و شام بحال سابق برگشت و از میر، اسکندرون و غیره مرکز فعالیتهای تجاری گردید.

پس از آنکه حیطه نفوذ مسلمین بجزایر قبرس رُدس، سیسیل و کورس بسط یافت و اسپانی بتصرف مسلمین درآمد، در قرن ۳ و ۴ هجری روابط تجاری شرق و غرب اهمیت و وسعت فراوان یافت در همین ایام یعنی در حدود قرن سوم و چهارم هجری بین مسلمین با ممالک اروپای مرکزی نیز ارتباط اقتصادی برقرار شده بود و نخستین قدم اساسی در این راه در عهد شارلمانی

برداشته شد در سال ۳۰۹ المقتدر عباسی در راه استقرار روابط بازرگانی با بلاد اوکراینا، لهستان و بلغارستان اقداماتی نمود، در همین ایام ترکهای اطراف دریای سیاه از تجارت انسان سود کلانی بدست می آوردند، به این ترتیب که تجار برده فروش، پسران زیبا و خوش اندام و دوشیزگان خوش طلعت را، پس از تعلیم و تربیت و آموختن موسیقی بقیمتی گزاف در معرض خرید و فروش قرار میدادند.

ناگفته نماند که در این ایام به علت نبودن وسائل موتوری و گرانی فوق العاده نرخ ربیع (در حدود صدی نود و پنج) قیمت کالاهای تجاری بسیار گران بود، به همین جهت استفاده از کالاها فقط برای ثروتمندان امکان پذیر بود. در قرن نهم و دهم میلادی یعنی در دوره ای که مسلمین **تأثیر تمدن اسلامی در ممالک غرب** از برکت فرهنگ باستانی یونان و ایران و دیگر ملل متمدن آسیای در راه کمال پیش میرفتند، ملل

اروپا در حال ملوک الطوائفی زیست میکردند یعنی اربابان و فئودالها بچنگ و خونریزی و غارتگری مشغول بودند و علماء قوم را رهبانان و پیشوایان مذهب مسیح که مردمی جاهل و متعصب بودند تشکیل میدادند، این جماعت که دشمن علم و عقل بودند غالباً به تباه کردن کتب علمی باستانی مشغول بودند و اغلب او را د و ادعیه یوچ مذهبی را با حک کردن آثار دانشمندان ندیم بر روی اوراق پوستی مینوشتند.

از قرن دوازدهم بیعد مقدمات نهضت فرهنگی جدیدی در بسیاری از ممالک اروپا فراهم گردید و بتدریج ملل اروپا در نتیجه تغییر اوضاع اقتصادی استقرار روابط تجارتي با اسپانیا و سایر ممالک اسلامی و وقوع جنگهای صلیبی و رفت و آمد مسافری، بدرجه جهل و بیخبری خود پی بردند، علاوه بر این دز اترست شدن مقررات فئودالیسم و ایجاد شهرها و رشد سریع صنایع دستی مقدمات رستاخیز اجتماعی و فرهنگی اروپائیان فراهم گردید و از طریق اندلس و جزیره صقلیه و ایتالیا بسیاری از آثار علمی و هنری مسلمین به اروپا راه یافت.

در سال ۱۱۳۰ در طلیطله دارالترجمه عظیمی برای انتشار کتب مشهور عرب بزبان لاتین تاسیس گردید و دیری نگذشت که دایره این نوع

مؤسسات فرهنگی برای انتقال تمدن آسیائی بغرب رو بوسعت نهاد ، چشم و گوش اروپائیان باز شد، و بتدریج در طرز تفکر و معتقدات ایشان تغییراتی پدید آمد ، خوشه چینی اروپائیان از خرمن دانش و فرهنگ ملل متمدن آسیائی تا قرن ۱۵ و ۱۶ ادامه یافت ، و در این مدت نه تنها بسیاری از کتب محققین و فلاسفه اسلامی نظیر رازی ، البقاسم ، ابن سینا، ابن رشد بزبان لاتینی که زبان علمی آن عصر بود ترجمه شد بلکه آثار جالینوس، بطلمیوس دموکریت، ارسطیدس، افلاطون و ارسطو و اقلیدس نیز بزبان لاتین ترجمه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفت .

آنانکه با دین و دولت بمبارزه برخاستند

((مدعیان خدائی و پیغمبری))

غیر از مبارزات ایدئولوژیک و جنگهاییکه از راه قیام مسلحانه علیه دین و دولت اسلامی صورت گرفته است، جمعی بکمک طبقات ناراضی برای درهم ریختن دستگاه سالوس و ربای خلفا ، جمعیتهایی تشکیل دادند و احیاناً دعوی خدائی و پیغمبری کردند و مبارزات اقتصادی و سیاسی را بصورت های دیگر ادامه دادند که در اینجا چند مورد آنرا ذکر میکنیم:

عقیده ابوذر غفاری
 ابوذر که یکی از پاکترین و پرهیزکارترین مردم عصر خود بود برای تعدیل زندگی مردم در شام قیام کرد بنا بنوشته طبری او میگفت « ... ای گروه توانگران با فقرا و تهی دستان کمک و موااسات کنید، وای بحال کسانیکه سیم وزر را گرد آورده نهان میکنند ، آنها برای خود داغ ذخیره میکنند فردا با همین سیم وزر سرور و بهشت و پهلوی آنها داغ خواهد شد.» در نتیجه تبلیغات ابوذر جمعی از تهیدستان علیه توانگران قیام کردند و آنها را به تقسیم دارائی واداشتند معاویه از بیم قیام مردم شام، ویرا نزد عثمان گسیل

داشت چون بمدنیه رسید عثمان از او پرسید علت شکایت از توحیست جواب داد: توانگران مال را جمع و ذخیره میکنند من بیاری فقر ابرخاسته ام. جمعی معتقدند که این عقیده که با آئین مزدک از جهانی شباهت دارد از عراق و یمن بممالک عربی را یافته و بوسیله ابوذر منتشر شده است.

قیام مختار

مختار بن ابی عبید تقفی در نیمه دوم قرن اول هجری بخونخواهی از شهیدای کربلا قیام کرد در این مبارزه ایرانیان کوفه ، بصره و الجزایر بیاری او و سردار شجاعش مالک اشتر برخاستند و سبب پیروزی او گردیدند ولی مختار در دعوی دوستی با آل علی صادق نبود بهمین علت پس از چندی ادعا کرد که بر او وحی نازل میشود، چون نتوانست دلیلی بر گفته خود بیاورد اعتقاد مردم باو سست شد و بالاخره در مقابل سپاه عبدالملک مروان شکست خورد .

پس از پایان کار مختار لاجنبشهای اعتراضی خاموش نشد و خراسان و ماوراءالنهر مرکز اجتماعات سری بر ضد بنی امیه گردید در این جریان نیز ایرانیان و شیعیان معرک و مشوق مردم بمخالفت بادستگاه خلافت بودند.

قیام زید

در صفر سال ۱۱۸ جمع کثیری از ایرانیان مداین ، بصره ، موصل و خراسان بر رهبری زید بمبارزه با خلافت بنی امیه برخاستند ، در این مبارزه سرانجام زید شهید گردید و جسد او را پس از آویختن بدار سوزاندند .

فرقه راوندیه - پس از خاموش شدن قیام زیدیه فرقه دیگری از شیعه که بشیعه آل عباس یا راوندیه مشهور شده بودند در بلاد شرق اسلامی ریشه دوانیده و به تبلیغات دامنه داری بر ضد دستگاه خلافت اموی مشغول شدند و از خلافت بنی عباس حمایت کردند این جماعت جامه سیاه بر تن میکردند بهمین علت آنها بنام «مسوده» نیز معروف شده اند و اکثرشان از دهقانان خراسان و نجیب زادگان ایرانی بودند که سرانجام بدستیاری ابومسلم خراسانی و ابوسلمه دولت اموی را پس از ۹۱ سال حکومت در تاریخ ۱۳۲ هجری برانداختند و با پیروزی عنصر ایرانی فصل جدیدی در تاریخ تمدن اسلامی باز گردید.

ابومسلم یکی از شخصیتهای بزرگ ایران بعد از اسلام است، او از کلیه نقاط ضعف حکومت بنی امیه برای استقرار حکومت عباسیان استفاده کرد و

باتبلیغاتی که از خیلی پیش برای اثبات حقانیت بنی‌هاشم شده بود، شیعیان را بمبارزه بادستگاه اموی برانگیخت علامت این جمعیت پرچمهای سباهی بود که (رایت ظل) خوانده و هنگام حرکت از شهری بشهر دیگر میبردند و عمال بنی‌امیه را بیرون میراندند - ابو مسلم بعزت نفوذ و قدرت فراوانی که داشت مورد وحشت عباسیان قرار گرفت و سرانجام از طریق نیرنگ و اغوا بدست عمال منصور کشته شد .

مقنع

پس از منصور پسرش مهدی بخلافت نشست در زمان خلافت مهدی شخصی بنام هاشم بن حکم ظهور کرد این شخص چون همیشه نقابی بر صورت داشت وی را مقنع می‌گفتند ، از جمله تعلیماتی که به پیروانش میداد یکی این بود که خدا بصورت انسان در میان بشر ظاهر میشود او آدم ، نوح ، ابو مسلم و شخص خود را خدا میدانست ، اعمال مذهبی را یکسره زائد می‌دانست تعالیم او جنبه اجتماعی و انقلابی داشت وی بیاری همفکرانش علیه خلیفه قیام کرد و یکچند پیروزی یافت ولی سرانجام شکست خورده بقتل رسید . چون پیروان مقنع جامعه سفید برتن میکردند آنان را سفیدجامگان می‌گفتند با کشتن مقنع نهضت او خاموش نشد بلکه پس از چندی جماعتی با همان افکار بنام سرخ‌پوشان در گرگان علم مخالفت برافراشتند و در دوره خلافت مهدی به اشاعه افکار مزدک و مانی مشغول شدند و مردم را به گسستن قیود مذهبی و اعلام آزادی و استقلال و جنگ با حکومت عباسی تشویق کردند .

حلاج یضاوی

در ایام غیبت صغری یعنی در دوره ای که طایفه امامیه منتظر ظهور امام غایب بودند ، منصور حلاج یضاوی صوفی معروف در مراکز تجمع شیعیان یعنی در قم و بغداد به تبلیغ و انتشار عقاید خود پرداخت، و پس از چند سال وعظ و مسافرت جمعی از شیعیان و رجال درباری و ارباب قدرت را در حلقه ارادت خود وارد نمود ، این شخص که ابتدا خود را رسول امام غایب و وکیل آنحضرت معرفی مینمود، بعدها ادعای معجزه رسالت و ربوبیت نمود و کوشش کرد که افراد برجسته دین و دولت را در سلك پاران خود درآورد و در این کار تاحدی توفیق یافت ولی ابوسهل نوبختی که پیرمردی مجرب بود با او از در مخالفت درآمد و در افشای

اسرار و بی‌بایگی دعاوی او کوششها کرد تا سرانجام بعضی از پیشوایان دین بتغیب و ریختن خون او فتوی دادند، بالاخره او را دستگیر و مدت ۸ سال زندانی کردند و در ذیقعد ۳۰۹ پس از ۷ ماه محاکمه بحکم قضات وائمه دین بدار آویخته شد .

ادعای شلمغانی

در آغاز قرن چهارم هجری شخص دیگری بنام ابوجعفر محمد بن علی از اهالی قریه شلمغان از قراء واسط بتاسیس مذهب جدیدی قیام کرد که او را ابن الغرغر و پیروانش را (غراقریه) میخوانده‌اند - این شخص که یکی از علما و دانشمندان شیعه امامیه بود ، مدتها به نیابت حسین بن روح موقعت مذهبی مهمی را بر عهده داشت و در نتیجه نزدیکی و تماسی که با خواص و عوام داشت عده‌ای را بدین خود دعوت کرد و جمع کثیری دعوت او را اجابت کردند ، در اینجا قسمتی از اصول عقاید او را که در کتاب خاندان نوبختی ذکر شده است عیناً نقل میکنیم :

«... اصول عقاید و دعاوی شلمغانی درست معلوم نیست ... امر مسلم اینکه شلمغانی نیز مانند حسین منصور حلاج از حلولیه بوده و بین بسیاری از عقاید او و حلاج تفاوتی نیست ... بطور کلی اصول عقاید او را بشرح زیر میتوانیم خلاصه کنیم :

۱- خداوند در هر چیز به اندازه تحمل آنچیز حلول میکند و شلمغانی کسی است که روح خداوند در او بتمامه حلول کرده ، چون شلمغانی در اینخصوص خود را بمسیح و حلاج تشبیه نموده است او را روح القدس، مسیح و حلاج خوانده‌اند.

بعقبده شلمغانی خداوند در هر چیزی و بهر صورتی ظاهر میشود و اصولاً خدا اسمی است جهة معانی و خاطر هائی که بقلب مردم حلول میکنند و آنچه را که بر مردم پنهان است متصور مینماید تا آنجا که گوئی مردم آن را بمشاهده درمی‌یابند ، هر کسی که مردم بخواهتیاچ پیدا میکنند خدای ایشان است بهمین جهة هر فردی از افراد بشر میتواند استحقاق مقام «الوهیت» حاصل کند و بنام خدائی خوانده شود، پیروان شلمغانی هر يك خود را خداوند کسانی که مادون او بودند میدانستند ... و موسی و محمد بن عبدالله (ص)

را خائن می‌شمرند ، ملائکه بنظر ایشان کسانی هستند که زمام نفس خود را در دست داشته و حق را بشناسند و به بینند ، بهشت شناختن ایشان و پیروی از مذهب آنان است و آتش، نشناختن آن جمع و برگشت از مسلك ایشان است عقیده شلمغانی این بود که روح خداوند در آدم حلول کرده و بعد از آدم در «شیت» و بهمین ترتیب در یکی یکی از انبیا و اوصیاء...

۲- غراقریه بتربك نماز و روزه و غسل معتقد بودند و بر روش سنت ازدواج نمی‌کردند و عموم زنان را بر خود مباح میدانستند و این کار را خوش آمدی بر نفس خود می‌شمرند و میگفتند ، در نتیجه این عمل شخص فاضل از نور خود مفضول را بهره‌مند می‌سازد ... شلمغان و باران او از آل ایطالب و بنی عباس نفرت داشتند و هلاک ایشان را واجب می‌شمرند.

۳- از مهمترین عقاید شلمغانی عقیده اوست به « ضد » باین معنی که شلمغانی میگفته است که خداوند وجود ضد را خلق کرده است تا بوسیله آن پی بمخالف آن برده شود تا اضداد به برگزیدگان خدا طعن زنند فضیلت ایشان ظاهر نمیگردد. (۱)

قسمت سوم

مختصات اجتماعی و فکری اروپائیان

در قرون وسطی

فصل هجدهم

زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم در این دوره

تبدیل غلام بسرف چنانکه دیدیم در دوره بردگی اساس مناسبات تولیدی را مالکیت بر وسائل تولید و برده (که تولید کننده بود) تشکیل میداد ، در آن دوره صاحب برده حق داشت و میتوانست برده را مانند حیوانات دیگر خرید و فروش کند یا بکشد ، از مختصات اقتصادی دوره بردگی تربیت حیوانات، توجه بفلاحت و صنایع دستی و تقسیم کار در شعب مختلف تولید بود ، مبادله کالا بایکدیگر از این دوره شروع میشود و در نتیجه تولید اضافی، تراکم ثروت در دست اقلیت امکان پذیر میشود و اکثریت در زیر فشار استثمار اقلیت قرار میگیرند ، چنانکه در فصول قبل دیدیم در این دوره جنگ بین اغنیاء و فقرا و مبارزه بین صاحبان حقوق و اشخاص بی حق با شدت تمام خود نمائی میکرد ، در نتیجه تغییر طرز تولید و

www.adabestanekave.com

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کتاب خاندان نوبختی نوشته آقای عباس اقبال

مبارزات مداوم غلامان اصول بردگی بر افتاد و پایه های فتودالیزم ریخته شد.

بعقیده لو فورد نوئت Lefebvre de Noëtte از بین رفتن بردگی فقط بعد از اختراع ابزار شخم و گاو آهن میسر گردید. کشف طریقه جدید شخم بوسیله اسب و سایر حیوانات قوی، کاملاً وضع و شرایط زندگی مادی بشر را تغییر داد.

در رژیم فتودال وضع تغییر میکنند در این رژیم مناسبات تولیدی بر اساس مالکیت فتودال بروسائل تولید، و مالکیت محدود او بر دهقان تولید کننده یعنی «سرف» (Serf) قرار میگیرد، در حالیکه فتودال حق ندارد او را بکشد در این رژیم سرف جزو ضمایم زمین بحساب میآید یعنی نمیتواند محل کار خود را تغییر دهد. هنگام انتقال زمین از مالکی بمالک دیگر تعداد کشاورزان، نوع فعالیتهای اقتصادی که در طی سال باید انجام بدهند بطور مشخص ذکر میشود و این خصوصیات یعنی کمیت و کیفیت دهقانان در ارزش زمین موثر بود.

در دوره بردگی نتیجه کار و کوشش غلامها متعلق به ارباب بود و جز بخور و نمیر چیز دیگری بآنها نمیدادند، به همین علت غلامان هم در اثر بیعلاقگی، کار موثری انجام نمیدادند.

ولی در دوره فتودالیت مالکین مجبور شدند برای جلب رضایت، بهر غلام قطعه زمینی واگذار کنند، مشروط به اینکه قسمتی از محصول کار خود را به ارباب بدهد و برای او کار مجانی «بیگاری» انجام دهد در نتیجه این تغییرات، علاقه دهقانان بزمین و کار اندکی بیشتر و از بیقیدی و بیعلاقگی آنها کاسته شد. این زارعین را «سرف» و این دوره را دوره سرواژ یا فتودالیت میگویند. در این دوره برخلاف دوره بردگی، سرف وابسته بزمین بود، خانواده و خانه و مزرعه داشت، اربابش نمیتوانست او را در جای دوری بفروشد؛ و حق نداشت زن و بچه هایش را از او بگیرد، و نمیتوانست خانه و مزرعه ای را که از اجدادش باو رسیده از او مسترد دارد، ضمناً سرف هم نمیتوانست بدون رضایت ارباب با یک شخص آزاد مزاجت نمساید و

نمیتوانست زنی را که در قلمرو ارباب دیگر بود بدون رضایت ارباب خویش بزناشویی بپذیرد.

در صورت تخطی از این اصل سرف به بیگاری یا جریمه نقدی محکوم میشد اگر فرزند رعیت در خانه پدر بسر نمیبرد، چون رعیت میمرد ارثش بارباب میرسید - اگر زمینی بین چند نفر مشاع بود صاحبان زمین میتوانند فرزندان را میان خود قسمت کنند چنانکه از شرح زیر، این معنی بر میآید.

« مارهبانان ... مشترکاً رعایای خانه زادی از زن و مرد داشتیم که بهر کدام ما سهمی از آنها میرسید لذا در سال ۱۰۸۷ در تاریخ ۶ ژوئن بچه های نرینه و مادینه را که از چند پدر و مادر بودند فیما بین خود قسمت کردیم ... یک دختر شیرخوار از تقسیم بر کنار شد ... اگر آسیبی باو نرسد ملك مشترك همه خواهد بود مگر آنکه قرار مخصوصی در این باب گذاشته شود.

« از کتاب آلبر ماله »

باید متذکر بود که آثار شوم رژیم فتودالیزم قرنهای متعددی در بین بعضی از اقوام حکومت داشته است.

انگلس، در کتاب منشاء خانواده و دولت (ترجمه انگلیسی صفحه ۵۴) مقررات بیشرمانه ای را که در ناحیه آراگون Aragon تا فرمان فردیناند کاتولیک در (۱۴۸۶) برقرار بوده است باین ترتیب بیان میکند.

« ما قضاوت و اعلام میکنیم که لردهای مزبور (سنیورها و بارونها) وقتی رعیتی بازنی ازدواج کرد نباید با زن او در شب اول نزدیکی نمایند... و نیز نباید با استفاده از عنوان از بابی خود در شب عروسی بفراش زوجه رعیت داخل شوند و همچنین بدون میل رعیت اربابان حق ندارند از دختران و پسران رعیت باعوض یا بلاعوض استفاده نمایند... »

باین ترتیب دیدیم که در دوره قرون وسطی وضع سرفها بسیار دشوار بود و ارباب ملك و فتودالها با سامی گوناگون نتیجه و حاصل کار آنان را بیغما میبردند؛ حقوق اساسی فتودالها بقرار زیر بود:

۱- هر سرفی که در زمین ارباب کار میکرد همه ساله مبلغی بنام

مال الاجاره میپرداخت و مقداری از محصول ، گله ، مرغ و غیره را بار باب تسلیم میکرد .

۲- دهقان آزاد نیز همه ساله مقداری مالیات به ارباب میپرداخت در حالیکه از سرفها بهره‌میزانی که میلشان بود مالیات میگرفتند .

۳- بیگاری، بزرگترین مشقت سرفها بود چه آنها مکلف بودند زمین اختصاصی ارباب را بکارند علفش را بچینند ، خندقهای قلعه را پاک کنند و شراب او را در موعد مقرر برسانند و در مواقع لازم بخدمات نظامی برخیزند و در بالای قصور ارباب به دیده بانی و مراقبت مشغول شوند، در حقیقت بیگاری حد و اندازه‌ای نداشت و بهر ارباب ملك بستگی داشت .

۴- مادام که ارباب به حصول خود را نفروخته سرفها اجازه نداشتند خرمن خود را درو نمایند و به عرض فروش بگذارند - ولینعمت هر وقت میخواست میتوانست با همراهان خود مزاحم سرف شود.

اینها بود نمونه‌ای از تحمیلات فتودالها، نباید فراموش کرد که در این ایام در ممالک اسلامی روابطی مناسبتر بین مالکین و دهقانان وجود داشت و در مواردیکه اختلاف مادی بین مالک و دهقان چندان زیاد نبود دهقان میتواند دختر ارباب خود را عقد کند و با او در سر یک سفره غذا بخورد؛ علاوه بر این قوانین اسلامی برای زارعین و کسانیکه اراضی موات را احیا میکردند حقوق و مزایایی منظور کرده بود تا جائیکه اگر کسی در زمین غصب زراعت میکرد محصول از آن او بود . (الزرع للزارع ولو كان غاصبا) ولی این راه و رسم در ممالک اسلامی نیز دوامی نیافت.

در این دوره سرفها بیش از یک اطاق نداشتند و معمولا هر اطاق يك بخاری داشت ، روشنایی بوسیله يك در باطاق میرسید و اگر در اطاق خود ، پنجره نیز میگذاشتند جلوی آنرا بادریچه یا با علف میگرفتند چه در این دوره شیشه بسیار گران و کمیاب بود ، ائانه آنها بسیار مختصر و ناچیز بود ، معمولا تخته‌ها را بر روی چند پایه گذاشته و کیسه‌ای پر از پوشاك روی آن میگسترده و این تخته خواب مورد استفاده عموم افراد خانواده بود؛ بر روی گاه می‌نشستند

وضع زندگی داخلی سرفها

و برای خوردن غذا دوری و کاسه چوبی استعمال میکردند غذای معمولی آنها باقلا، کلم، شلغم و پیاز بود .

از قرن ۱۲ ییعه در اثر رشد صنعت و تجارت و ایجاد شهرهای جدید و علل و عوامل دیگر نطفه بورژوازی بوجود آمد و وضع زندگی اجتماعی عوض شد؛ لذا مالکین و فتودالها بحکم مقتضیات جدید ناچار شدند با زندگی شهر نشینان آشنا و مانوس شوند و از رسوم و آداب که مقدس شمرده میشد دست بردارند .

چون استفاده از تمدن جدید بورژوازی با عواید اغلب مالکین هم آهنگ نبود جمع کثیری از آنان مقروض و ورشکست شدند و غالباً برای تهیه پول با گرفتن وجهی سرفها را آزاد میکردند - عده‌ای از سنیورها برای آنکه از فرار سرفها جلوگیری کنند آزادی آنها را اعلام میکردند باین ترتیب جذبه شهرها و ایجاد موسسات صنعتی سبب گردید که عده‌ای از سرفها از راه فرار یا با پرداخت وجه مختصری به ارباب، مساکن اولیه را ترك گویند و بشهرها و موسسات جدید روی آورند - مبارزه سرفها با مالکین، و تلاشی که این طبقه وسیع برای تحصیل آزادی خود میکردند زنجیر مقررات قرون وسطایی را سست گردانید و سرفها در طول زمان بکسب حقوق و اختیارات بیشتری توفیق یافتند ولی اساس فتودالیسم تا انقلاب ۱۷۸۹ باقی مانده بود با پیروزی انقلابیون فرانسه نظم نوین بورژوازی جانشین راه و رسم کهن گردید و کلیه نظامات و مقررات قدیم رو بفراموشی رفت.

در آغاز قرون وسطی ؛ قوانین و مقررات محلی **قوانین و نظامات** ثابت و مشخصی وجود نداشت بلکه هر منطقه بر طبق قوانین و مقررات خاصی عمل میکرد و در هر حال قوانین آن دوره کاملا جنبه طبقاتی داشته چنانکه در ازای قتل يك اسقف در ناحیه فرانك بایستی نهمصد دینار و به ازای قتل يك بنده بیست دینار پرداخته شود.

یکی دیگر از قوانین محلی میگفت «هر گاه کسی با یادست کسی را قطع کند یا يك چشم او را در آورد یا گوش یا بینی او را ببرد صد دینار خواهد داد؛ هر گاه دست نیفتد بلکه آویزان بماند ۴۵ دینار خواهد داد هر گاه دست را پیچیده و کتفه باشد باید ۶۲ دینار بدهد؛ هر گاه کسی شست پایا

دست را قطع کند ۴۵ دینار خواهد داد... هر گاه کسی زبان کسی را چنان ببرد که از نطق بیفتد صد دینار خواهد داد، صورتی نیز برای غرامت دشنام و ناسزا ترتیب داده بودند چنانکه «هر گاه کسی دیگری را ترسو خطاب کند مکلف به ادای ۶ دینار میشود.»

امتحان مجرم - هر گاه برای ثبوت تقصیر یا بیگناهی متهم بدمرک یا بشهادت اشخاص دسترسی نبود به آزمایش متوسل میشدند؛ به این ترتیب که متهم را مجبور میکردند که دست خود را در آب جوش فرو کند و یا آهنی گداخته را چند قدم ببرد؛ هر گاه سه روز بعد از این عمل بردست متهم اثری از سوختگی نبود و یا سوختگی بشکل خاصی نمایان نمیشد او را بیگناه میدانستند

محاكمه خدائی - محاكمه خدائی یا (قتال قضائی) باین ترتیب بود که متهم و مفتري یا مبارزینی که نماینده آنها بودند بچنگ میپرداختند و حق بکسی داده میشد که در مبارزه فائق آید و گمان میکردند خدا اشخاص بیگناه را نجات میدهد

دوئل Duel یکی از وسائل دادرسی در قرون وسطی بود و غالباً سنیورهای مجهز با سرفهای برهنه و بی دفاع دوئل میدادند.

معمولاً فرامین و احکام فتودالها و سلاطین که برای حفظ قدرت زورمندان و یا بمنظور تامین منافع کلیسا صادر میشد حکم قانون داشت و برای مدتی عملی و اجرا میشد

شارلمانی در ۷۸۵ طی فرمانی چنین گفت «هر کس بعتف وارد نمازخانه ای شود کشته خواهد شد. هر کس به وسوسه شیطان شریک او هام مشرکین شود و هم نوع خود را (چه مرد و چه زن) به بهانه اینکه سحر میکند بسوزاند یا گوشت او را بخورد یا بخورد دیگران بدهد... مجازاتش اعدام خواهد بود، هر کس جسد مرده ای را برسم مشرکین تسلیم شعله آتش کند محکوم باعدام خواهد شد. هر کس از مردم ساکس که غسل تعمید نکرده... و از تعمید روگردان باشد و بخواید مشرک بماند کشته خواهد شد. هر کس در ایفای فدویت خود بالنسبه بیادشاه قصور کند مجازاتش اعدام است....»

این اقدامات سخت دوام نیافت و از سال ۷۹۲ میلادی قوانینی معتدل تری برقرار شد.

نقل از کتاب تاریخ قرون وسطی نوشته البرماله

معمولاً فرامین شاه پس از شور با پیشوایان دین و فتودالهای محلی صادر میشد از فرامین و دستورات شارلمانی ۶۵ فرمان بدست آمده است که جمگی برای حفظ استبداد کلیسیا و تامین قدرت فتودالهای محلی تدوین شده است.

شارلمانی در یکی از قوانین خود میگوید «آنکه يك دینار از سر کرده خود گرفت دیگر نباید او را ترك کند...»

شارلمانی در فرامین خود بحکام مطالب بزر را گوشزد میکند «هیچ حاکم نباید بقضا بشیند مگر قبل از غذا و موقعیکه دستخوش شهوت و غضب نباشد - حکام نباید بخاطر شکار یا سایر لذات قضا را بتأخیر اندازند یا سرسری بکنند. حکام باید بر حسب قانون مدون رای بدهند نه بمیل شخصی خود - حکام حق این جسارت را ندارند که تقدیمی بپذیرند و مردم را از خدمت نظام معاف سازند.» قدرت حکام نامحدود بوده و تنها نفوذ اساقفه یعنی پیشوایان دین مسیح در برابر استبداد آنها عرض اندام میکرد - بامرک شارلمانی باریگر قدرت حکومت و قضاوت در دست فتودالهای محلی متمرکز شد و تمرکز ناقصی که پدید آمده بود از بین رفت.

طرز ازدواج در قرون وسطی

در تمام ادوار باستانی و در دوره قرون وسطی ازدواج بوسیله والدین و بدون توجه به تمایات زن و مرد بعمل میآمد یکی از دانشمندان بزرگ ضمن توصیف «عشق»

و «زناشویی» در دوره فتودالینه مینویسد «... عموماً می بینیم که مثلاً نامزد فلان شاهزاده جوان را پدر و مادر او و در صورت فوت آنها بزرگان قوم انتخاب میکنند، و غیر از این هم نمیتواند باشد، زیرا که ازدواج برای «شوالیه»، یا «بارون» و شاهزاده دوره فتودال در حکم يك عمل سیاسی است... آنچه در ازدواج اثر قاطع دارد مصلحت «دودمان» است نه «اراده»

شخصی، در این صورت چگونه ممکن بود که در عقد ازدواج عشق دارای رأی قاطع باشد؟

... تا آخر قرون وسطی ... در میان طبقات مختلف هر کس که بدنیا می‌آمد شوهر یا زن او معلوم بود یعنی از آغاز تولدش زن یا شوهر گروهی از مردان و زنان بشمار می‌آمد... پس از طلوع سرمایه‌داری همه چیز به کالا و مال‌التجاره مبدل گردید و راه و رسم آباء و اجدادی بر افتاد، بهمین علت طرز زناشویی تغییر کرد و ازدواج در داخل هر طبقه تا درجه‌ای با رضایت طرفین صورت گرفت ولی چنانکه خواهیم دید در این مرحله تاریخی نیز زنجیرها و قیود طبقاتی سد راه عشق و آمال طرفین است.

زندگی خصوصی مردم
در دوره قرون وسطی مانند عصر حاضر وضع لباس و پوشاک مردم همیشه یکسان نبود یعنی گاه لباسهای گشاد، تنگ و آنچه دراز بود کوتاه می‌شد، چیزیکه از قرن ۱۲ بعد در تغییر وضع لباس و طرز غذاخوری و سایر سنن اجتماعی مردم موثر بوده، تغییر اوضاع اقتصادی، ایجاد شهرها، آمد و رفت مردم و وقوع جنگهای صلیبی است - مجموع این امور در تغییر افکار و آداب مردم موثر بوده است.

آنچه مسلم است در طول قرون وسطی اکثریت مردم یعنی سرفه‌ها از خوراک و پوشاک کافی و مسکن مساعد بی بهره بودند، بهمین علت قشرهای محروم اجتماع اساساً نمیتوانستند راجع به تنوع و تغییر خوراک و پوشاک و مسکن فکری بخود راه دهند ولی طبقات مرفه اجتماع کم و بیش باین امور توجه داشته. بطور کلی میتوان گفت از قرن یازدهم تا سیزدهم لباس رفته رفته گشاد و دراز شد تا آنجا که پوشاک مرد و زن تقریباً یکسان گردید از اوایل قرن ۱۴ استفاده از زیرپیراهن معمول شد لباس روی پیراهنی چسبیده بپوشیدن بود که تازانو میرسید باها را با جوراب ساقه بلندی می‌پوشانیدند روی لباس شنی می‌انداختند. از زمان شارلمانی کوتاه کردن مو و تراشیدن ریش معمول گردید در اواخر قرن ۱۲ مجدداً زلف گذاشتن معمول شد باین ترتیب که آنرا حلقه حلقه کرده پریشان می‌نمودند، زنها در بدو امر کیس خود را دوتا کرده می‌بافتند. کلاه نیز تغییرات زیاد کرد و انواع گوناگون داشت

شب کلاه، کلاه نمده، کلاه پرو کلاه گل که در مواقع رسمی بر سر می‌گذاشتند در طرز غذاخوری و نوع اغذیه نیز بهرورت تغییراتی پدید آمد در خانه اغنیاوری میز، سفره سفید دولا میکشتردند و لوازم سفره را روی آن میچیدند گوشت و ماهی زیاد میخوردند شراب را روی برف و یخ می‌گذاشتند تا خنک شود زن بزرگ زاده‌ای که بفلاکت افتاده با افسوس از غذاهائی که سابقاً میخورده بدین نحو یاد میکنند.

«قو، طاوس، کبک، قرقاول، مرغابی، شکارخوب ماهی، فلفل چاشنی زده، نان ماهی، انواع کلوچه و شهد، نان شیرینی، نان کره‌ای، نان، گوشت، انگبین، شراب گاسگنی، شراب بون و غیره» - در این دوره مردم متمول شهری به تزئینات و ائانات البیت ظریف توجه کردند منسوجات رنگارنگ، شیشه‌های الوان، صندلی دست‌دار، تخت خواب و غیره معمول شد و باین ترتیب مقدمات ظهور تمدن بورژوازی فراهم گردید.

قدرت سلاطین در قرون وسطی
در دوره فتودالینت اصول خان‌خانی و رژیم ملوک الطوائفی در سراسر اروپا حکومت داشت و اگر در بین قوم فرانک با اقوام دیگر کسانی بنام «پادشاه» خوانده میشدند در حقیقت قدرت و نفوذی نداشتند بلکه با مثنی القاب و عناوین دلخوش بودند، چنانکه بعضی از سلاطین خاندان «مروه» بتقلید سلاطین قدیم برای خود عنوان «اعلیه حضرت قویشوکت» اختیار کردند و در فرامین خود مانند امپراطوران کهن نوشتند «اراده ما بر این است ما مقرر میداریم» علاوه بر این برای خود در باری ترتیب دادند عده‌ای را بنام فرانشلوت، خلاصه نگار، پیشکار حکومتی و پیشکار در خانه بخدمت خود گذاشتند باینحال تا دوران امپراطوری شارلمانی سلطنت در اروپا اسمی بی‌مسمی بود و تمامی قدرت در دست فتودالها و ملوک‌طوائف بود.

البرماله از قول وقایع نگاریکه به عهد شارلمانی می‌زیسته وضع پادشاه را باین نحو توصیف میکند «دلخوشی پادشاه فقط باین است که با گیسوان دراز و ریش بلند ... بر تخت قرار گیرد و سفرای خارجه را بپذیرد و هنگام رخصت بازگشت، رسانیدن پیامی را که قبلاً باو تلقین کرده‌اند از ایشان بخواهد از پادشاهی جز نام‌نمانده و گذران پادشاه از ممری غیر ثابت بود که

پیشکار در خانه بمیل خود بجهت وی معین میکرد ...

موقع سواری بر مرکوبی که گاو بر او می بستند و گاو یاری آنرا میبرد می نشست و بقصر میرفت یا بمجلس عمومی حاضر میشد و باز بخانه بر میگشت ، اداره امور داخل و خارج ، صدور کلیه اوامر و احکام با پیشکار در خانه بود . از قرن هشتم بعد در بعضی از نقاط اروپا قدرت سلطنت فزونی یافت چنانکه در فرانک سلاطین خاندان شارل و مخصوصاً شارلمانی نسبت بسلاطین سلف نفوذ و قدرت بیشتری کسب کردند و اراضی و املاک وسیعی را بتصرف خود در آوردند .

معمولاً سلاطین این دوره برای آنکه چشم ترسی از مردم بگیرند بفجایع و جنایات گوناگونی دست میزدند از جمله شارلمانی برای آنکه مردم ساکس را به اطاعت خود و قبول مسیحیت مجبور کند در یک روز در ناحیه وردن **۴۵۰۰ verdun** نفر را سر برید و چندین قبیله را بنه کن به ناحیه گل کوچانید - تمرکز ناقصی که در دوران قدرت شارلمانی پدید آمده بود با مرگ او پایان یافت و اصول فتووالیسم و حکومت ارباب ملک باردیگر خودنمایی نمود.

چون قدرت سیاسی ، فرع قدرت اقتصادی است و اغلب پادشاهان در این دوره قدرت اقتصادی نداشتند و زحمتکشانشان تحت نظر و اسالها و سنیورها اداره میشدند معمولاً پادشاهان برای حفظ موقعیت خود ناچار بودند به سنیورها متوسل شوند و در موقع بروز خطر از آنها استمداد جویند.

وضع فتووالها در دوره قرون وسطی مخصوصاً در قرون ۱۱ و ۱۲ میزان قدرت و توانائی ارباب ملک بعد اعلای خود رسیده بود ، سرکردگان و فتووالها در پناه قلعه محکم خود با اختیار تام سلطنت میکردند و زندگی خصوصی آنها بانواع وسائل لازم برای تفریح و استراحت مجهز بود.

در قرون وسطی بسیاری از مالکین کوچک و متوسط برای رهایی از بار سنگین مالیات و برای نجات از تجاوزات نامحدود ارباب قدرت ، خودشان را تحت حمایت مالکین بزرگ قرار میدادند و غالباً برای آنکه تا پایان عمر از هر تعرضی در امان باشند حق مالکیت را بمالک بزرگ واگذار میکردند

و بنام «**واسال**» تحت حمایت سنیورها قرار گرفتند و در مقابل آنها سوگند وفاداری یاد میکردند.

شغل اساسی این اقلیت مقتدر و توانا روشن کردن آتش جنگها و اختلافات بین دسته های مختلف ، شکار کردن ، شمشیر بازی ، عیاشی و راهزنی بود ، بهمین علت امنای دین در این دوره اقدام بچنگ و خونریزی رادرایام و مواقع معینی تحریم کردند . اسقف لائون وضع فتووالها را در قرن ۱۱ باین نحو توضیح میدهد :

«مردم به دو صنف تقسیم میشدند . صنف اول مرکب از اهل عبادت و آخرت و سرکردگان یا بزرگان که مردم رزم و جنگند - صنف دوم مرکب است از مردم زحمتکش یا طبقه اول که تهیه پول خوراک و پوشاک عموم به ذمه آنها است . مردم آزاد نیستند بلکه در نتیجه قول و قرارها هستی عده ای در دست بعضی دیگر است . تا جائیکه زحمتکشانش نمیتوانند هولد خود را ترک گویند بهمین علت آنان را «**خانه زاد**» میگویند.»

در این دوره هر کس مکتبی داشت و میتواندست برای خود اسب و اسلحه تهیه کند در شمار نجبا محسوب میشد عده ای از فتووالها ، نجبا و اشراف در نتیجه ضعف سلاطین بر حدود قدرت و اختیارات خود افزودند تا جائیکه حق اعلان جنگ ، انعقاد صلح ، رواج مسکوک ، استعمال نشان و پرچم و غیره را برای خود کسب کردند و قلاع آنان به (شاتو) و قصور عالی تبدیل یافت . در فرانس دو کجا نخستین رتبه را داشتند و بعد از آنها مارکیها ، کنتها ، و بکنتها ، بارونها و شوالیه ها در مراتب پایین قرار داشتند .

(آلبرماله) در تاریخ قرون وسطی زندگی داخلی يك فتووال را چنین توصیف میکند : « آنچه برای نفس انسان لذت بخش است جهت خود فراهم میکردند مانند گرما به وسیع و خزینه و حمام آب سرد و گرم و ملایم و عطرخانه و تابستان خانه و عمارت زمستانی ، خاتم کاری ، و استراحت گاه و کتابخانه و سرسرائی که گردشگاه انس است و رواقی که بیباغ پر نقش و نگار باز میشود و سفره گسترده و اثاث البیت منقح و اسباب سفره گرانبها و اصطبل کامل و مرکوب راحت.»

در حالیکه فتودالها در کمال خوشی زندگی میکردند، دهقانان (سرفها) در فقر و فلاکت زیست میکردند شرف معمولاً يك کلبه محقر چوبی با سقف گلی در مجاورت اصطبل و آغل داشت لوازم زندگی او بسیار مختصر و ناچیز بود، خوراک و لباسش منحصر بمحصولاتی بود که بارضایت ارباب برای او باقی میماند غذای او معمولاً نان سیاه؛ سبزیجات و گاهی شیر، ماهی و گوشت خوک بود و همین سختی معیشت سبب میشد که دهقانان از گرسنگی سربکوه و بیابان میگذاشتند و از شدت عسرت به دزدی و راه زنی مشغول میشدند.

استفاده از نباتات جدید
در آغاز قرون وسطی کشت گندم و انگور بسیار معمول بود از نباتات صنعتی فقط کتان و شاهدانه زراعت میشد.

کشت پنبه چندان معمول نبود از نباتات رنگی فقط کشت نیل و روناس متداول بود ولی در قرون بعد در اثر آمدورفت های تجاری، وقوع جنگها و عوامل دیگر بین ملل اروپا و ممالک آسیای غربی نزدیکی و ارتباط بیشتری حاصل گردید و اروپائیان موفق گردیدند بسیاری از نباتات و رسوم کشاورزی آسیای غربی را در اروپا معمول سازند.

چنانکه کشت زعفران، برنج، زرت، گندم سیاه، اسفناج، بادنجان، موسیر، ترخون، زردآلو و غیره و نیز طرز استفاده از آسیای بادی، ضمن بسیاری از آثار تمدن شرق به اروپا منتقل گردید.

علاوه بر این تربیت چهارپایان مخصوصاً پرورش خوک و گوسفند مورد توجه قرار گرفت نگهداری زنبور عسل پیش از پیش معمول شد و ساختن شمع از موم آن متداول گردید؟

ابزار کشاورزی
شخم زمین در این دوره با بیل و کلنگ صورت می-گرفت و اکثر سرفها قادر نبودند حیوانی برای شخم زمین خریداری کنند خیش گاو آهن غالباً چوبی بود، بهمین علت پس از مدتی کوتاه میشکست یا از کار میافتاد در این دوره انتقال محصولات از منطقه ای بمنطقه دیگر معمول نبود بهمین علت سرفها بدون توجه به استعداد و موقعیت زمین محصولات متنوعی میکاشتند

که حاصل آن رضایت بخش نبود.

طرز کشاورزی

در آغاز قرون وسطی طرز کشاورزی بسیار ابتدائی بود و کشاورزان چندان دخل و تصرفی در زمین نمیکردند ولی از قرن ۱۱ و ۱۲ بعد استفاده از

کود معمول شد.

در فرانسه اراضی وسیع با اطلاق را خشک و جریان رودخانه ها را منظم کردند و از راه تقسیم آب زمینهای وسیعی را مستعد زراعت نمودند، در تربیت مویشی نیز اسلوبهای بهتر و عملی تری بکار رفت استفاده از کود برای باروری نباتات معمول شد چون هنوز وسیله مبارزه با آفات نباتی کشف نشده بود بر حسب معمول در ابتدای کشت هر محصولی ادعیه و اورادی میخواندند برای مبارزه با انواع بلیات، زارع قبل از شخم زمین کمی نان و جو سیاه را با يك شمع افروخته سه بار دور گاو آهن میچرخانید و برای آنکه کرمها از باغ فرار کنند کله مادیانی را زیر خاک میکرد.

عوارض و بلیات اجتماعی

عدم توجه بمسئله نظافت و بهداشت و خرابی وضع معیشت اکثریت، سبب بروز امراض و بیماریهای گوناگون میگردد و چون مردم وسیله ای برای معالجه بیماران نداشتند غالباً هنگام بروز امراض مسری عده کثیری نیست و نابود میشدند، شهرها در ایندوره مملو از کثافت بود، کوچه ها تنگ و عابری، و بسیار تنگ و تاریک بود و مردم کثافت منزل را نیز در کوچه ها میریختند.

بهمین علت هنگام نزول باران کوچه های شهر به لجنزار متعفن بدل میشد. فیلیپ اگوست روزی در کنار پنجره نشسته بود، تصادفاً عرابه ای از کوچه میگذشت ناچار از میان لجنها رد شد در نتیجه بوی عفونت شدیدی برخاست که فیلیپ از آن بوغش کرد.

در ایندوره قبرستانها وسط شهر بود، حتی قبرستان شهر پاریس که در قرن ۱۲ نیز عروس جهان بشمار میرفت در وسط شهر تعبیه شده بود و غالباً بازرگانان در فضای قبرستان بساط نمود را میکشتردند، جزام و

طاعون خطرناکترین امراض آن دوره بود در سال ۱۳۴۸ تلت سکنه اروپای غربی در اثر طاعون طعمه مرگ شدند .

از جزایمیها، درخانه‌های مخصوص پذیرائی میکردند؛ تنها در فرانسه در حدود دوهزار «جزام خانه» وجود داشت.

حریق نیز یکی از بلیات اجتماعی آن عصر بود و چون خانه ها غالباً از چوب بود همینکه خانه ای دستخوش آتش سوزی میشد دامنه آن بنام شهر سرایت میکرد .

در قرن ۱۲ شش شهر مهم فرانسه دچار حریق شد و از سال ۱۲۰۰ تا ۱۲۲۵ شهر (زوان) ۶ بار سوخت .

قحطی
در دوره فتودالیه مخصوصاً در قرون اولیه آن یکی از وسایل غارتگری فتودالها برافروختن آتش جنگهای خصوصی بود ، در نتیجه این مبارزات آبادیها و مزارعی که دهقانان با خون دل و با وسایل ناقص آنروزی فراهم کرده بودند بیاد تاراج میرفت و در اثر بروز قحطی حیات آنان بخطر میافتاد، در طول قرن ۱۱ چهل و سه بار قحطی شد و در قرن ۱۳ یازده بار سیمای مخوف قحطی و گرسنگی خودنمایی کرد، که بکدوره آن ۴ سال طول کشید و مردم هزار هزار از گرسنگی میمردند .

رائول Raoul از کبشهای قرن ۱۱ یکی از قحطیهای آن عصر را چنین توصیف میکند :

«... چندی با گوشت حیوانات و طیور سد جوع کردند ولی چون دستها از آن کوتاه شد گرسنگی رو بشدت گذاشت ، مردم ریشه گیاه میخوردند و علف جو بیار میکنند تا از چنگال مرگ بگریزند ... عاقبت کار به آدمخواری کشید سر راهها، اقویاً ضعفا را گرفته میدیدند و کباب کرده بدنشان میکشیدند بسیاری از مردم بوسیله سیب یا تخم مرغی اطفال را بکناری کشیده سرمیبردند و میخوردند، چندجا مردم را از خاک در آوردند بینوایی گوشت پخته انسانی را بی بازار آورد چون دستگیر شد و از عمل خود تحاشی نکرد ، سوزانده شد ؛ دیگری شب هنگام رفته، همان گوشت را از خاک بدر آورده خورد او هم بهمین عقوبت گرفتار آمد ... » فقر

و فلاکت عمومی موجب بروز عصیانهای شدیدی گردید. واعظی در آن دوره میگوید «از یأس بر حذر باید بود زیرا دیده شده است که رعیت خانواده ولینعت خود را کشته و قلعه را آتش زده است .»

مبارزات عدیده دهقانان علیه فتودالها و ارباب ملک بعلت فقدان سازمان صحیح اجتماعی غالباً بلا نتیجه بود و گاه با عقوبت وحشیانه مالکین روبرو میشد چنانکه در عصیان کشاورزان نورماندی که در اواخر قرن دهم صورت گرفته حکمران وقت بانمایندگانی که برای تنظیم رابطه دهقانان با مالکین گرد آمده بودند بطرز سیبانه رفتار کرد و فرمان داد که نمایندگان را دستگیر و بادت و پای بریده بولایت خود کسبیل دارند تا دهقانان دیگر عبرت گیرند ولی این مظالم آتش اعتراض آنان را خاموش نساخت و هر چند یکبار شعله دیگری فروزان میشد .

این مبارزات و تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی یعنی رشد صنایع دستی، ایجاد شهرها، تأمین راههای ارتباطی ، مبارزه خورده بورژواها با ارباب ملک، پیشرفت تجارت ، تضادهای داخلی رژیم فتودالیسم سبب گردید که اربابها بنفع دهقانان قدمهایی بردارند، از عوارض و بیگاریهای آنها کم کنند و گاه با گرفتن پول به آزادی آنان رضایت دهند.

www.adabestanekave.com

فصل نوزدهم

صنایع و حرف در قرون وسطی

وضع
شهرها

در دوره فتودالینه جمعیت شهرها از چند هزار نفر تجاوز نمی کرد زیرا قلمرو هر سناتور از هرجهت استقلال اقتصادی داشت و از محصولات خارج بی نیاز بود، بهمین علت تجار، بسیار معدود و تجارت خیلی محدود بود، و معمولاً کشاورزان ماهی یکبار برای خرید و فروش به شهر می آمدند، این نوع تجارت فقط در مواقع قحطی سر و صورتی بخود میگرفت، تجار آن دوره بقدری کم سرمایه بودند که غالباً کالاهای خود را در بقیچه می بستند و از طریق (طوافی) یعنی رفتن از شهری بشهر دیگر کالاها را می فروختند این احوال تا قرن ۱۲ ادامه داشت و بطوریکه یکی از دانشمندان فرانسه مینویسد اولین تاجرهای قرن ۱۰ و ۱۲ همان اشخاص خانه بدوش بودند که در طلب روزی باین طرف و آن طرف میرفتند، این اشخاص کم کم حس کردند که اگر با هم جمع بشوند خطرات کمتری متوجه آنها خواهد بود و بهتر بحمل اجناس موفق خواهند شد.

به این ترتیب با اجرای این نقشه، آنها ثروت کلانی بدست آوردند و شرکتهایی بوجود آمد، کم کم در کنار مؤسسات تجاری، شهرهایی بوجود آمد و سازمانهایی برای رفع احتیاجات مردم تشکیل شد. صنعتی که

بیش از همه اهمیت یافت صنعت پارچه بافی بود، در قرن ۱۲ در شهر میلان شصت هزار کارگر پارچه بافی میکرد. هر قدر بر اهمیت شهرها افزوده میشد اهمیت و نفوذ بورژواها فزونی میگرفت و پایه های فتودالیسم لرزان میشد.

تاریخ پیدایش اصناف بطور دقیق معین نیست

اصناف

بموجب مدارکی که در دست است اساسنامه بعضی از اصناف، اواخر قرن ۱۲ نوشته شده است، و در قرن ۱۲ یکصد و پنجاه صنف در فرانسه وجود داشت عضویت در اتحادیه ها موروثی بود و هیچکس نمیتوانست بمیل خود حرفه و شغلی انتخاب کند هر حرفه بچندین صنف تقسیم میشد، مثلاً صنف پاره دوز جزو صنف کفشدوز نبود، ریسنده، بزاز، رنگرز، خیاط و غیره هر يك اتحادیه جداگانه ای تشکیل میدادند و محاسنه ای مخصوص بخود داشته، و فعالیت های اقتصادی هر يك از آنها بوسیله يك كورپراسیون Corporation انجام میگرفت - در هر صنف شاگرد و استاد با هم عضو بودند، عضویت در اتحادیه اجباری بود هر صنف در کار خود منحصر بفرد بود و سعی داشتند سایر اصناف باوی از در رقابت در نیایند، مثلاً آشپزها میگفتند کباب پز نباید خورش بپزد و کباب پزها میگفتند، آشپز نباید کباب هم بفروشد و بر سر این امور غالباً با هم نزاع داشتند.

درجات و مراحل

صنعتی

هر صنف از چهار دسته تشکیل میشد شاگرد، کارگر استادکار، ریش سفید، تازه واردها معمولاً بتفاوت حرفه ای که پیش میگرفتند از ۳ تا ۱۲ سال شاگردی میکردند، استاد، خوراک و منزل شاگرد را میداد و به او کار می آموخت، پس از شاگردی دوره کارگری میرسید و کارگران یا بطور روزمزد و یا برای یک هفته یا یکسال اجیر میشدند. برای رسیدن بمقام استادی لازم بود هر کس مدتی شاگردی یا کارگری کرده باشد و ریش سفیدان او را به این مقام بشناسند.

معمولاً از داوطلب استادی امتحانی بعمل می آمد پس از آنکه شاهکار او مورد قبول ریش سفیدان قرار میگرفت. با اجرای مراسم مخصوص و سوگند به درستکاری و احترام به اساسنامه صنف در صفا استادان وارد میشد. ساعات کار بر حسب فصل فرق میکرد و معمولاً کارگران از طلوع تا

غروب آفتاب کار میکردند ، ایام تعطیل در این دوره زیاد بود ، شب کاری معمول نبود ، کارگران مزد کافی میکردند ، مثلا مزد روزانه يك کارگر نچار معادل قیمت ۵ جوجه بایست لیترا شراب بود و اختلاف وجدایی بین زندگی استادان و کارگران وجود نداشت شاگرد را *Compagnon* میگویند که آنرا هم سفره یا هم کاسه میتوان ترجمه کرد .

تجارت در قرون وسطی
تجارت در قرون وسطی رونق نداشت و سازنده معمولاً خود فروشنده نیز بود ، ارباب صنایع غالباً امتعه خود را در باطنی میگسترده و در نظر عموم قرار میدادند ، ولی تجارت کلی خالی از اهمیت نبود ، سوداگران بنقاط دوردست میرفتند و چه بسا که مال التجاره آنها مورد نهب و غارت قرار میگرفت ، در این دوره ارباب ملك از تجار حق العبور مطالبه میکردند مثلا برای اینکه متاعی از شهر «رآن» به «نانت» برسد ۷۴ مرتبه رسوم و عوارض میپرداخت و همین مسئله سبب گرانی کالا میشد ، بطوریکه از امتعه تجاری جز طبقه اشراف و ثروتمندان کسی نمیتوانست استفاده کند .

ولی این اوضاع از قرن دوازدهم بعد در اثر تغییر شرایط اقتصادی ، ترقی سازمانهای صنعتی و تامین طرق و وسائل حمل و نقل ، تسطیح راهها ، بسته شدن پل روی رودخانهها ، تأسیس مهمانخانهها در مناطق صعب العبور استفاده از فانوس بحری ، استعمال قطب نما و نقشه دریائی و غیره در راه تغییر و تحول پیش رفت . کار مبادله و تجارت رونق گرفت و بحکم همین مقتضیات شهرهائی نظیر قسطنطنیه و ونیز و اسکندریه و غیره بصورت مراکز تجاری درآمد . تجار نیز در این دوره مانند ارباب صنایع مجتمع شده تشکیل انجمن میدادند تا بهتر بتوانند از منافع خود دفاع کنند پس از چندی نفوذ و قدرت انجمن تجار بر انجمن اصناف فزونی گرفت و تاثیر سیاسی و اقتصادی آنان محسوس گردید . صنایع دستی توسعه یافت و بر تعداد کارگران افزوده شد بطوریکه در بعضی از شهرها چندین هزار کارگر پارچه باف بکار مشغول بودند ، در اواخر قرون وسطی چنانکه متذکر شدیم غیر از فتودالها و روحانیون ، عناصر دیگری بنام بازرگان ، دلال و صاحبان صنایع دستی

بعلمت فعالیتهای اقتصادی و سود کلانی که بدست آورده بودند صاحب قدرت و نفوذ اقتصادی شدند و هر قدر صنعت و تجارت ترقی میکرد حیثیت آنان فزونی میگرفت و از قدرت و نفوذ دیرین فتودالها کاسته میشد .

از اواخر قرن ۱۴ کارگران که سابقاً دستیار استاد خود بودند و از جهت شرایط زندگی اختلاف فاحشی با او نداشتند ، بصورت کارگر روزمزد درآمدند و باین ترتیب کار و مزد در مقابل هم قرار گرفتند و مبارزه کارگر و کارفرما آغاز گردید از این دوره ببعده برای اینکه کارفرمایان و بوژواها بتوانند مقاصد خود را بکارگران تحمیل کنند بمرای کثرت یعنی به پادشاهان و اطرافیان او و سنیورها نزدیک میشدند و تکیه گاهی بر برای اعمال زور فراهم میکردند .

حمایت صنایع داخلی
با تمام تضادی که در داخل شهرها بین کارگران و کارفرمایان از یکطرف و بین ارباب صنایع از طرف دیگر وجود داشت؛ نفع عموم آنها اقتضا داشت که از راه تقویت انحصارها از ورود کالاهای خارجی جلوگیری نمایند تا نرخ کالاها و دستمزد کارگران تا حدی ثابت باشد از قرن ۱۴ ببعده شرکتهای بزرگ تجاری برقرار گردید و تجار برای تنظیم امور خود به تهیه دفاتر ، و باز کردن اعتبار مبادرت کردند و در سال ۱۴۰۷ نخستین بانک با مفهوم جدید در شهر ژن تأسیس شد .

www.adabestanekave.com

از قرن سوم میلادی امنای دین مسیح با دادن تلفات و تحمل رنج و مشقت بسیار به انتشار مسیحیت توفیق یافتند بطوریکه در قرن چهارم جمع کثیری به آئین مسیح روی آورده بودند. و امنا و پیشوایان دین بتدریج قدرت سیاسی و مذهبی را در دست گرفتند.

در قرن ششم و هفتم یعنی در دوره ای که فتودالها بای رومی به نهب و غارت و راهزنی و خونریزی میپرداختند کلیسیا برای حفظ منافع و موقعیت اجتماعی خود ارباب قدرت و پادشاهان را بحفظ آرامش دعوت میکرد و مخالفین را از تکفیر که موجب خروج از دین و عقاب ابدی است میترسانید در نتیجه ادامه غارتگری و فقر و مسکنتی که از این رهگذر نصیب سکنه اروپا شده بود زمینه برای بسط رهبانیت مسیحی فراهم گردید و مردم مایوس و غارت شده آنروز، دردهای اجتماعی خود را با تعلیمات عرفانی مسیح تسکین میدادند، همین وضع اقتصادی و اجتماعی موجب شد که در مدتی کوتاه تعداد موسسات مذهبی فزونی یابد و مبلغین مسیحی به آسانی مردم را تحت نفوذ خود در آورند.

از نیمه دوم قرن ششم، جامعه ووحانیت در ایتالیا و دیگر نقاط، متروکات و دارائی و اموال زیاد بدست آورد و مقدمات این کار مخصوصاً در دوران قدرت پاپ گرگوار کبیر اسقف روم فراهم گردید و نخستین سنگ قدرت و نفوذ مادی پاپ گذاشته شد.

از قرن هفتم بیعدعاه و مبلغین مسیحی برای اشاعه دین خود بسرزمین آنکلوسا کسنا، ژرمنها و دیگر اقوام اروپائی روی آوردند و بعلت آمادگی محیط اجتماعی بتدریج در این راه پیشرفت کردند. بطوریکه در قرن هشتم تقریباً تمام اقوام آن روز اروپا بدین مسیح گرویده بودند.

دوران استبداد کلیسیا

پاپ از کلمه یونانی پاپاس Papas یعنی پدر آمده
مقام پاپ است که ابتدا به کشیشان و اساقفه اطلاق میشد و بعد لقب خاص اسقف روم گردیده، از آغاز قرن ۶ میلادی بتدریج مقام و منزلت

فصل بیستم

مذهب کاتولیک در قرون وسطی

دوران استبداد کلیسیا - انگلیسیون و

تفتیش عقاید و افکار

از قرن سوم میلادی بعد در اثر غلبه روم به اروپای مرکزی مقدمات انتشار مسیحیت در اروپا فراهم گردید.
قوم گل قبل از اقوام دیگر بوسیله مبلغین دین مسیح بقبول مسیحیت دعوت شدند.

قبل از این ایام، سکنه گل مانند یونانیان قدیم به پرستش مظاهر طبیعت سرگرم بودند و برای آب، جنگل، رعد و نور و غیره ربانوعی قائل بودند و برای خداوندان خود معابد مجلل بنا میکردند، به ادامه زندگی پس از مرگ عقیده داشتند و بهمین علت به بسیاری از مردم قرض میدادند تا بدهکار در آخرت دین خود را ادا کند. عبادتی که مردم در حق خدایان خود روا میداشتند یکی قربانی بود و دیگری نذر و نیازی که بدریاچه ها میریختند و یا شاخه های بلوط میآویختند - برای قربانی، اغلب انسان را سر بریده، بدار کشیده و یا میسوزانند.

پاپ بالا گرفت ولی در هر حال قدرت او به حوزه روحانیت محدود بود و در کار سیاست و حکومت مداخله‌ای نداشت امپراطوران مقتدر میگفتند که کشیشان باید مانند چاکران سلطنت فرمان‌برند و کسانی را که مطیع شاه نبودند توقیف یا نفی بلد میکردند.

از سال ۷۵۶ میلادی که قیصر پادشاه فرانسه مقداری از اراضی متصرفی را به پاپ واگذار نمود مقدمه زندگی برجلال پیشوایان مسیحیت فراهم گردید و دبیری نگذشت که پاپها با تصرف اراضی بسیار و توجه به امور مادی برای حفظ قدرت اقتصادی و سیاسی خود ناچار شدند که بجای پیروی از احکام اخلاقی و عرفانی مسیح در کلیه مسائل مهم سیاسی و اقتصادی اروپا شرکت نمایند.

در آغاز قرون وسطی کوشش روحانیت آن بود که از خشونت فتودالها و جنگ طلبی آنان بکاهد بهمین مناسبت در اثر کوشش روحانیون حرمت جنگ که ابتدا منحصر به روزیکشنبه بود از عصر چهارشنبه تا صبح دوشنبه را شامل شد.

از قرن یازدهم بپس محیط قدرت مادی و معنوی پاپ وسعت یافت تا جائیکه غالباً بین پاپها و امپراطوران جنگ سختی در میگرفت و در غالب موارد، غلبه نهائی با پاپ بود، برای آنکه خوانندگان بچگونگی این کشمکشها پی برند با رعایت اختصار چند مورد را ذکر میکنیم.

در سال ۱۰۷۵ پاپ گرگوار هفتم خرید و فروش مناصب روحانی را منسوخ کرد و اعلام داشت که هر گاه امپراطور یا والی یا مرزبان یا حاکم یا مقام غیر روحانی دیگر کسی را به رتبه اسقفی یا غیر آن بگمارد محکوم به تکفیر خواهد بود، هانری چهارم امپراطور آلمان فرمان مخصوص پاپ در این باره وقعی ننهاد و در پاسخ او چنین نوشت «توفروتنی من را حمل بر جبن کردی و بی‌محابا بر ضد سلطنت که خدا بودیمه بمن داده است برخاستی و پایه جسارت را بجائی رسانیدی که مرا بخلع ترسانیدی مثل اینکه تو آنرا بمن سپرده‌ای یا آنکه زمام امر در کف تست نه در قبضه قدرت خدا، اما من از زبان اساقفه ام بتو میگویم دور شو از مسندی که بنصب آنرا تصاحب کرده‌ای مسند پطروس جایگاه کسی است که در صدد نباشد جور و جبر را لباس دین

پوشاند من هانری که بموهبت الهی پادشاهی یافته‌ام با اساقفه خود میگویم فرود آ، فرود آ»

روز بعد پاپ هانری را تکفیر و از مقام سلطنت خلع نمود و چنین گفت:

ای پطروس سعید و پیشوای حواریون! خداوند به التماس تو رتق و فتق امور دودنیارا بمن وا گذاشته ... من بنام خداوند متعال، اب و ابن و روح القدس و با ستناد قدرت و شأن تو، پادشاهی را که با این کبر و تنمر احترام کلیسای تورا نگاه نداشته از حکومت بر آلمان و ایتالیا ممنوع میدارم ...
از کتاب البرماله

پس از صدور این نامه دشمنان هانری نغمه مخالفت را ساز کردند و از پاپ طرد او را خواستند، در نتیجه این احوال هانری با تمام نخوت و غروری که داشت برای حفظ مقام خویش پیشگاه پاپ آمد جامه توبه کاران پوشید و بوزش طلبید پاپ بقصد استخفاف اوسه روز او را در آستانه قلعه منتظر گذاشت در این مدت هانری مانند بینوایان پیراهن پشمی در بر نمود و با پای برهنه اشک میریخت و استغفار میکرد، پس از پایان مدت سه روز پاپ عذر او را پذیرفت - صد سال بعد بین فردریک باربروس و پاپ آتش اختلاف روشن شد روزی نماینده پاپ اعلام کرد که تاج امپراطوری از جانب پاپ بامپراطور داده شده، فردریک از این جمله بر آشفت و بر عایای خود نوشت که سلطنت و دیعه‌ای است که خداوند با و سپرده پس از سالها مشاجره سرانجام فردریک از در اطاعت درآمد و در حالیکه پاپ بر منبر بزرگی تکیه زده بود امپراطور از اسب بزیر آمد و خود را بیای پاپ انداخت پاپ بر او رحمت آورد چون از نمازخانه بیرون آمدند فردریک رکاب گرفت تا پاپ بر اسب بنشست و سپس لجام مرکب او را بدست پیچید و چند قدم پیشاپیش او برفت - پاپ (اینوسان) از تمام اسلاف بیشتر بعظمت مقام روحانیت معتقد بود او میگفت «بزوردگار عالم دوستاره در آسمان آفرید که دنیا را روشن کند، یکی خورشید که روز حکومت میکند و دیگری ماه که شب طالع میشود - در آسمان دیانت نیز خداوند دو مقام عالی قرار داده است مقام پاپ که بر روح مردم حکومت

میکنند و مقام سلطنت که بر جسم فرمانروائی دارد لکن مقام اول بر ثانی بسیار بچربد همچنانکه ماه از خورشید کسب نور میکند رونق و قدرت سلطنت نیز مروهون قدرت پاپ است .

در مبارزاتی که بین ژان پادشاه انگلستان، باحوزه روحانیت روم در گرفت غلبه نهائی نصیب پاپ گردید ، در سال ۱۲۰۵ مسند خلافت کانتوربری Cantorbéry بلا متصدی بود چون بین ژان و پاپ اینویمان سوم بر سر نامزد این مقام اختلاف در گرفت وماده کدورت غلیظ شد پاپ حکم تحریم جاری ساخت . از این حکم ژان سخت در غضب شد و خطاب باساقفه گفت « بدنندان عیسی که اگر کلمه تحریم را بر زبان جاری کنید قاطبه اهل علم را روانه دیار پاپ میکنم وتامام اموالشان را بمصادره میبرم و آنچه رومی در این کشور بیابم چشم میکنم وینی میبرم و بولایت خود باز میگردانم تا بهر سرزمینی بروند انگشت نمای خلق باشند ، شما هم اگر از جانتان سیر شده اید زود از دم نظرم دور شوید . » ولی دیری نگذشت که ژان بخواری وزبونی افتاد وضمن دستخطی چنین نوشت « ما را سروس غیبی چنین اشارت کرد که بالطوع والرغبه وبا کمال میل؛ بی آنکه از تحریم هر اسی داشته باشیم ، کشور انگلستان ومملکت ایرلند را بعیسی وحواریون او وولینعمت خودمان پاپ اینوسان وجانشینان کاتولیک وی نیاز کنیم ... ما از این بیعد ممالک مزبوره را از جانب پاپ ومقام روحانیت و بسمت نایب السلطنه در دست خواهیم داشت ما را رای بر این قرار گرفت که روحانیت روم هر سال به دوقسط هزار لیره انگلیسی نقره از ما بگیرد اگر ما یا یکی از اعقاب ما با مدلول این دستخط مخالفت کنیم از حق سلطنت بر این مملکت محروم خواهیم بود . » اینهاست نمونه ای چند از استبداد مطلق کلیسای روم ومداخله پاپها در امور سیاسی اروپا .

اصول انگیز پیون و تفتیش عقاید وافکار

از اواخر قرون وسطی در نتیجه تغییر شرایط مادی، رواج بازار صنعت وتجارت، پیدایش مانوفاکتور و مؤسسات صنعتی. ایجاد شهرها و وسائل

حمل و نقل ؛ تامین راههای ارتباطی جدید، آمیزش اقوام و ملل مختلف با یکدیگر و ترجمه و انتشار آثار فکری ملل اسلامی در اروپا ، نه تنها در ظاهر تمدن و حیات مادی اروپائیان تغییراتی روی داد بلکه بموازات این تغییرات مادی، در اصول عقاید وافکار مردم نیز تحولاتی عمیق حاصل گردید این تغییر عقاید وافکار را بمخالفت شدید کلیسیا که منطق آن بر تعبد و تقلید استوار بود مواجه گردید . اصحاب کلیسیا میگفتند که انسان باید از تجسس وتحقیق دست بکشد وبحقارت وضعف خویش در مقابل ایمان وعقیده و در برابر الهامات و معجزات اعتراف نماید و به آئین مسیح چشم بسته ایمان بیاورد و در مقام درک حقایق بر نیاید و چون بسیاری از مندرجات کتاب مقدس با حقایق علمی سازگار نبود وعقل وعلم بطلان آنها را ثابت میکرد ناچار کلیسیا میکوشید که عقل وعلم را در خدمت ایمان وآئین مسیح در آورد و آزادی فکر و استقلال رأی را در مردم آن دوره بکشد . روحانیون برای تحکیم موقعیت خود وجلوگیری از افشاء حقایق ، کسانی را که از طریق تتبع وتحقیق بکشف مسائل مجهول توفیق مییافتند یا با منطقی صحیح بطلان نظریه پیشینیان را ثابت میکردند با حربه تکفیر وحبس کیفر میدادند وچه بسا منادیان حق وحقیقت را بدستور رهبران دین مسیح بوضع فجیع محکوم بقتل میساختند. یکی از متهمین آن دوره سرگذشت خود را چنین شرح میدهد « دستهایم را به پشت آورده چنان محکم بستند که از ناخونهای خون میآمد آنگاه مرا بگودالی انداختند ، اگر باز بچنین شکنجه ای دچار شوم آنچه گفته ام انکار خواهم کرد و هر چه آنها بخواهند خواهم گفت » متهم دیگری که اسباب شکنجه را دید فریاد برآورد « اگر بخواهید حاضر م اقرار کنم که عیسی را نیز من کشته ام »

یکی از حربه های خطرناک کلیسیا در دوره قرون

تکفیر وسطی تکفیر بود، در بسیاری موارد تکفیر شدگان

از حوزه مومنین خارج میشدند و کسی را اجرات سخن گفتن با آنان نبود وچنین کسی حکم طاعون گرفته را داشت ، با اینکه در آغاز امر تکفیر شدگان در محضر عموم بمحا که دعوت میشدند ، پس از چندی کلیسیا از بیم افشای حقایق جلسات محاکمه را بطور مخفی تشکیل میداد ، متهم با متهم کننده روبرو

نمیشدند و گاه نام او را هم نمیدانست دفاع و تعیین و کیل معنایی نداشت، اگر متهم بمیل یا بزور اقرار میکرد بعد از محکوم میشد و اگر زیر بار توبه نمیرفت بی درنگ در حالی که زنده بود طعمه آتش میشد.

در عهد سن لوئی یکی از مامورین تفتیش عقاید امرداد در یک بار **۱۸۴ نفر را بگناه ارتداد زنده در آتش سوزانیدند**. باین مناسبت نیست تشریفات را که برای اجرای تکفیر صورت میگرفت بادآور شویم:

برای آنکه صیغه لعن خوانده شود عده‌ای از اهل علم مشغلی بدست گرفته، اطراف اسقف می‌ایستادند و اسقف حکم را بصوت بلند در مقابل حضار میخواند، قسمتی از صیغه لعن از این قرار بود «هر جا که هستید در تمام ساعات چه روز و چه شب چه در خواب و چه در بیداری، چه در زبان روزه و چه در حال خوردن و آشامیدن از فرق سر تا قدم بلعنت خدائی گرفتار باشید انشاء الله، از چشم کور و از گوش کر، از دهان لال بشوید و زبانتان بکام بچسبد و دستتان بچیزی نرسد و پایتان از جا حرکت نکند و تمام اعضای بدنتان بلعنت گرفتار آید... انشاء الله با سنگ و خرمدفون و گرگهای حریص شمارا بدرند...» (به نقل از البرماله، تاریخ قرون وسطی).

توبه - ارتکاب معاصی کبیره (جنایت و جنحه) مستلزم اخراج از دین بود و مرتکب چاره‌ای جز توبه نداشت و توبه از راه روزه داشتن تا زیانه خوردن، وارد صومعه شدن و زیارت جای دور رفتن انجام میگرفت از قرن ۱۶ بعد دامنه تبعات علمی رو بوسعت گذاشت بهمین مناسبت کلیسای کاتولیک بوضع سبعانه‌تر بچنگ با عقاید جدید برخاست چنانکه (جوردانو برونو) و (وانینی) ایتالیائی بجرم فکر کردن و افشای حقایق علمی بعقوبت زنده سوختن گرفتار شدند.

(راموس) فرانسوی چون در کتاب خود عقاید ارسطو را ناصواب خواند کتابش را آتش زدند و پس از آنکه مورد شکنجه‌های سخت قرار گرفت، در واقعه سن بار تلمی بقتل رسید (اتین دوله) فرانسوی را نیز بگناه بیان حقایق، زنده زنده سوزانیدند و نظیر این عقوبت‌ها را در عصر

انکیزیسیون (۱) و تفتیش عقاید و افکار در مورد بسیاری از نفوس بشری اعمال کردند و چنانکه مارسل کاشن در کتاب علم و دین نوشته در این دوره ۵ میلیون از نفوس بشری را بجرم فکر کردن و تخطی از فرمان پاپ بدار آویختند و تا حد مرگ در سیاه چالهای تاریک و مرطوب نگهداشتند تنها از سال (۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹) یعنی طی ۱۸ سال بنا بد ستور محکمه تفتیش > ۱۰۲۲۰ نفر از زنده سوزانیدند؛ ۶۸۶۰ نفر را شقه کردند و ۹۷۰۲۳ نفر را بقدری شکنجه دادند که نابود شدند»

دامنه استبداد کلیسیا چنانکه خواهیم دید تا قرن هجدهم و آغاز انقلاب کبیر فرانسه ادامه یافت در این دوره نیز محققین و دانشمندانی نظیر اسپینوزا، گالیله؛ دکارت، داروین، ولتر و هوگو همواره بجرم اعلام افکار و آراء جدید مورد تعقیب یا باخطر مرگ مواجه بودند.

روی همین خصوصیات دردوران تفتیش عقاید و افکار اهل تحقیق برای نجات از مرگ ناگزیر بودند نظریات تازه خود را با احکام دین مسیح کم و بیش سازگار سازند تا از تعرض کلیسیا در امان باشند باین ترتیب معلوم شد که در قرون وسطی هیچکس اجازه نداشت قدم از فرهنگ و دانش پیشینیان فراتر گذارد و نظریات و افکار جدید خود را که مبتنی بر مشهودات و واقعیات بود اظهار نماید.

www.adabestanekave.com

فصل بیست و یکم

خونپائیکه در راه تعصبات مذهبی ریخته شده

چنانکه دیدیم پس از سپری شدن دوره اشتراکی اولیه، و استقرار رژیم بردگی جهل و بیخبری مردم سبب ظهور ادیان و مذاهب و خدایان بیشمار گردید، و در طی قرون متمادی بسیاری از نفوس بشر که از علت بروز حوادث و رابطه علت و معلولی قضایا بی خبر بودند بر پایه معتقدات مذهبی و برای ترضیه خاطر خدایان بجان یکدیگر می افتادند و بسا شهرها و آبادیها که در اثر این جنگهای خونین دستخوش فنا و نیستی شد؛ پس از قرنهای که بشر به بی اعتباری خدایان پی برد، برای آرامش وجدان خویش بخدای واحد گروید، از این پس پیروان مذاهب مختلف بعلت اختلافی که در اصول و فروع دین با هم داشتند بجان یکدیگر می افتادند ولی در واقع در این دوره نیز مانند ادوار قبل اغراض و مقاصد اقتصادی سبب ظهور جنگهای خونین مذهبی میشد و همیشه صاحبان قدرت و فتودالها از بیخبری و تعصب مردم برای اجرای نیات مادی خود استفاده میکردند و آتش اختلافات مذهبی را دامن میزدند، مطالعه عمیق در علل بروز جنگهای مذهبی این حقیقت را نشان میدهد مثلا مبارزاتی که در دوره حکومت ساسانیان بین مسیحیان ارمنستان و پیروان مذهب زردشت رخ داد ریشه اقتصادی داشت حکومت ایران و روم هر دو میکوشیدند، تا ارمنستان را در شمار ملل

تابه خود در آورند و از حاصل کار و خراج ارمنه بهره مند شوند، در نتیجه محاربات خونینی بنام دین بین ارمنه و ایرانیان در گرفت و تنها در عهد شاهپور ۱۶ هزار نفر از عیسویان و جمع کثیری از ایرانیان بهلاکت رسیدند کوشی که در قرون بعد کلیسای روم برای بسط مسیحیت و مبارزه با شرک در اروپای قرون وسطی بعمل آورد و جنگهایی که پس از ظهور اسلام بین اعراب و ایرانیان و شیعه و سنی و سایر فرق اسلامی در گرفته است و بالاخره تلاشی که در قرون اخیر کلیسای انجیلی برای اشاعه مسیحیت در اقطار عالم بعمل آورده است جملگی در آخرین تحلیل برای بسط قدرت مادی و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی هیئتهای حاکمه وقت بود و همیشه در این جریانات از تعصبات مذهبی و بیخبری توده ها برای اجرای مقاصد خداوندان پول و زور استفاده شده است چون در این کتاب منظور ما تشریح اوضاع اجتماعی مردم در دوره فتودالیه است برای اثبات نظر خود نمونه ای چند از جنگهای مذهبی این ایام را یاد آور میشویم.

خونین ترین مبارزات مذهبی قرون وسطی جنگهای صلیبی است. محرک اساسی جنگهای صلیبی علل و عوامل اقتصادی بود باین معنی که فتودالها و عده ای از مردم سودپرست بامید کسب تمول بمشرق زمین که در آن ایام ثروت زیاد مشهور بود روی آوردند و سرفها و سایر محرومین اجتماع نیز به امید نجات از استثمار و وحشیانه فتودالها و بدست آوردن يك قطعه زمین مناسب در راه جنگهای دامنه دار صلیبی قدم نهادند، البته در این میان متعصبین و ساده لوحانی نیز بودند که برای زیارت تربت عیسی و درک بهشت جاویدان به این امر خطیر رضا میدادند، آنها با آنکه در خود نیروی جنگ نمی دیدند به امید شهادت وارد میدان میشدند و بمردان جنگی میگفتند « شما که رشید و نیرومندید جنگ خواهید کرد، اما ما مثل عیسی عقوبت میکشیم و بهشت را میگیریم.»

مسیحیان مانند مسلمانان ریختن خون کفار را واجب می شمردند، بهمین علت در طی این جنگها طرفین ضمن تحمل مشقات فراوان بفجایع و مظالمی دست زدند که در تاریخ کمتر سابقه دارد.

در سال ۱۰۹۸ مسیحیان ضمن عبور از آسیای صغیر دسته دسته از

عطش میمردند (فوشه دوسارت) مینویسد «... بر طاقت‌ترین مردم روی شن دراز میکشیدند و سطح سوزان خاک رامیکاویدند تا بلکه زیر آن زمین نمناکی بیابند و لب خشکیده خود را بر آن گذارند» چون اکثر دواب تلف شدند ناچار مردم بنه خود را برگوسفند و بز و خوک و سگ بار میکردند چنانکه هم جای خنده بود و هم جای گریه سواران جنگی چون اسبی نمانده بود ناچار سوار گاو میشدند .

بگفته میل Mile ذرطی جنک اول صلیبی مسیحیان بنام اشاعه دین و فتح بیت المقدس جنایات گوناگونی مرتکب شدند .

قتل عام ، دستبرد و غارت و هتك ناموس در ضمن راه پیمائی و در جریان جنک ادامه داشت در محاصره انطاکیه سر دوهزار نفر ترك را از بدن جدا کردند و بگفته میشو Michoud این قوم وحشی ، اطفال را در آغوش مادران پاره کردند ، اعراب را نیز در کوچها و در منازلشان قتل عام میکردند بگفته یکی از مورخین در مسجد عمر « در رواق این مسجد نهر خون عمقش باندازه ای بود که تا سرزانو و یا آنها که سوار بودند تا عنان اسبشان را میگرفت . »

بطوریکه در تاریخ عرب و اسلام نوشته شده « جنک سوم صلیب بدین ترتیب خاتمه یافت که در آن صدها هزار نفوس تلف شدند و هزاران معموره و کاشانه از طرفین در شرق و غرب ویران گردید ... و از این جمله نتیجه ای که بدست آوردند تصرف (عکا) بود و بس . »

در سال ۱۰۹۸ در اثر محاصره قشون ترك قشون صلیب بقحطی و گرسنگی افتادند و کار بجائی رسید که مردم بخوردن چرم و علف و گوشت مردگان پرداختند .

قشون صلیب پس از سه سال محاربه و از دست دادن بسیاری از سربازان خود در تاریخ ۶ ژوئن ۱۰۹۹ چشمش به بیت المقدس افتاد، یکی از مبلغین این جنگ ضمن نامه ای بیاب نوشت :

« اگر میخواهید بدانید با دشمنانی که در بیت المقدس بدست ما افتادند چه معامله شد همینقدر بدانید که کسان ما در رواق سلیمان و در معبد، در گردابی از خون مسلمانان می تاختند و خون تا زانوی مرکب

میرسید تقریباً ۱۰ هزار مسلمان قتل عام شد و هر کس در آنجا راه میرفت تا بندپایش را خون می گرفت از کفار هیچکس جان نبرد و حتی زن و اطفال خرد سال را هم معاف نمودند . کسان ما چون از خونریزی سیر شدند بخانه‌ها ریختند و هر چه بدستشان افتاد ضبط کردند. هر کس چه فقیر چه غنی بهرجا وارد میشد آنرا ملك طلق خود میدانست و این رسم چنان ساری بود که گوئی قانونی است که باید موبمورعایت شود...» در هر يك از جنگهای صلیبی جمع کثیر از مردان و زنان و کودکان و بسیاری از شهرها و آثار تمدن دستخوش فنا و نیستی میشدند در تاراج قسطنطنیه که در ۱۲ آوریل ۱۲۰۴ صورت گرفت.

ویل آردوین Viilehardouin اهل شامپانی که بعدها تاریخ جنگ صلیب را نوشته چنین میگوید:

« غنیمت بدرجه ای رسید که افراد حساب طلا و نقره و ظروف و جواهر و اطلس و حریر و بالاپوش پوست خز، سنجاب و البسه فاخره را کم کردند ... از بدو خلقت عالم تا کنون هیچ شهری تا این درجه ثروت نداشته است . هر کس بدلخواه خود جا گرفت و جا برای احدی کم نیامد ، از این افتخار و هم از ذوق نعمت خدا داد. قشون صلیب در پوست نمیکنجید زیرا کسانی که ب فقر و مسکنت میگذرانیدند بجز و غنا رسیدند و بتاراج قسطنطنیه قشون صلیب مانند اقوام جاهله معامله کرد مثلا مرمرها را خورد نمود و آثار مستظرفه را شکست تا سیم و زر و احجار گریه آنرا ببرد مجسمه های مفرغی را که شاهکار هنرنمایی قدیم بود ذوب کرد تا از آن سکه کند، از آثار متبر که و ظریفه ای که بعد از غارت ۱۲۰۴ از قسطنطنیه آوردند امروز هم در ونیز و بعضی دیگر از بلاد مغرب آثار دیده میشود.

ابن اثیر و سایر مورخین متفقاً مینویسند که شهر قسطنطنیه را آتش زدند و يك چهارم شهر را خاکستر نموده برباد دادند، دامنه حریق ۸ روز و هشت شب تا ۶ کیلومتر توسعه یافت و بر جمعیت ترین نقاط شهر را فرا گرفت در این احوال زنان و کودکان از بیم و هراس به اینطرف و آنطرف میدویدند و از دشمن متعصب و خونخوار امان میخواستند.

در پایان جنگهای صلیب ساده لوحانی که آلت دست سوجدویان شده

بودند کم و بیش از کرده خود نادام شدند و بقیح اعمال خویش پسی بردند بقول روتبوف Rutebeuf شاعر، کسی که مخالف جنگ بود میگفت - شما میخواهید که من از دارائی خود چشم بپوشم و نگاهداری فرزندان خود را بعهده سگها بگذارم؟ من گمان نمیکنم که خداوند باین امر راضی باشد... مرد مؤمن میتواند بی آنکه از جای خود تکان بخورد و دنبال سوانح برود از دارائی خود زندگی کند... برای جستجوی خدا چرا باید راهی باین دوری بیمود؟ اگر خدا را مکانی باشد محققاً در فرانسه است...»

در نتیجه جنگهای صلیبی بازار تجارت بین شرق و غرب گرم شد و بسیاری از آثار و افکار شرقیان بغرب زمین راه یافت، دوران قدرت بسیاری از قوودالها سپری شد و زمینه برای نفوذ سلاطین فراهم گردید. در خلال این احوال بسیاری از مسیحیان همین که خود را از لحاظ اقتصادی در امان دیدند دین و وطن دیرین را فراموش کردند و بسنن و آداب شرق خو گرفتند یکی از امنای دین مسیح مینویسد:

« ما که از مغرب بودیم بصورت مردم مشرق در آمدیم وطن خود را فراموش کردیم یکی خانه و خدمت دارد چنانکه گوئی بارث به اورسیده دیگری بجای آنکه از هموطنان خود، زن بخواهد یکی از اهل شام و عرب را بزنی گرفته... اکنون که مشرق تا این حد بحال ما مساعد است برگشتن بمغرب چه ضرورت دارد...»

اگر تاریخ جنبش اسلامی و جنگهایی را که متعاقب آن بین فرق اسلامی در گرفته بخاطر آوریم باز با صحنه های خونین و وحشت انگیزی روبرو خواهیم شد، بعنوان نمونه چند جمله از کتاب تبصرة العوام نوشته رازی را در اینجا نقل میکنیم:

« معاویه بفرمود تا در جمله دیار اسلام بر منبرها و مناره ها لعنت به علی میگردند، نامه ها نوشت که هر کجا از شیعه علی بیابند، با کسی که فضایل ایشان گوید یا روایت کند او را بکشند... زیاد عامل یمن بود هفتاد هزار شیعه علی در یمن بکشت و قضاة بعضی از ترس قتال و بعضی از بهر مال و جاه فتاوی برخلاف اقوال ائمه میدادند...»

جنگهای اقتصادی و سیاسی بین ملل اسلامی غالباً بصورت جنگهای مذهبی

تظاهر مینمود و دامنه این نوع مبارزات تا قرون اخیر کشیده شده چنانکه در آغاز قرن ۱۷ استبداد مذهبی شدیدی در اسپانیا حکومت داشت.

فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا اسقف غرناطه را وادار کرد تا فرمانی صادر کند که اعراب در ظرف ۲۴ ساعت، زبان، آداب و رسوم و مذهب خود را ترک گویند و بالاخره چون اینکار عملی نبود «مسلمانان را از مرد وزن و بچه در جلوی چشم خود مثل گوسفند قربانی کردند، تمام ناحیه (الپوکسا) را به ویرانه مبدل ساختند - فیلیپ سوم نیم میلیون از مسلمانان را بسواحل افریقا و دوست هزارتن از آنان را بمرر فرانسه تبعید کرد و جمع کثیری از مسلمین در اثر اعمال سیمانه مسیحیان بدیار عدم رهسپار شدند، بطور کلی از تاریخ سقوط غرناطه تا سلطنت فیلیپ سوم در حدود سه میلیون مسلمان از اسپانیا رانده شدند...»

نقل از کتاب عرب و اسلام

در اروپا جنگ های شدید مذهبی در طی قرن ۱۶ و ۱۷ همچنان ادامه داشت.

انتشار نظریات و افکار لوتر و کالون در بسیاری از ممالک اروپا سبب گردید که بین کاتولیکهای متعصب و پروتستانهای اصلاح طلب! جنگهای خونین بوقوع پیوندد، جنگهای سی ساله مذهبی در فرانسه از (۱۵۶۳ تا ۱۵۹۲) و مبارزات ۳۰ ساله مذهبی در آلمان از (۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸) غیر از ریشه های اقتصادی تا حدی مولود تعصبات مذهبی و لجاج پادشاهان و رهبران مذهب کاتولیک نیز بوده. بیان تفصیلی این وقایع و خونهاییکه در این راه ریخته شده از حوصله این کتاب خارج است در اینجا بعنوان نمونه حادثه سن بارتلمی را یاد آور میشویم:

واقعه سن بارتلمی این حادثه خونین در ۲۴ اوت ۱۵۷۲ در پاریس بوقوع پیوست در این شب بیش از دو هزار نفر از پیشوایان پروتستان که در دربار شارل نهم دعوت شده بودند با توطئه قبلی بوضعی و حشیانه بقتل رسیدند و دامنه کشتار تا چند روز ادامه یافت بطوریکه متجاوز از ده هزار نفر از پروتستانهای فرانسه بدست کاتولیکها کشته شدند در نتیجه

این حادثه برتستانهای انگلیس روش خصمانه‌ای با کاتولیک‌ها پیش گرفتند بطوریکه پیروان مذهب کاتولیک را از خدمات دولتی حق و کالت و انتخاب نماینده محروم کردند، وضع کاتولیکها در ایرلند بمراتب دشوارتر گردید بطوریکه علاوه بر آزار و شکنجه بدنی املاک و اراضی کاتولیکها را نیز تصاحب می‌کردند و آنان را بکار مجانی در اراضی لردان انگلیسی مجبور می‌ساختند و حق خرید و فروش و انتقال املاک، از ایشان سلب شده بود این اوضاع در طی قرن ۱۶ و ۱۷ ادامه داشت، در اواخر قرن ۱۸ پس از ظهور انقلاب کبیر فرانسه در نتیجه مقاومتها و انقلاباتی که در ایرلند و سایر نقاط انگلستان علیه این مظالم بعمل آمد بین برتستانها و کاتولیکها امتیازی باقی نماند. و دوران جنگهای مذهبی سپری گردید.

بطور کلی جنگهای مذهبی و مبارزه با اقلیتهای نژادی تا قبل از انقلاب کبیر فرانسه در غالب ممالک اروپا وجود داشته است.

رفتار وحشیانه ترکان عثمانی با ارامنه و عیسویان مقیم بالکان (قبل از حل مسئله شرق) و خونهاییکه در فرانسه و آلمان در طی جنگهای سی ساله مذهبی ریخته شده و مظالمی که اسلاوها و پیروان مذهب ارتدکس در روسیه نژاری علیه اقلیتهای مذهبی و نژادی روا میداشتند همه از فقدان آزادی عقاید و افکار در اروپای قبل از انقلاب حکایت میکند.

تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی اروپا و مظالمی که در حق اقلیتهای مذهبی و نژادی روا میداشتند افکار عمومی را متوجه لزوم آزادی مذهب گردانید بهمین مناسبت چنانکه خواهیم دید نویسندگان قرن ۱۸ به تبعیت از افکار و انتظارات عمومی معتقد شدند که ملل عالم را باید در پیروی از شعائر مذهبی آزاد گذاشت و مبارزه با اقلیتهای نژادی را عملی غیر انسانی و دواز عدالت و انصاف شمرد با اینحال تا قبل از انقلاب فرانسه اقلیتهای در اجرای شعائر مذهبی، انتخاب شغل و محل اقامت، روش تعلیم و تربیت آزادی نداشتند و حدود و قیود بسیاری زندگی را بر آنان ناگوار ساخته بود.

انواع عقوبتهای بدنی

تاریخ پر حادثه زندگانی بشر از قدیمترین ایام تا آغاز قرن ۱۹ آمیخته

بانواع مظالم و عقوبتهایی است که در حق طبقات زحمتکش و مظلوم اعمال شده است.

سلاطین مستبد اروپا، روحانیون، سنیورها و کلیسای طبقات ممتاز برای اینکه بتوانند آزادانه به استثمارشده توده‌های ملل ادامه دهند و مخصوصاً برای مرعوب ساختن اکثریت مظلوم بفتایع و جنایات گوناگون دست میزدند و به انواع وسائل کسانی را که گردن از اطاعت دین و دولت کشیده و سخن از حق و عدالت گفته‌اند کیفر داده‌اند، برای نمونه قسمتی از کیفرهای معموله را یادآور می‌شویم،

گند - یا های متهم را لای تخته‌ها گذاشته بوسیله پیچی می‌فشرده‌اند.

آب - به زور در دهان متهم آتقدر آب میریختند تا معده‌اش متورم شود.

باد گنگ - گذاردن باد گنگ در دهان متهم و متسع ساختن آن بنحوی که متهم احساس خفقان نماید.

قطع مفاصل - بستن متهم بچند اسب و کشیدن آنها در جهات مختلف. سوزاندن محکوم روی توده‌های هیزم، شکم بریدن، بدار آویختن گردن زدن، مثله کردن (گوش و بینی بریدن) و غیره جزو عقوبتهای معمولی بود.

در کتاب (شکنجه و امید) از تألیفات احسان طبری ضمن توضیح سرگذشت فکری و اجتماعی بشر وسائل کیفری محکومین به این ترتیب بیان شده است،

(تخته شکنجه . گلوله سربی (برای کوبیدن محکوم) چنگک خاردار. صفحه سرخ شده - طناب برای فشردن عضلات محکوم، ظرف آب جوش و غیره هر برت جایل در کتاب تمدن چین مینویسد (در قوانین جزائی راجع بمرک تدریجی عنوانی بود و آن باین ترتیب انجام میگرفت که ابتدا یک دست و سپس دست دیگر و آنوقت هر یک از پاها را یکی پس از دیگری می‌بریدند و آنگاه شکاف در سینه میدادند و قلب را می‌کنند و سرانجام سر می‌بریدند .)

حتی کونک فوتسه حکیم چین که طرفدار وضع عمومی و مدافع نظام

اجتماعی زمان خود بود بعلت بودن وقیاحت این قساوتها پی برده بود حکایت میکند که زمانی یکی از اشراف چین از او پرسید چرا سرقت اینقدر زیاد شده در پاسخ گفت بعلمت آزمندی شما پرسید آیا قتل محکومین رواست گفت اگر نیات شما درست باشد بکشتن احدی نیاز نیست .

در دوره های اخیر برای گرفتن افرار از متهمین وسائل دیگر اختراع شد که از آن جمله است خون گرفتن از زیر ناخنها استعمال دستبند قیانی، آویختن وزنه به بیضه، اماله آب جوش، انز کسیون هوا و غیره .

در نتیجه تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی اروپا و رشد نهضت های دموکراتیک، توده های بیدار ملل بمبارزه با این نوع عقوبات وحشیانه برخاستند و کتب و آثار زیادی در زشتی و شناعة این نوع کیفرها انتشار یافت از جمله (بکاریا) از نویسندگان بزرگ ایتالیا و (جان هوارد) انگلیسی در آثار خود شدت بروش کیفرها و عقوبت های آن روزی تاخند و الغاء آنها را خواستار شدند .

در فرانسه تا آغاز انقلاب کبیر (۱۷۸۹) برای ۱۱۵ نوع جرم مجازات اعدام قائل بودند - دکتر گیوتین (۱۸۱۴-۱۷۳۸) استاد دانشگاه پاریس برای پایلن دادن به زجر کشی گناهکاران وسیله قاطعی اختراع کرد که بعداً بنام او به (گیوتین) معروف شد از زمان انقلاب بیعد در فرانسه محکومین به اعدام را توسط آلت برنده گیوتین معدوم میسازند .

چنانکه در فصول بعد خواهیم دید از قرن ۱۸ بیعد تحت تاثیر شرایط جدید اجتماعی در قوانین جزائی تغییراتی روی داد و جرائم را از حیث شدت وضعف تقسیم کرده و برای هر جرم به تناسب اهمیت آن کیفری قائل شدند از این دوره بیعد فکر مبارزه با مجازات اعدام در اروپا پیدا شد و جماعتی این نوع مجازات را مقرون بعدالت ندانستند و متذکر شدند که در موارد بسیاری پس از اجرای حکم اعدام بی گناهی محکومین به ثبوت رسیده پس بهتر است این نوع مجرمین را بمجازات های قانونی دیگر محکوم کرد . اشاعه این نظریات سبب شد که امروز در بسیاری از ممالک اروپا نظیر سوئد شوروی ایتالیا و غیره مجازات اعدام ملغی گردیده است .

نباید فراموش کرد که هنوز در ایران و بعضی از مستعمرات کیفرهای قرون وسطائی بوسیله مامورین ساواک و پلیس و ژاندارمری عملی میشود .

فصل بیست و دوم

جنبش های اعتراضی در قرون وسطی

در نتیجه استثمار وحشیانه سرفها ، دوام جنگ های داخلی ، سست شدن پایه های فتودالیسم، غارت و آتش سوزی دهات و سایر جریانات نامساعد، در طول قرون وسطی جنبش های اعتراضی چندی بوقوع پیوست که تقریباً تمام آنها بعلمت عدم وجود سازمان صحیح به شکست معترضین پایان یافت .

۱- جنبش کشاورزان

البرماله مینویسد در ولایات مختلفه نورماندی و عاها با به اتفاق آراء مجالس عدیده برپا داشته ، عزم کردند که مدار زندگی خود را بردلخواه خویش بگذارند و انتفاع از آب و جنگل را برطبق قوانین خود جاری نموده ، هیچیک از تکلفاتی را که سابقاً مقرر بود در نظر نگیرند، بعلاوه هر مجلس دو نفر نماینده انتخاب کرد که به مجمع عمومی بروند و مقررات مجلس را از تصویر مجمع بگنرانند ، مجمع قرار بود در مرکز آن خطه منعقد شود ، چون والی از قضیه آگاه شد فوراً راهول را با سوار فرستاد تا بتادیب مردم روستا پردازد و مجمع عمومی را بهم بزند، راهول بلا تأخیر

طغیان نورماندی
در ۹۹۷

مشغول کار شده قاطبه نمایندگان و جمعی دیگر را دستگیر ساخته و دست و پایشان را برید و باین حال نزد کسانشان فرستاد. با این عمل سبعمانه اعتراض محرومین پایان نیافت، بلکه پس از چندی اعتراضات سرفها بصورت‌های دیگری آشکار شد ولی بزرگترین شورش سرفها در سال ۱۳۵۸ اتفاق افتاد و به ژاکری موسوم شد.

این جنبش نیز در یکی از ایالات فرانسه شروع شد و پس از مدتی در سراسر فرانسه راه یافت و کلیه مردمان متوسط الحال و ناراضی با آنها همداستان شدند ولی این بار نیز سنیورها بیاری هم برخاستند و این جنبش را با ریختن خون شورشیان پایان دادند و بگفته یکی از دانشمندان معاصر «... برای چندین مرتبه در تاریخ بشر نشان دادند که هیچوقت حق را با التماس و درخواست بانسان نمیدهند و زورگویان دنیا در مقابل اشک چشم مردم ناتوان چیزی جز فریاد سبعمانه و نوك سر نیزه ندادند»

از این پس کلمه ژاکری معنای اولیه خود را از دست داد و امروزه طغیانی را که با مجازات‌های خونین مواجه شود ژاکری مینامند. در نتیجه این اعتراضات و فرار سرفها از مزارع، سنیورها مجبور شدند برفع طبقات محروم قدمی چند عقب‌نشینی نمایند.

نظیر این وقایع در آغاز قرن ۱۴ در انگلستان نیز بوقوع پیوست به این ترتیب که در سال ۱۳۱۸ دهقانان سر بشوزش برداشتند و جمعی از دشمنان خود و عمال شاه را کشتند، پس از ورود بلندن شاه وعده مساعدت داد و آنها را با فرمانها و نامه‌های پر آب و تاب فریفت و عده‌ای از آنان را باین وسیله بدیار خود فرستاد همینکه جمعیت تعصان یافت شاه خطاب بدهقانان گفت شما جزم سر کرده‌ای ندارید بلطف من امیدوار باشید.

پس از آنکه دهقانان به دهات خود رفتند شاه بیاری عمال خود بجان آنها افتاد و مخالفین را صد تا صد تا بدار آویخت و ماهیت سلطنت و ارزش گفتار پادشاهان و درباریان را به ثبوت رسانید

۲ = جنبش‌های کارگری

از اواخر قرون وسطی، در نتیجه رشد صنایع دستی،
وضع کارگران
در قرون وسطی وسعت شهرها، ایجاد راه‌های ارتباطیه، ضعف فتودالسم آزاد شدن سرفها و تمرکز آنان در شهرها، کارگاههای

اولیه جنبش بورژوازی بوجود آمد، در این دوره شهر فلاندر واقع در شمال شرقی فرانسه و ناحیه تسکان در ایتالیا مرکز مهم‌ترین مناطق صنعتی اروپا بشمار میرفتند، تنها در ناحیه فلاندر ۲۰ هزار کارگر در سه یا چهار هزار کارگاه مشغول کار بودند. در هر کارگاه يك استاد و چند شاگرد کار میکردند و اختلاف محسوسی در شرایط زندگی استادان با کارگران وجود نداشت و حقوق کارگران برای امرار معاش آنها کافی بود، بگفته یکی از مورخین در ناحیه فلاندر سه چهارم بهای ماهوتی را که بکنفر کارگر میبافت بخود او تعلق داشت، بهمین علت مبارزه و اختلافی بین کارگران و استادان آنها وجود نداشت، ولی پس از آنکه صاحبان بعضی از کارگاهها نفوذ اقتصادی خود را وسعت دادند و کارگاههای تازه ای بر کارگاه خود ضمیمه کردند، آثار اختلاف طبقاتی بین آنها و کارگران روبغزونی نهاد، بطوریکه از اوایل قرن ۱۲ این استادان تاجر پیشه برای حفظ منافع خود و مبارزه با کارگران نخستین اتحادیه را بوجود آوردند، موضوع جالب توجه اینکه از همین تاریخ بورژوازی جوان اروپا کوشش میکرد تا با پراکندن تخم نفاق، تهدید به اخراج، و تطمیع دسته‌ای علیه دسته دیگر، سازمانهای کارگری را از هم بپاشد، از جنبش‌های اعتراضی آنها جلوگیری کند و از رقابت سرفهای فراری و آزاد شده برفع جیب خود استفاده نماید.

از همین تاریخ است که بتدریج صاحبان کارگاههای کوچک، در

اثر رقابت موسسات بزرگ محکوم بورشکستگی شده در شمار کارگران معمولی درمیآیند.

در همین ایام در اثر ایجاد مانوفاکتور و موسسات بزرگ صنایع دستی هجوم سرفها بشهر و افزایش کارگران بیکار؛ کارفرمایان از راه تقلیل میزان دستمزد و افزایش ساعت کاری پیش از پیش بکسبیدن خون کارگران مشغول میشوند و ساعت کار، گاهی از ۱۶ ساعت تجاوز میکرد.

فخستین اعتصاب در نتیجه این مظالم کارگران شهر «دو» واقع در شمال شرقی فرانسه برای اولین بار در سال ۱۲۴۶ اعتصاب و از کار کناره گیری کردند در سال ۱۲۸۰ کارگران دوشهر دیگر فرانسه با کارگران دو» متفقاً برای بهبود شرایط زندگی دست با اعتصاب زدند و مزایای بدست آوردند - در سال ۱۲۷۷ عده ای از کارگران پاریس برای تقلیل ساعت کار اعتصاب کردند، پس از رسیدگی به اعتراضات آنها مقرر شد که کار در شب قدغن شود و هر کس شب کار کند ب شاه جریمه دهد و باین ترتیب کار شب برای مدتی قدغن گردید - در سال ۱۴۹۶ در زمان هائری هشتم در اثر اعتراض کارگران، اساسنامه ای برای تقلیل ساعت کار تنظیم شد و مقرر گردید که ساعت کار از ۵ صبح تا ۸ بعد از ظهر یعنی ۱۵ ساعت ادامه یابد و یک ساعت برای خوردن غذا منظور شود.

چون باین مقررات ظالمانه منظور زحمتکشان تامین نمیشد دامنه اعتراضات وسعت گرفت.

از مختصات این دوره وجود انطباط و ارتباط جالبی است که بین کارگران حکومت میکند، چنانکه کارگران چاپخانه لیون و پاریس در سال ۱۵۲۹ دست به اعتصاب ممتد و هم آهنگی زدند و درخواستهای خود را از قبیل دریافت وجهی بعنوان نوآموزی، حق عروسی و غیره اعلام داشتند.

۳- مشروطیت انگلستان

انقلاب امرا و بزرگان علیه استبداد فردی

در آغاز قرن ۱۳ میلادی در نتیجه استبداد مطلق سلاطین، و شکستهایی که در اثر اشتباه آنها نصیب امرا، روحانیون و عموم طبقات مردم شده بود زمینه اوضاع اجتماعی برای استقرار سلطنت مشروطه در انگلستان فراهم شد، غیر از امرا و روحانیون انگلستان که در تحدید قدرت پادشاه منفعت مشترک داشتند، بورژوازی جوان آن مملکت نیز برای انجام مقاصد اقتصادی و سیاسی خود با طبقات ممتاز همداستان شد - تا سال ۱۲۱۳ مذاکرات امرا و بزرگان برای پایان دادن به استبداد پادشاه (ژان سان تر) جنبه سری و محرمانه داشت ولی از سال ۱۲۱۴ موضوع از پرده بیرون افتاد و طبقات ممتاز آشکار تقه عصیان را ساز و سوگند یاد کردند تا تسلیم ژان از پای نشینند، ژان سرانجام حاضر بمذاکره شد ولی نتیجه ای بدست نیامد.

بالاخره در عید فصح ۱۲۱۵ باردیگر بزرگ زادگان سراسر انگلستان دست اتحاد بهم دادند و مصمم شدند که اگر شاه بی درنگ به پیشنهادات آنان ضجه نگذارد قلاع و استحکامات او را بگیرند و او را به انجام تعهدات مجبور گردانند.

«... شاه چون این بشنید سخت بر آشفت و بانمسخ فریادی برآورد که چرا امرا مملکت انگلستان را از من نخواسته اند ... و عاقبت قسم یاد کرد که هیچگاه از اینگونه آزادیها که مرا برده امرا میکند اعطا نخواهم کرد.»

اما ژان سان تر در این ایام وسیله ای برای مقاومت نداشت نه تنها بزرگان قوم بلکه تمام ملت به او اعتراض کرده بودند و انقلابیون در روز ۲۴ مه ۱۲۱۵ وارد شهر شدند در اینحال جز ۷ سوار جنگی کسی در

اطراف ژان نایستاد، شاه از شدت غضب بر خود میبجید و چاره جز آن ندید که هر چه میخواستند بدهد، موادی که امرای انگلستان برای پایان دادن به استبداد شاه تنظیم کرده بودند **دستخط کبیر** نامیده میشود و اصول برجسته آن از این قرار است:

۱- حقوق و مزایای دیرینه روحانیت و امرا و بلاد تایید میشود ... بعلاوه مزایا و سنن سایر بلاد و شهرها و قصبات و بنادر مملکت را بآنها برمیگردانیم .

۲- توقیف خودسرانه موقوف میشود : « هیچ فرد آزادی را نمیتوان دستگیر نمود یا بزندان انداخت یا جریمه یا نفسی بلد کرد یا زبانی بر او وارد آورد جز بموجب حکم قانونی سر کرده او یا بر طبق قانون مملکتی . »

۳- آزادی تجارت برقرار میشود سوداگرانی که برای داد و ستد به خاک انگلیس رفت و آمد دارند و در آنجا باقامت و مسافرت میپردازند در خشکی و آب محروس و مأمون اند...»

۴- اخذ مالیات خودسرانه ممنوع میشود .
۵- شورای عمومی از نمایندگان خلفا، اساقفه، کشیشان و امراتشکیل خواهد شد .

۶- شاه حق ندارد در امور مذهبی مداخله کند و در انتخاب کشیشها و اسقفها اعمال قدرت نماید.

۷- شاه حق ندارد قبل از پرداخت قیمت ، ملک یا چیز دیگری را از اختیار مالک آن خارج کند . سلب مالکیت باید بموجب حکم محکمه صورت بگیرد .

۸- برای اطمینان با اجرای این مواد مقرر شد که ۲۵ نفر از اسقفها و باریها انتخاب و مراقب اجرای این مواد باشند تا اگر شاه تمهیدات خود را نقض کرد ، اراضی او را تا میزان خسارت تصرف نمایند .

با صدور دستخط کبیر، غلبه فتوادها ، روحانیون و طبقه بورژوازی انگلستان بر پادشاه مسلم شد ولی ژانسان تر سخت در غضب بود که چرا باید بمراعات دستخط کبیر سوگند یاد کند یکی از معاصرین او میگوید :

«دندانهای خود را بهم میفشرد و چشمان غضب آلود را در چشم خانه میگردانید و چوبی را بدندان میگرفت ... »

در اساس مشروطیت انگلستان با گذشت زمان تغییراتی پدید آمد و چند مرتبه در اثر عهد شکنی سلاطین مشروطه آن مملکت تعطیل شد ولی سرانجام سلاطین مستبد شکست خوردند و مشروطیت انگلستان در طریق کمال پیش رفت.

در سال ۱۲۵۸ بموجب دستخط اکسفر د شورائی مرکب از یازده نفر از نمایندگان امرا تشکیل شد تا در کلیه امور نظر خود را بشاه گفته هر گونه اصلاح و تصحیحی را که لازم میدانند بعمل آورد ، مجلس شوری سالی سه بار منعقد گردد و صاحبان مناصب مهم دربار از قبیل قاضی، خزانه دار و رئیس دفتر یکسال متصدی مقام خود باشند و انقصاب و بازجوئی از آنان بعهدہ مجلس شوری باشد و مردم بتوانند از رفتار مأمورین شاه بمجلس شوری شکایت کنند .

از سال ۱۲۹۵ بزرگ زادگان درجه دوم، روحانیون درجه دوم و مردم بلاد و قصبات نیز نمایندگان خود را بمجلس شوری گسیل داشتند و با این مقدمات اساس مشروطیت کنونی انگلستان ریخته شد.

با اینکه استقرار اصول مشروطیت در انگلستان ریشه توده ای نداشت، معذک در تعدیل اوضاع اجتماعی و اقتصادی طبقه سوم آن مملکت تاحدی مؤثر افتاد و همین مسئله مانع بروز انقلابات شدید اجتماعی در آن سر زمین شد، زمزمه برقراری حکومت مشروطه در انگلستان و کوتاه شدن دست شاه از اداره مملکت در سراسر اروپا ظنین انداخت و پس از چندی ملت فرانسه و دیگر ملل اروپا با گستن زنجیر استبداد مقدمات استقرار جمهوریت و حکومت ملی را فراهم کردند .

۴- مبارزه با خرافات و بدعتهای مذهبی

چنانکه گفتیم محرومیت شدید اکثریت رواج بازار جهل و مرض و

نامیدی مردم در طول قرون وسطی بروج مسیحیت در سراسر اروپا کم کرد، پس از چندی پاپها و مبلغین آئین مسیح که خود بتعلیمات عرفانی عیسی عقیده و ایمانی نداشتند از بی خبری و تعصب مردم استفاده کرده بر جان و مال پیروان خود تسلط یافتند و توده های ملل اروپائی نیز کور کورانه و با خلوص نیت اوامر آنان را اطاعت میکردند.

چنانکه در قرن ۱۱ همینکه پاپ فرمان جهاد و شروع جنگهای صلیبی را صادر کرد عموم مردم با رغبت تمام فرمان او را گردن نهادند. از اواخر قرون وسطی مخصوصاً در قرن ۱۴ و ۱۵ در دین مسیح فساد و خرافات زیادی راه یافت و پاپها چنانکه گفتیم اغراض و مقاصد شخصی و سیاسی را با حربه دین عملی و اجرا میکردند و گاه قدرت و نفوذ آنان بجائی میرسید که سلاطین اروپا را وادار باستعفا میکردند و با آنان را برای بسوزش از گناهان بحضور خود فرامیخواندند و در مواردیکه بعضی از سلاطین در مقابل امیال خصوصی پاپ مقاومت میکردند کار بین آنها و پاپ بجنگ میکشید.

از نظر شخصی پاپها با قدرت و تمکن بسیار زندگی میکردند و اراضی فراوان در اختیار خود داشتند و با کشاورزان بانهایت قساوت و بی رحمی رفتار میکردند و آنجا که پای منافع اقتصادی آنان در میان بود هیچوجه بدستورات مذهب مسیح و مندرجات کتاب مقدس توجهی نداشتند و اگر کسی به عملیات آنان خورده میگرفت بنام مرتد بوضعی فجع کشته میشد.

زندگی پاپها آمیخته به انواع رذائل و مفساد اخلاقی بود حتی حاضر نبودند در ظاهر رعایت تقوی و پرهیزکاری را بنمایند. هر تبه کاری که بآنان پول مفت میداد آمرزیده میشد پایه طمع و ریاکاری آنان بجائی رسیده بود که بهشت را قطعه قطعه بر مریدان ساده لوح خود میفروختند تا عاقبت رندی سراسر دوزخ را خرید ولی رهبران آئین مسیح باز هم از فروش بهشت دست برنداشتند.

در نتیجه این جریانات و رواج بازار سالوس و ریا جماعتی از مومنین اصلاح طلبان بر کف دست نهاده بجهاد با خرافات و تصفیه آئین مسیح

از بدعتهای غلط برخاستند و با وجود خطرات بسیار در این راه دشوار پیش رفتند.

از جمله این مجاهدین ژان هوس **Jean Huss** از اهالی چک را میتوان نام برد، این شخص به تعقیب روش انتقاد آمیزی که پیش از او (ویکلیف **Wyclif**) در انگلستان پیش گرفته بود ادامه داد و از راه بحث و انتقاد موفق شد که جمع کثیری را بجنگ با خرافات و اصلاح دین مسیح برانگیزد چون پاپ سیادت و آقائی دیرین خود را در خطر دید او را به دعا که دعوت کرد بالاخره در سال ۱۴۱۵ این مرد را بگناه حق گوئی سوزاندند و سپس برای دفع پیروان او حکم جهاد صادر شد. مبارزه بین مریدان پاپ و هواخواهان «هوس» تا سال ۱۴۷۱ بطول انجامید و باتمام شقاوتی که عمال پاپ از خود بروز دادند سر انجام طرفداران مکتب هوس موفقیتهایی کسب کردند.

بعد از ژان هوس، مارتین لوتر **Martin Luther** آلمانی بزرگترین دشمن سرسخت بدعتیست که پاپها بظلم بر پیروان خود تحمیل کرده بودند این مرد در سال ۱۵۱۷ پس از یک سلسله مطالعات و بررسی دقیق کتاب مقدس دریافت که قسمت اعظم اظهارات و عملیات پاپ با محتویات کتاب مقدس مغایرت دارد، همین مناسبت با وجود مشکلات بسیار مردم را ببارزه با این بدعتها دعوت کرد و موافقت خود را با تقسیم اراضی پاپ اعلام کرد و بالاخره او و دوستانش بیاری کسانی که از حق کشیها و غرض ورزیهای مبلغین مسیحی بجان آمده بودند سر از اطاعت پاپ بپچیندند معترضین و پیروان مکتب جدید بنام (پرستان) مشهور شدند و هدف آنان مبارزه با کلیه بدعتها و تصرفاتی بود که مبلغین آئین مسیح برای منافع خصوصی در این مذهب وارد کرده بودند افکار و نظریات این جماعت بعزت آمادگی محیط در مدتی کوتاه در سراسر اروپا رسوخ کرد و کم کم پرستانها موهوق شدند که دین مسیح را از خرافات جدید یعنی غسل تعمید، روزه های مذهبی، خوردن نان مقدس، آشامیدن شراب مقدس، ریاضت های مذهبی و غیره پیراسته سازند و مذهب پرستان را از جهت میزان خرافات از مذهب کاتولیک متمایز گردانند.

در این ایام دهقانان غارت شده ای که در زیر فشار مالیاتها، جریمه ها

و بیگاریها از پا در آمده بودند علیه روحانیون و اشراف شوریدند و در آئینه خیال خود حکومت واقعی مسیح را نقش میبستند و خواهان رژیم بودند که در آن «از پادشاه و کشیش اثری نباشد و املاک و اموال عمومی و مشترك گردد» لیکن لوتر که به بورژوازی و ملاکین درجه دوم متکی بود دهقانان حق جو را «سگان هار» میخواند و پیروان خود را بجنگ با آنان تحریص میکرد و آشکارا میگفت «اگر زبردستان، زشتکار و بیادگر هم باشند، زبردستان نباید برایشان عاصی شوند.» در نتیجه این احوال در آلتزاس ۱۸ هزار و در سوآب ۱۰ هزار دهقان مبارز را خفه کردند غیر از علل اقتصادی پیداری مردم اروپا، اختراع فن چاپ و طبع و نشر کتاب مقدس مردم را به اختلافی که بین تعلیمات مسیح و روش پیشوایان دین موجود بود واقف گردانید.

مردم دیدند مسیح بشریت، را بقدر وسکنت، چشم پوشی از علائق دنیا، نرمخومی، فروتنی و خاکساری دعوت کرده در حالیکه رهبران دین بانثوت و ثروت فراوان گذران میکنند و با فروش بهشت و اخذ جوه هنگفتی بنام «بخشش گناه» زندگی مجلل و باشکوهی برای خود فراهم میسازند.

انجیل از سال ۱۴۱۷ تا ۱۵۱۷ چهار صد بار بطبع رسید و مردم با مطالعه این کتاب خواستار شدند که وضع کلیسیا و مذهب به سادگی نخستین، بازگردد.

لوتر با قسمتی از عقاید خرافی مخالفت ورزید بهمین علت پاپ او را تکفیر کرد، روزی که تکفیر نامه باورسید لوتر یاران خود را جمع کرد تکفیر نامه را در آتش انداخت با اینکه لوتر ابتدا میگفت «هر کس مجاز است که انجیل را بر حسب ضمیر و وجدان خود تفسیر کند». پس از چندی روش خود را تغییر داد و گفت «اگر بتوانیم نباید بگذاریم که در یک دولت چندین مذهب مخالف یکدیگر حکمروا باشد...» باین ترتیب طریقت لوتر نیز باعث آزادی مذهب نشد.

کالون - غیر از لوتر یکنفر فرانسوی بنام کالون علمدار طریقت جدیدی در عالم مسیحیت شد او نیز تنها کتاب مقدس را معتبر میدانست و

میگفت خدا پیش از آفرینش گیتی عده ای را سعید و با ایمان آفریده و هیچ چیز نه گناه و نه پرهیز کاری نمیتواند مشیت خداوندی را تغییر دهد - کالون طرفدار استبداد کلیسیا بوده او میشل سروه Michel Servet طبیب اسپانیائی را که در کتاب خود الوهیت مسیح را انکار کرده بود در آتش سوزانید (۱۵۵۳) و میگفت «مرتدان را اذم تیغ بگذرانید.»

درفرم مذهبی در انگلستان بدست پادشاه صورت گرفت هانری هشتم اینکار را بعهده گرفت و مذهب را در حیطه نفوذ سلطنت وارد کرد و مذهب **انگلیکان** را ایجاد نمود.

بطور خلاصه میتوان گفت اصلاح مذهبی بحال ملل اروپائی مؤثر و مفید نیفتاد بلکه از نفوذ دیرین کلیسیا کاست و بر قدرت پادشاهان افزود و زمینه را برای استقرار حکومتهای استبدادی آماده ساخت، علاوه بر این بجشن نوین بورژوازی و تخریب بنیان فئودالیسم کمک کرد.

در نتیجه این جریانات جمعی از نمایندگان بزرگ مذهب کاتولیک برای مبارزه با مذهب پروتستان و جلوگیری از انقراض قطعی مذهب کاتولیک مجامعی تشکیل دادند و تصدیق کردند که توجه پاپها بجمع مال و جاه طلبی و عیاشی برخلاف اصول مسیحیت بوده است.

از این پس با ایجاد مجامع تبلیغاتی به نشر تعالیم مذهبی و رواج آئین کاتولیک در سراسر عالم مشغول شدند، همین موسسات مذهبی، چنانکه خواهیم دید در قرون بعد مرکز تشبثات سیاسی و پایگاهی برای نفوذ محافل استعماری گردید.

www.adabestanekave.com

به این ترتیب میتوان حدس زد که جنک وجدالها، محرومیت اکثریت مردم از کلیه حقوق انسانی، چهل و بیماری تا چه حد به انتشار مسیحیت، رسوخ تصوف و ایدالیسم و رواج رهبانیت و عقاید خرافی در بین مردم کمک کرده است. پیررو و **Pierre Rousseau** دانشمند فرانسوی در کتاب تاریخ علوم مطالب جالبی در توصیف اوضاع اجتماعی و فرهنگی اروپائیان در قرون وسطی ذکر میکنند و ما قسمتی از مطالب آن کتاب را عیناً با بطور اجمال در این فصل ذکر میکنیم از جمله پیررو و سوزو وضع اجتماعی این ایام را چنین توضیح میدهد: «قرون وسطی از قرن پنجم تا قرن دوازدهم یکی از دردناکترین ادوار تاریخ است».

عامه مردم در منتهای فلاکت و بدبختی زندگی میکردند، سنیورهای **ملوک الطوائف** همگی، پادشاهان کوچکی بودند و حکومت مطابق داشتند، آنقدر جنگهای متوالی و قتل و غارت های بی دریبی فکر مردم را مشغول کرده بود که هیچکس نمیتوانست در فکر علم باشد غالب آثار قدما بکلی معدوم شده بود فقط در اعماق صومعه ها و عبادتگاه ها بعضی از آثار را استنساخ میکردند شارلمانی (۸۱۴-۷۴۲) که خود بزرگوار است بنویسد کوشش کرد که با کمک **آلکن Aleuin** زندگی فکری و فرهنگی را دوباره معمول و متد اول سازد اما موفق نشد که در این جامه خشن، نادان و خونخوار حتی جرعه ای نیز ایجاد نماید و برای آلکن چنین اعتراف کرد **ایجاد يك آتن مسیحی نه کار من است نه کار شما ...** اگر اروپای غربی در این سقوط وحشتناک فرو رفته و اینقدر فسرده و خاموش بود، در عوض نیمی از امپراطوری قدیم که در مقابل هجوم اقوام وحشی مقاومت کرد و پایتخت آن شهر قسطنطنیه بود تا آنقدر دچار زوال نشده بود.

بدون شك بعضی از نوشته های عهد عتیق در اینجا حفظ شده بود و مسلماً هنوز کتب ارسطو را در اینجا مطالعه میکردند، اما اشتغال مردم بیشتر بمسائل مذهبی و علوم الهی بود و جنک و زد و خورد نحو یون غالباً جانشین

فصل بیست و سوم

سیر افکار و علوم در قرون وسطی

چنانکه دیدیم در یونان قدیم دسته متوسط و طبقه متحول بهیچ کاری دست نمیزدند، هرگونه کوشش عملی را **تنک** و عار میشمردند و زندگی آنها از حاصل کار مداوم غلامان تامین میشد، بهمین علت این دسته از مردم نتوانستند با خیال آسوده راجع بمسائل گوناگون طبیعی؛ روابط علت و معلولی قضایا و موضوعات اجتماعی و اخلاقی به بحث و مطالعات نظری مشغول شوند و افکار و آثاری از خود بیادگار گذارند.

لیکن در دوره قرون وسطی حال بدین منوال نبود، یعنی آرامش خیال و امنیتی که طبقه آزاد یونان قدیم داشتند؛ در این دوره برای فتودالها و ارباب **ملك** موجود نبود بلکه سنیورهای **ملوک الطوائف**، روزگار خود را بچنگهای داخلی و تصرف اراضی و املاک مجاور میگنجانند و گاه غالب و زمانی مغلوب میشدند و به این ترتیب مجالی برای تحقیقات و مطالعات فلسفی و علمی برای آنان نبود.

در این دوره فقط کشیشان و رهبانان مسیحی در سایه سکوت و آرامشی که در محیط کلیسا حکمفرما بود میتوانند در مسائل علمی و فلسفی فکر کنند ولی چنانکه خواهیم دید چهارچوب خشک عقاید دینی به ایشان جرأت چنین کاری را نمیداد.

جستجوهای علمی شده بود» این تمدن مختصر روم شرقی سرانجام وسیله و واسطه انتقال تمدن و فرهنگ دنیای قدیم به تمدن نوین اسلامی گردید .
 محققین عالم اسلام نه تنها گنجینه های فرهنگ باستانی را بمیهن خود انتقال داده و در حفظ و حراست آنها کوشیده اند بلکه کم و بیش در راه ترقی و تکامل دانشهای بشری کوشش کردند .

در همان زمان که خلفا مطالعات علمی را تشویق و تایید میکردند «لوتر Lothaire چانشین شارلمانی امرداد تا نقشه جهان نمای اجدادش را که بر روی نقره حک شده بود خورد کنند، تا بتواند با آن بسربازان خود چیره و مواجب بدهد.

سال هزار نزدیک میشد (مقصود پایان قرن دهم میلادی است) سالی که پیشبران که تعداد آنان در آن زمان بسیار زیاد بود، خاتمه جهان را پیش بینی کرده بودند اصلاح کردن چه فایده دارد ، منظور از جمع کردن چیست ، این کلمات وحشت آمیز سخنانی بودند که روحانیون و کشیشها از روی منابر برمردم میآموختند.

رواج عقاید خرافی

ساحران و رمالان و غیبگویان بهترین پیشگویی را میکردند؛ بکنوع جنون دسته جمعی بر مردم جهان مسلط شده بود ، بر بشریتی که از شدت غم و اندوه می لرزید خورشید اولین روز سال ۱۰۰۱ طلوع کرد ، در حالیکه کار جهان همچنان میگذشت و بشریت زندگی خود را ادامه میداد، اشخاصی که نفس خود را حبس کرده و انتظار داشتند که در آتیه نزدیک بحضور خدا شرفیاب شوند دوباره شروع بنفس کشیدن کردند و خوشحالی خود را هویدا نمودند، همچون کسی که از مرگ نجات یافته بود گمان میکرد از نود در جهان متولد شده است!

اسکولاستیک Scolastique

چون در دوره قرون وسطی فرا گرفتن علم و دانش فقط در محیط کلیسیا و در حدود تعلیمات اولیای دین مسیح صورت میگرفت از این رو دانش آن دوره را منسوب به اسکولا نموده نام اسکولاستیک بر آن نهاده اند.

در این دوره محافل علمی تحت نفوذ مستقیم کلیسیا بوده ، محاکم تفتیش عقاید و اسکار مرتبا کسانی را که از حدود کتب مذهبی قدم فراتر مینهادند بنام کافر و ملحد نابود میکرد ، کسی بطبیعت توجه نداشت ، اصحاب دین میگفتند چه فایده دارد طبیعت را مورد مطالعه قرار دهیم ، چه لزومی دارد راجع به نمودهای طبیعی بیندیشیم ، زیبرا کتاب مقدس تمام توضیحات لازم را داده است ، مدت چهار قرن از قرن نهم تا قرن سیزدهم منطق قربانی مذهب شده بود، همواره بحث در کلیت بود .

مهمترین مسائل مورد بحث از این قبیل بود: فرشتگان از جنس نر هستند یا از جنس ماده - آیا خدا میتواند سنگی بیافریند که خودش نتواند آنرا بلند کند - آیا مادر خدا با کرم بوده است یا خیر - آیا موقع روبرو شدن با سوانح باید بادوانگشت بروی سینه صلیب کشید یا با سه انگشت - آیا علم خدا افزایش پذیر است یا خیر - آیا کبوتری که روح القدس بصورت او در آمده حیوان واقعی بوده - عیسی را چون پندار کشیدند دست و پا و پهلویش را مجروح کردند بعد که دوباره زنده شد آیا جای زخمهای او باقی بود - پیش از خلقت آدم فرشتگان کجا منزل داشتند - حضرت آدم هنگام هبوط بچه قد و قامت بود ؟ و از این قبیل .

محصلین این دوره ، با سری انباشته از معلومات اسکولاستیک از مدرسه خارج میشدند ، در حالیکه قادر نبودند یک عمل جمع و تفریق ساده را جز بمدد انگشتان دست خود انجام دهند - روزی یکی از تجار ثروتمند آلمان که علاقه مند بود تعلیمات دقیق تجاری بفرزند خود بیاموزد ، پس از آنکه در مقام پرسش از یکی از دانشمندان برآمد، دانشمند باو گفت «موضوع دو تاست، اگر میخواهید که فرزند شما فقط جمع و تفریق را بیاموزد میتواند او را در هر کدام از دانشگاههای آلمان که مایل هستید بگذارید؛ اما اگر علاوه بر آن سودای آموختن عمل ضرب رانیز در سر میپرورانید فقط یکی از دانشگاههای ایتالیاست که ممکن است این موضوع را باو یاد بدهند.»

بالاخره بی خبری و جمود فکری اروپائیان با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و استقرار روابط فرهنگی بین شرق و غرب روه تقصای نهاد ، عده ای از جوانان فرانسوی، انگلیسی و آلمانی که به دانشگاههای اسپانیولی

عرب نظیر اشبیله ، طلیطله و قرطبه راه یافته بودند ، پس از فرا گرفتن فرهنگ اسلامی و آشنائی با فنون و علوم جدید بمیهن خود باز گشته مقدمات اشاعه و انتشار فرهنگ جدید را فراهم ساختند و با اعلام عقاید جدید خود ضربت محکمی باصول و انضباط خشک اسکولاستیک وارد نمودند، از اواخر قرن ۱۲ عده ای از دانشمندان فرنک با فرا گرفتن زبان عربی به ترجمه آثار اقلیدس . ابقراط، جالینوس بطلمیوس و سایر محققین همت گماشتند و با انتشار نظریات جدید از ظلمت جهل و پیچبری مردم اندکی کاستند اشاعه افکار ارسطو و ترجمه و انتشار کتاب جمهوریت افلاطون افکار مردم را تکان داد و عده ای را به اختلاف عظیمی که بین علم و حقیقت با مندرجات کتب منهبی وجود دارد واقف گردانید ، همین جنبش فکری ناقص ، اصحاب کلیسیا را بوحشت انداخت . و پس از آنکه با حربه تکفیر در مقابل منطق ارسطو و دیگر دانشمندان قدیم شکست خوردند ، ناچار به اندرز یکی از روحانیون بنام البرت کبیر (۱۲۸۰-۱۱۹۶) گوش فرادادند و بحکم اچبار با ارسطو و آثار و افکار او از درس سازش و آشتی درآمدند .

البرت میگفت بجای آنکه با ارسطو از در جنگ وارد شویم بهتر آنستکه با او آشتی کنیم و او را جزو همدستان و متفقین خود قرار دهیم .

سن تماش اینکار را باشایستگی تمام انجام داد و مدتی مشغول مطالعه آثار ارسطو گردید و سرانجام بین منطق ارسطو و مسیحیت سازشی بوجود آورد این سازش بحال تکامل دانش بشری مفید نیفتاد بلکه بر کود آن کمک فراوان کرد .

دوران حکومت ایمان
 بطور کلی اصحاب کلیسیا میگفتند ایمان بر عقل مقدم است اول باید ایمان آورد و سپس در مقام فهم مطالب برآمد ؛ بایر روی از این اصل اولیای دین

مسیح فقط آن دسته از آراء حکماء قدیم را که جنبه علمی نداشت و از علت غائی وجود ، و مسائل ماوراء الطبیعه بحث میکرد پذیرفتند و آثار فکری امثال بطلمیوس ؛ جالینوس ؛ اقلیدس ؛ ابقراط و دموکریت را بدست فراموشی سپردند .

چون فکری اروپائیان یکباره پایان نیافت بلکه قرنها آثار آن باقی بود ؛

یکی از استادان دانشگاه پیز در سال ۱۵۷۶ چنین مینویسد «هنگام بیان مطلب بمستمعین خود چنین میگویم ، ارسطو اینطور تعلیم داده است ؛ افلاطون چنین فرموده است این است قول ابقراط ؛ نظر جالینوس چنین بود تا کسانی که حرف مر امیثونو ندیدند که کلام بوریس خالی از صحت نیست و خود او نیست که صحبت میکند ، بلکه مشهورترین مردان جهان از دهان او صحبت میکنند ... اگر افکاری که بشظرم میرسد در متون قدیم پیدا نکنم ؛ آنها را کنار میگذارم ، زیرا حتماً غلط یا دارای اشتباهاتی است ؛ آنها را ذخیره نگاه میدارم و بیان نمی کنم تا قبل از تولد نابود و معدوم شوند ... » این جملات که در قرن ۱۶ از دهان یکی از استادان دانشگاه بیرون آمده بخوبی میرساند که تا عصر رنسانس که دوران تجدید حیات علم و هنر است هنوز جماعتی از محققین ؛ عدول از گفته قدما را گناهی نابخشودنی می دانستند و همواره خود را در پیشگاه فرهنگیان قدیم کوچک و ناچیز می انگاشتند ؛ با اینحال چنانکه خواهیم دید از قرن ۱۳ بیعد بحکم تغیر شرایط اقتصادی و اجتماعی در کلیه شؤن مدنی تغییراتی روی داد و ضربتهائی شدید بمنطق سکولاستیک وارد آمده بود .

حدود علم در این دوره
 ر کود اوضاع اقتصادی و اجتماعی در طی قرون وسطی بکلیسیا فرصت داد تا برای تامین حکومت خود بچنگ علم برخیزد و مخصوصاً فرا گرفتن علوم طبیعی

و فکر تتبع و تحقیق را با حربه تکفیر و الحاد در مغز مردم بکشد آلبرت کبیر با اینکه از دانشمندان بنام آن دوره است ، در دایرة المعارف خود فقط آثار ارسطو را استنساخ کرد و تبصره ای چند بر آن افزود . علم طب با اینکه مورد نیاز عموم بود بحال ر کود و انحطاط باقی بود و از حدود گفته های ابقراط و جالینوس تجاوز نمیکرد ، تشریح و مطالعه عملی در احوال مرضی معمول نبود فقط گاهی بتشریح خوک مبادرت میکردند .

دوایای این دوره عبارت از علفهایی بود که نسخه های آن از قدیم باقی بود ، معمولترین مداوا حجامت و فصد (رگ زدن) بود ، که انجام

آنها در خور مقام اطبا نبود، بلکه اینکار بوسیله سلمانی ودلاک که در حقیقت جراحان زمان بودند صورت میگرفت، تمویندودعا بسیار معمول بود، برای بدست آوردن اکسیر حیات جاوید، شب روز عده‌ای در قرع وانیقها، علفها ودواهای عجیب و غریب را میجو شانیدند بدون اینکه نتیجه مطلوب را بدست آورند، در نتیجه فقر و فلاکت و محرومیت‌های اجتماعی زمینه برای پیشرفت نظریات خرافی و افکار ماوراءالطبیعه کاملاً مساعد بود پیرو سو می‌ویسد:

« مبتلایان بامراض عصبی در کوچه‌ها میدویدند، جن‌زده‌ها و مجانین زیاد بودند و از چپ و راست معجزاتی رخ میداد، همه کم‌وبیش باعوالم خارج از دنیای محسوس روابطی داشتند، بعضی با خدای آسمان، برخی دیگر با سلطان جهنم، اشخاص غلیل و مفلوج هر روزیای مساجد و کلیساها جمع میشدند و فریادهای مهیبی میکشیدند، آنگاه کشتی باظرف طلائی متبرک بالای سر آنها میرفت و بتلاوت ادعیه مذهبی مشغول میشد.

میرنگاملی دانش در اواخر قرون وسطی

بعضی از مورخان، تمام دوره هزار ساله قرون وسطی را عهد کود مطلق بازار علم و دانش میدانند، و حال آنکه این نظر صحیح نیست زیرا از قرن ۱۲ و ۱۳ بعد در اثر رشد سریع صنایع دستی، رونق بازار تجارت افزایش قدرت سلاطین در انگلستان و فرانسه، ضعف تدریجی فتودالها، پیدایش تمرکز ناقصی در امور اقتصادی و سیاسی، تامین راه‌های ارتباطی بین شرق و غرب، و برقراری مناسبات تجاری بین اروپا و آسیا و روی کار آمدن بلاد مستقل تجاری نظیر ژن، فلورانس، و نیز، لیسبون، پاریس، آنورس، لندن، هامبورگ و غیره و علل و عوامل دیگر مقدمات جنبش علمی، فکری و صنعتی اروپائیان فراهم گردید.

یکی از نتایج نزدیکی اروپائیان با ملل اسلامی شیوع استفاده از

صنعت کاغذ سازی است، ساخت کاغذ بهمت چینی‌ها اختراع شد، ایرانیان قبل از اسلام این صنعت را از آنان فرا گرفتند و مسلمین پس از تسخیر ایران بر موز این صنعت آشنا شدند و بعدها اروپائیان از راه اسپانیا صنعت کاغذ سازی را از مسلمین فرا گرفتند، فراوان شدن کاغذ تا حدی به‌ارزانی و فراوانی کتب کمک کرد ولی نهضت اساسی در فرهنگ اروپا از تاریخی شروع میشود که فن چاپ در آلمان اختراع و در سراسر اروپا معمول میشود، از این دوره کتب گوناگون نخست بزبان لاتین و پس از چندی بزبان معمولی اقوام و ملل مختلف اروپا چاپ و منتشر گردید و نخستین قدم در راه تدوین زبان ملی اروپائیان برداشته شد.

احیاء علوم قدیم

برای سیر در مدارج ترقی و کمال لازم بود که اروپائیان نخست از ذخائر فرهنگی قدما باخبر شوند و سپس در راه تکمیل دانشهای قدیم گام بردارند، بر اساس این فکر جمعی از فدائیان علم بدون آنکه از تهدید کلیسیا بپس بخود راه دهند در مقام ترجمه آثار دانشمندان کهن برآمدند و از قرن ۱۲ عده‌ای با فرا گرفتن زبان عربی و لاتین به ترجمه و انتشار آثار و افکار ارشمیدس، ارسطو، اقلیدس، ابقراط، جالینوس و بطلمیوس و غیره همت گماشتند و به این ترتیب روشنائی مختصری در افکار مردم پدید آمد، در این ایام تنی چند از اهل علم علی‌رغم تعلیمات کلیسا در مقام تحقیق و تجربه برآمدند و بمطالعه در آثار قدما قناعت نکردند سرآمد این جمع روژه بیکن راهب انگلیسی است. (۱۲۹۴-۱۲۱۴)

روژه بیکن Roger Bacon

این مرد در سابه کوششهای خود به تعیین کانون آئینه‌های مقعر، توضیح علت پیدایش رنگین کمان و اختراع اطاق تاریک توفیق یافت و بجرم همین تحقیقات علمی از طرف کلیسیا به ۱۴ سال حبس محکوم گردید، فداکاری بیکن بهدر نرفت و پس از اوباب تحقیقات کم‌وبیش گشوده شد و ترقیات فنی پیشرفت علوم نظری را تحت الشعاع خود قرارداد بیکن دشمن سرسخت ارسطو بود و میگفت اگر میتوانستیم تمام آثار او را میسوزاندم زیرا

مطالعه آنها موجب گمراهی و اتلاف وقت است - وی به آینده علوم خوش بین بود و پیشرفت سریع علوم مادی را پیش بینی میکرد ، در قرن ۱۳ میلادی میگفت « باید چرخهائی ساخت که بدون احتیاج به ستور سرعت باور نکردنی سیر کند ، میتوان چرخه برای پرواز تعبیه کرد که اگر کسی در میان آن جای گیرد و اسبابی را بچرخاند بالهای مصنوعی آن هوا را بشکافد و مانند پرندگان بپرد ، همچنین ممکن است چرخه‌ای ترتیب داد و با آن بدون هیچ خطری زیر دریا رفت . »

افکار و پیش بینی‌های بیکن بقدریچ صورت عمل گرفت ، اختراع فن چاپ ، اکتشاف مجدد قطب نما و آئینه‌های مسطح و کرومی و کشف عدسیها و اکتشافاتی که در رشته دریانوردی نصیب بشر گردید مقدمات رنسانس Renaissance و تجدید حیات فرهنگی اروپائیان را فراهم کرد غیر از بیکن که دشمن تعبد و تقلید بود ژان بوریدان Buridan نیز در گستن زنجیر اسارت علم سعی فراوان کرد و حکم علم و عقل را برگفته‌های ارسطو ترجیح داد .

ارسطو میگفت « وقتی که جسمی حرکت میکند ، بدان علت است که در تمام طول راه یک نیروی محرک برای پایدار نگاهداشتن حرکت او وجود دارد .

بوریدان این دلیل بی اعتبار را رد میکند و میگوید علت اساسی حرکت ذخیره ای است از انرژی . عامل دیگری که بجنبش اقتصادی و فکری اروپائیان کمک کرد توسعه اطلاعات جغرافیائی و اطلاع از تمدن و منابع زرخیز ممالک آسیائی است .

دایره اطلاعات جغرافیائی اروپائیان در آغاز قرون وسطی حتی بیابان یونانیان و رومیان قدیم نمیرسید ملاحان و کارشناسان این دوره جز حدود مدیترانه یعنی ساحلهای مراکش ، الجزیره ، تونس ، طرابلس ، دلتای نیل ، مصر ، شام ، فلسطین و آسیای صغیر جایی را نمیشناختند .

کارشناسان اروپائی میگفتند زمین کروی نیست زیرا در این صورت باید سکنه نیمکره دیگر هنگام راه رفتن سرشان بسمت پائین باشد و این نامعقول و غیر ممکن است .

نقشه زمین را گاه بشکل دایره و زمانی بصورت مربعی بزرگ نمایش میدادند و بیت المقدس را همیشه مرکز آن تصور میکردند و خشکیها را در دریائی بزرگ محصور میکردند و مناطق منجمد شمالی و گرمای سوزان جنوب را مانع عبور خود مینداشتند .

با اینحال سوداگری و عشق جمع آوری پول از آغاز قرن سیزدهم اروپائیان را بسیر و سیاحت در آسیا برانگیخت انتشار سفرنامه (مار کوپولو) بنام کتاب عجایب در برانگیختن حرص و آرزو اروپائیان بسیار موثر افتاد این سیاحت و تیزی در طی بیست سال از ناحیه ختا یعنی مملکت چین و سر زمین خاتبا یغ که اکنون یکن خوانده میشود دیدن کردهنگام مراجعت از طریق هندوچین ، هندوستان و ایران به اروپا بازگشت .

وی در سفرنامه خود چنین نوشت « ... بلادی هست که تنها حقوق گمرکشان در سال از ۱۵۰ میلیون و هفتصد هزار کیسه زرمیگذرد و در آنها هر روز متجاوز از هزار ارا به ابریشم وارد میشود و نیز بندرهایی وجود دارد که بیش از ۵ هزار سفینه در کنارشان لنگر انداخته است و بجای یک کشتی فلفل که به اسکندریه میآید صد کشتی فلفل و شاید بیشتر بآن بنادر داخل میگردد ، سپس از فراوانی محصولات نظیر ، ادویه ، قند ، عطریات ، مروارید ، الماس ، فیروزه ، یاقوت و غیره اظهار شگفتی میکنند و میگویند در سرزمین زی بانگو Zipangu یعنی در خاک ژاپن آنقدر طلا فراوان است که قصر شاه را بقدر دو انگشت از طلا مفروش کرده اند . »

ناگفته نماند که در آغاز قرون وسطی بعضی امتعه کمیاب مانند ابریشم ، مخمل ، مروارید ، عطریات ، کندر ، عود ، اجحار قیمتی و مخصوصا ادویه از قبیل میخک ، دارچین ، جوز هندی ، فلفل و زنجبیل برای تجار فواید کلانی داشت این امتعه بوسیله بازرگانان عرب از دوراه خشکی و دریا بدست ایشان میرسید ، در ایندوره هنوز اروپائیان برای خرید کالاهای مختلف رنج سفر را بر خود هموار نمیکردند و منابع زرخیز آسیا هنوز دیده آزمند آنان را بخود جلب نکرده بود ، تجار عرب گاه از راه بری یا راه ابریشم که از آسیای مرکزی میگذشت و بدریای سیاه منتهی میشد و زمانی از راه بحری یا راه ادویه که مسیرش اقیانوس هند و بحر احمر بود ب مملکت مصر

و شهر اسکندریه کالاهای مختلف را وارد میکردند و کشتیهای ژن، وسفاین و نیزی، محمولات بازرگانان عرب را بشهرهای ژن و ونیز که در این ایام مرکز فعالیتهای مهم اقتصادی و سیاسی بود منتقل میکردند، منفعتجویی و علاقه بتحصیل مال از اواخر قرن ۱۳ بیعه ملل بحریسمارا بر آن داشت که برای رسیدن به هندوستان که منبع این همه مال و متاع است از پای نشینند بخصوص که در این ایام عده ای عقیده خود را درباره کروییت زمین اعلام کردند از جمله پیردالی Pierre d' Ailly در کتاب خود موسوم به (تصور دنیا) گفت بین دو انتهای مملکت اسپانیا و هندوستان نباید مسافت زیادی وجود داشته باشد، کریستف کلمب با استفاده از این کتاب و توجه به آراء یونانیان قدیم سرانجام در این راه قدم گذاشت و چنانکه خواهیم دید بکشف آمریکا توفیق یافت.

نظریات فلسفی

بطوریکه اشاره کردیم در آغاز قرون وسطی تا قرن دوازدهم، بازار جهل و تعصب و عقاید خرافی رواجی یکمال داشت تنها محیط فرهنگی آن زمان دیر و کلیسیا بود که آنجا نیز با صراحت تام میگفتند ایمان بر عقل مقدم است یعنی نخست باید چشم بسته بحقایق دینی ایمان آورد سپس در مقام فهم موضوع برآمد از قرن پانزدهم بیعه مقدمات تحقیقات علمی و فلسفی در اروپا فراهم گردید طلاب این دوره نخست قواعد زبان، بلاغت و منطق را فرامیگرفتند، و سپس بتحصیل حساب، هندسه، موسیقی و نجوم میپرداختند ولی در هر حال مقید بودند که از حدود گفته پیشینیان قدمی فرا نگذارند و کسانی که بخود جرات چنین کاری را میدادند؛ بطرزی وحشیانه مجازات میشدند طبیعی است، در چنین شرایطی آراء و نظریات فلسفی نیز از حدود تصوف و ایدآلیسم تجاوز نمیکند.

آنسلم یکی از محققین و متفکرین قرن ۱۱ میلادی است؛ او معتقد است که باید بحقایق ایمان آورد و سپس درباره آنها تعقل نمود در باره آفرینش میگوید خدا موجودات را از عدم بوجود آورده است یعنی موجودات ابتدا در علم خدا بوده اند و وجود خارجی نداشتند بعدها مشیت خدا بر اینقرار گرفت که بآنها وجود خارجی بدهد. بعقیده اوصفات خدا عین ذات او میباشند یعنی نباید

گفت خدا کامل است یا عادل است بلکه باید معتقد بود که خدا فی نفسه کمال و عدل محض است آنسلم مانند افلاطون معتقد بحقیقت کلیات بود و برخلاف ارسطو افراد و اشیاء را حقیقی نمیدانست در قرن سیزدهم در اثر ترجمه آثار فلاسفه یونان جنبش فکری اروپا ایمان وسعت گرفت و متفکرینی نظیر البرت بزرگ و توماس قدم بپیدان گذاشتند.

مظهر کامل فلسفه اسکولاستیک سن توماس داکن
 سن توماس داکن
 Thomas D'Aquin ایتالیائی است او فلسفه مشاء یعنی آراء فلسفی ارسطو را بانغییرات و تصرفاتی با اصول دیانت مسیح سازگار و هم آهنگ نمود بعقیده او خداوند بپیمانچبگیری حضرت عیسی بر خلق آشکار شده است و بشر چاره ای ندارد جز اینکه به این حقیقت ایمان داشته باشد؛ عالم آفرینش باتمام خصوصیات آن کاملترین و بهترین عوالم است چه اگر خلاف آن بیندیشیم منکر قدرت و حکمت الهی شده ایم - توماس در راه تحکیم قدرت کلیسیا و مداخله دین در سیاست کوشش فراوان کرد «بعقده توماس وضع قوانین کشور باید بانظر اجتماع مردم بشود؛ قیام بردولت جابر جایز است؛ اما تغلف از او امر دولت باید بوسیله و اجازه اولیای دین باشد؛ یعنی روحانیت بردولت نیز حاکم است؛ اما در مسائل دینی آزادی فکر و بیان جایز نیست و هر کس از مذهب حق بیرون رود تعقیب گردنی بلکه کشتنی است» ۱

توماس با استفاده از نظریات ایدالیستی ارسطو و با اقتباساتی از افلاطون، موفق گردید اسکولاستیک را نیرو و قدرتی بخشد و بیاری آن نزدیک چهار قرن در برابر سیر تکاملی فرهنگ انسانی سدی خطرناک ایجاد نماید.

ویلیام اکام انگلیسی برخلاف توماس از صاحب نظرانی است که برای کلیات جز در ذهن حقیقتی قائل نیست و معتقد است که برای کشف حقایق و نفوذ در

اکام
 accam

آنسلم
 Ancelme

طبیعت باید بکشف و شهود و مطالعه و تجربه توسل جست و از سیر

درعالم تصور وخیال دست کشید .

بعقیده او براینی که معمولا برای اثبات خدا و وحدانیت او اقامه میکنند کافی و قانع کننده نیست او کوشش فراوان کرد که حکمت الهی را از فلسفه جدا کند و بیاری استدلال و تجربه بنیان اسکولاستیک را متزلزل سازد؛ کوشش اقامه به نتیجه رسید و از قرن ۱۴ بعد اهل تحقیق تعلیمات او را دنبال کردند و بکشفیاتی گرانبها نائل آمدند.

از قرن ۱۲ بعد بعللی که ذکر شد، جنبشی در فرهنگ طرز تحصیل در و ادبیات و صنایع ظریفه بظهور رسید و دارالعلمهای قرون وسطی تازه ای بوجود آمد که در بعضی از آنها هزاران نفر بکار آموزش و پرورش مشغول بودند.

معلمین در این دوره از دولت حقوق نمیگرفتند بلکه معاش آنان از حق الزحمه ای که طلاب میدادند تامین میشد . مدارس و دارالعلمهای آن عصر از جهت انضباط و رعایت مبانی اخلاقی بسیار عقب مانده بود؛ استادان بر روی منبر قرار میگرفتند و محصلین یا روی زمین و یا روی گاه می نشستند ؛ خانه های درس بوسیله محصلین کرایه میشد و غالبا از نظر صحی برای تحصیل مساعد نبود ، ولی بعدها بهمت دانشجویان و در اثر مداخله دولت وضع بهتر شد ، در این دوره محصلین از لحاظ کتاب سخت در مضیقه بودند نسخ خطی کتابها که با ماهها صرف وقت تهیه میشد بسیار گران بود و دانشگاههای آن عصر هرگز تعداد مجلداتشان به صد نمی رسید فقط کتابخانه شارل پنجم دارای ۹۰۰ جلد کتاب بود این وضع ناگوار تا سال ۱۴۴۰ که گوتنبرگ Gutenberg به اختراع صنعت چاپ توفیق یافت ادامه داشت .

در نیمه اول قرن ۱۴ در دارالعلم پاریس که نمونه ای از دارالعلمهای بزرگ آن عصر بود رشته های زیرین تدریس میشد :

- ۱- شعبه علوم الهی .
- ۲- شعبه علوم روحانی .
- ۳- شعبه طب .
- ۴- شعبه فنون .

تعداد کسانی که در شعبه فنون مشغول تحصیل میشدند از سایر شعب بیشتر بود و هر طلبه ای قبل از آنکه در رشته ای خاص وارد شود لازم بود که رشته فنون را بخوبی فراگیرد . دروس شعبه فنون ۷ قسمت بود، سه قسمت ادبی که در آنجا صرف و نحو و منطق و معانی و بیان تدریس میشد و ۴ قسمت علمی که در آن موسیقی، علم اعداد، هندسه و علم افلاک میآموختند. کلیه این شعب بزبان لاتین تدریس میشد و زبانهای ملی هنوز احیا نشده بود، زبان لاتین در حقیقت زبان دین و دانش بود، در این دوره کتب را بر روی کاغذ خانباغ مینوشتند و چون این نوع کاغذ بسیار کمیاب و گران بود محصلین ناگزیر بودند مطالب را از راه گوش بذهن بسپارند .

محصلین این دوره باید نخست شعبه فنون را به بینند درجیات تحصیلی و این شعبه را در دو درجه طی نمایند؛ امتحان از هر درجه پس از چند سال مطالعه و تحصیل صورت میگرفت ، برای فارغ التحصیل شدن باید مدرسین لیافت و شایستگی داوطلب را تایید کنند، برای آنکه کسی در رشته علوم الهی بر تبه اجتهاد برسد ، لازم بود که ۸ سال درس بخواند و ۳ جواز مقدماتی و یک جواز فارغ التحصیلی کسب نماید و لا اقل ۳۴ سال عمر داشته باشد.

از آغاز قرن ۱۳ مقدمات جنبش فرهنگی اروپاییان فراهم میشود ؛ اغلب موسسات علمی و فرهنگی این دوره بدون مداخله دولت باهمت و علاقه مردم تاسیس شده است ؛ چنانکه دارالعلم پاریس با کوشش دانشجویان و معلمین در سال ۱۲۰۰ و دارالعلم تولوز ؛ و من پلیم در سال ۱۲۲۰ و دارالعلم بلنی و یادو در سال ۱۲۲۹ و دانشگاه کمبریج بسال ۱۲۳۱ تاسیس گردید علاوه بر این در اورلئان ؛ براك، سالامیک و شهرهای دیگر اروپا بتدریج دانشگاههایی بوجود آمد و کم کم در مراحل ترقی و کمال پیش رفت.

فقاید اقتصادی در قرون وسطی

در دوران بردگی در یونان و روم قدیم راجع بمسائل فلسفی و اجتماعی آراء و نظریات جالبی ابراز شده ولی درباره امور اقتصادی به نظریه مهمی بر نمیخوریم در این میان گزنفون کنایی بعنوان اقتصاد (اکنونومیک) تالیف

نمود؛ ولی در آن بیشتر از خانه‌داری بحث و گفتگو کرده است؛ در میان صاحب‌نظران قدیم، سوفسطائیان و رواقیون بحسبیت افراد در مقابل دولت برخاستند و با وجود طبقات مختلف المنافع و بنده داشتن و تفوق طبقات ممتاز کمابیش مخالفت کردند و صنعت و تجارت را مفید تشخیص دادند.

غیر از آنها افلاطون در کتاب جمهوریت و قوانین و ارسطو در کتاب سیاست و اخلاق جسته‌جسته مطالبی که ارزش اقتصادی دارد نوشته‌اند (خلاصه آراء آنان در صفحات ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۳۱ جلد اول این کتاب ذکر شده) به این ترتیب در دنیای قدیم تا قرن ۱۲ از طرف اروپائیان نظریات جالب اقتصادی اظهار نشده است؛ در قرون وسطی کلیسیا از روح اولیه مسیحیت دورتر افتاد باین معنی که کشیشان مانند اربابان و تیولداران املاک وسیعه و عده زیادی سرف و مباشر؛ بخدمت خود گماشتند.

آراء اقتصادی این دوره که غالباً از طرف پیشوایان دین اعلام شده بیشتر نیک مذهبی دارد سنت اگوستین (۴۳۰ - ۳۵۴) میگوید «خداوند مالک مطلق عالم آفرینش است و فقط او میتواند هر چه را که مایل است بمخلوق خود ارزانی دارد، بعضی از کافر کیشان مانند مانی مذهبیان بطور کلی از طلا و نقره بیزار می‌گشتند اما مسلمانان این گروه خطا نمیکنند زیرا طلا و نقره بنفشه بد نیستند فقط نباید بد استعمال شوند... کسانی که بیکم بخت و اقبال بدولت و مالی رسیده‌اند... باید از ذخیره خود بآنان که ندارند بیخشند... ثروت خصوصی همیشه میان مردم، مایه، تحقیرها، مخالفتها، جنگها، گناهها، بی‌عدالتیها و قتل و گشازها بوده است، آیا بر سردارانی همگانی هیچوقت موردی برای جدال پیدا میشود؟ مثلاً خورشید از آن همگان است و نور آن بتساوی بر همه میتابد».

سن‌توماداکن ۱۲۷۴ - ۱۳۲۶ در باره مسائل اقتصادی نظریاتی دارد او معتقد است که «انسان اصولاً حق دارد از نعمتهائی که برایش خلق شده است استفاده کند و اگر بآن پشت‌پا بزند زندگیش بخطر خواهد افتاد اما انسان باید مقداری از این نعمتها را برای صدقه به بیچارگان و ترحم بر بینوایان اختصاص دهد بهره برداری از زمین برای مردم يك تکلیف اخلاقی و شرعی است... مالکیت فردی سبب میشود که از ثروت سود بیشتری حاصل شود و کسیکه این حق مشروع به او ارزانی شده میتواند هر نوع

بهره‌ای از آن برگیرد؛ لیکن نباید فراموش کرد که نعمتهای زمین مال همگان است... اساس زندگی اجتماعی بر تقسیم وظایف و یاری یکدیگر گذاشته شده، چون هر کس از نتیجه کار دیگران برخوردار میشود بنا بر این باید با کوششهای جسمانی و روحانی خود برای پر شدن خزانه عمومی باری کند، سود و صلاح همگان را از نظر دور ندارد و به نصیب و قسمت مقدر خود راضی باشد... در بین افراد بشر عده‌ای قوی‌ترند؛ عده‌ای با هوش‌ترند عده‌ای با وجدان‌ترند و عده‌ای بیشتر ببرد دیگران میرسند طبقات مردم با هم متفاوتند و هر طبقه به تناسب خدماتش ارزش دارد... هر فرد باید در همان طبقه‌ای که از طرف ذات باری برایش مقدر شده باقی مانده بخدمت خود ادامه دهد» (۱) سن‌توماداکن بسا ربح و تنزیل پول مخالفت میکند ولی با گرفتن اجاره بها موافق است، بطور کلی صاحب‌نظران این دوره با رقابت مخالفت دارند و میگویند تولید کننده نباید از نیازمندی فروشنده سوء استفاده کند، بعدها با تغییر شرایط اقتصادی ورشد روزافزون جنبش بورژوازی عقاید اقتصادی نیز تغییر یافت مسئله بهای عادلانه *Juste Prix* و سود عادلانه مورد موافقت قرار میگیرد و بالاخره از اواخر قرن پانزدهم عقاید سوداگری *Mercantilisme* طرفدارانی پیدا میکند پیروان این نظر میگویند باید دولت برای انتظام تجارت و فلاح و صنعت مقررات و قوانینی وضع کند، چه دولت بصیرت و اطلاع بیشتری دارد و بیش از افراد منافع جامعه را تامین میکند و طلا و نقره را شرط اساسی فعالیت اقتصادی می‌شمارند سیاست اقتصادی آنها عبارتست از ۱ - منع صدور فلزات گرانبها ۲ - کوشش در اینکه بهای صادرات بیش از بهای واردات باشد ۳ - اخذ حقوق گمرکی از مصنوعات خارجی ۴ - تشویق مصنوعات داخلی.

پیدایش این نظریات درست در ایامی است که اصول فتوایسم متزلزل شده و در نتیجه رشد صنایع، تامین راهها، رواج تجارت و افزایش قدرت سلاطین موجبات رشد جنبش بورژوازی و زوال ملوک‌الطوایفی فراهم گردیده است.

۱- از کتاب تاریخ مالکیت ترجمه بانو فخری فاطمی